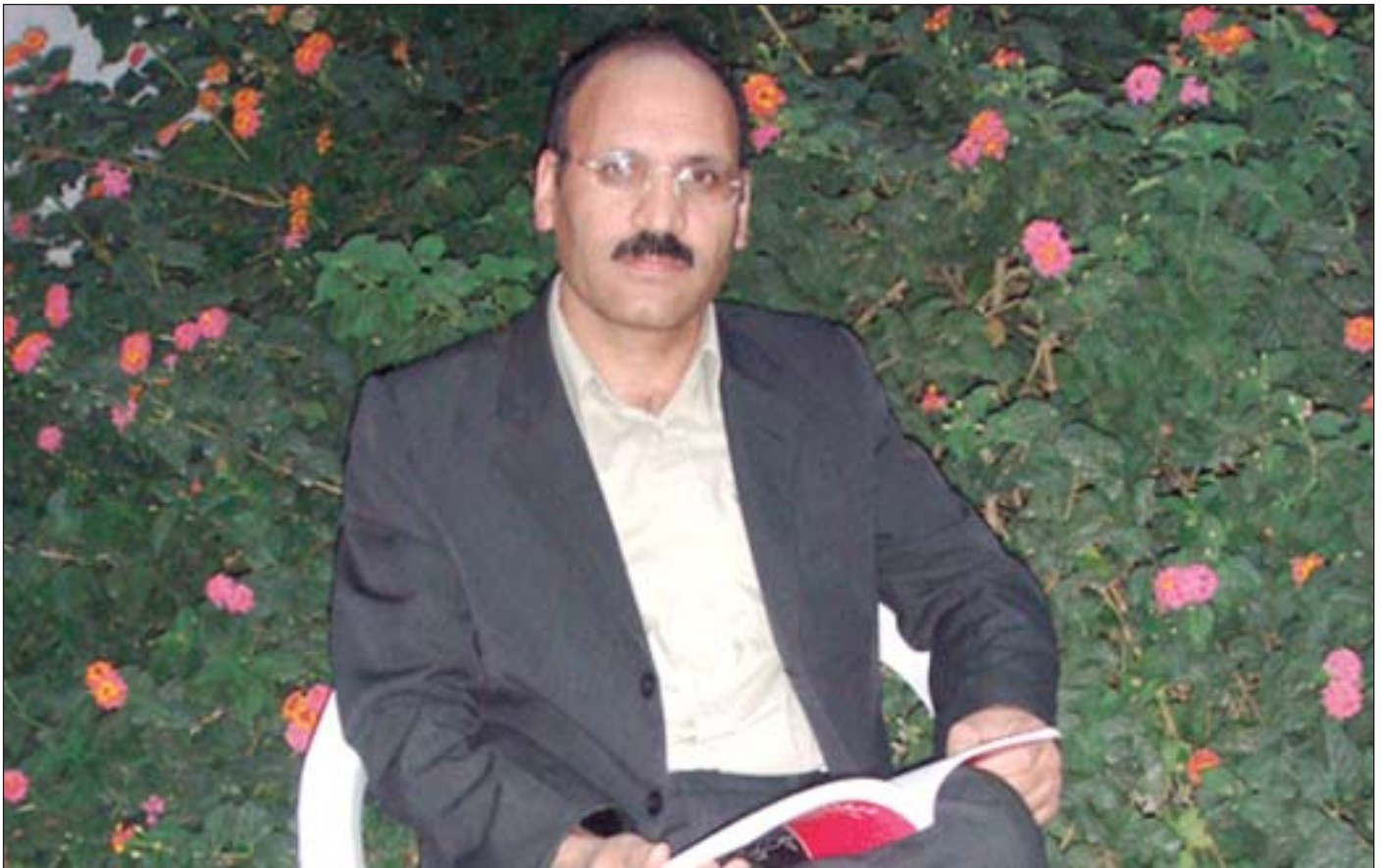


دکتر کاووس حسن لی، مؤسس بنیاد حافظ شناسی:

معماری واژگانی حافظ، ترجمه ناپذیر است



آن گستره معانی به هیچ قالب دیگری تن نمی دهد. این همه امکانات زبانی که در یک بیت حافظ فراهم شده، از فیلتر ترجمه نمی تواند بگذرد. در ترجمه بیشتر مفهوم است که منتقل می شود و آن مفاهیم است که از غربی ها دل می برد.

درک شعر و اندیشه حافظ برای مردم مغرب زمین تا حدودی سخت است. ما از حافظ اگر این همه لذت می بریم، به چند دلیل است. یکی معماری شگفت انگیز واژگانی در غزل حافظ است که هیچ مترجمی قادر به انتقال آن در زبان دیگر نیست. این واژگان با

کتابخانه

شنبه ۱۸ مهر ۱۳۸۸
۲۱ شوال ۱۴۳۰، ۱۰ اکتبر ۲۰۰۹
شماره ۲۰۲، پیاپی ۸۵۳
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



پرستوهای زخمی
در چنگ طالبان
اما امیدوار

۲۳



با سپیده خلیلی
درباره کتاب های
خیال انگیز

۱۴



حقیقی:
چاره های جز
نوشتن نداشتم

۷

سرآغاز

حسادت کتاب ها

کتاب فقط برای یک نفر است. همه انواع مکتوبات غیر کتابی، چه نشریه یا جریده ای باشند چه اعلامیه و هر نوع نوشته ای، مخاطبشان عام است. تلویزیون را می شود در جمع تماشا کرد و معمولا چنین است. رادیو پخش را که باز کنی هر که در اطراف باشد صدایش را می شنود. معمولا هم روشن می کنند تا جمعی بشوند. روزنامه نگاران برای افکار عمومی می نویسند. کتاب است که فقط برای یک نفر است. همین کتاب خواننده اش را از محیط می رباید، از جمع خارجش می کند و می کشدش به درون صفحات کاغذین خود. همه حواس را می طلبد. هر دو چشم و هر دو دست که در بندش هستند. دیگر حواس را هم مجال گریزی از حضورش نیست. اما کمتر گفته اند که این بهترین دوست، چه اندازه حسد می ورزد و تو را با تمام وجود می خواهد.

«ناپیدا» با ترجمه خجسته کیهان پیدا شد

آخرین رمان پل استر همزمان با چاپ جهانی در ایران منتشر می شود

خانم کیهان که پیش تر برخی از آثار استر را به فارسی ترجمه کرده، درباره رمان «ناپیدا» به خبرنگار کتاب هفته گفت: «استر در این رمان خاطرات مردی رو به مرگ و زوال را دنبال می کند. این مرد که «آدام واکر» نام دارد، خودش خاطراتش را به صورت یک زندگی نامه نوشته است و می خواهد این نوشته ها را برای چاپ به یکی از دوستانش که نویسنده است بسپارد. در خلال این ماجرا داستان به درون خاطرات این مرد می رود و ماجراهای زندگی او را می کاود. از جمله، جنایتی تکان دهنده که در ماجرای داستان بسیار تاثیر گذار است. سایر آثار استر دانست و توضیح داد: «مانند سایر آثار استر»



در این کتاب هم داستان ها در دل هم و به صورت تودرتو نقل می شوند، بخشی از کتاب شباهت هایی به گونه ادبیات معمایی پیدا می کند، اما ویژگی آن حالت روان شناسانه اثر است. استر در این اثر، روان شناسی و شخصیت شناسی خاصی از شخصیت های داستان خود عرضه می کند. ادامه در صفحه ۳

رمان «ناپیدا» آخرین اثر پل استر، نویسنده آمریکایی با ترجمه خجسته کیهان، همزمان با چاپ جهانی این کتاب در ایران نیز منتشر می شود. نشر افق، ناشر اکثر آثار پل استر، حق انتشار این کتاب (کپی رایت) را خریداری کرده و قرار است ترجمه خجسته کیهان از این رمان، همزمان با چاپ جهانی آن در ماه نوامبر سال جاری میلادی، در ایران هم منتشر شود. استر رمان «ناپیدا» را امسال نوشته است. اما این اثر هنوز منتشر نشده و قرار است نسخه اصلی انگلیسی این کتاب با نام «Invisible» تا پایان ماه جاری میلادی (اکتبر) یا اوایل ماه آینده (نوامبر) منتشر شود. اکثر آثار این نویسنده آمریکایی به فارسی ترجمه شده اند و فاصله انتشار ترجمه فارسی آنها نسبت به انتشار نسخه انگلیسی چندان طولانی نبوده است. نشر افق که انتشار مجموعه آثار این نویسنده را دنبال می کند، پیش تر نیز پس از خرید حق نشر، به انتشار ترجمه فارسی کتاب های استر اقدام کرده است. از جمله رمان «ردی در تاریکی» که امسال با ترجمه خجسته کیهان منتشر شد. اما این نخستین بار است که کتابی از پل استر همزمان با انتشار جهانی آن در ایران نیز منتشر می شود.

۲
نمایشگاه کتاب
ارومیه افتتاح شد

۳
• برنده بوکر ۲۰۰۹
معرفی شد

• ترجمه فیلم نامه ای
طنز درباره مرگ
از وودی آلن

۴
کتاب های
پرفروش هفته

خبر خوب برای کتاب فروشی ها و مراکز پخش امکان جدید برای خرید محصولات کانون فرهنگی آموزش (قلم چی)

با ما تماس بگیرید
۶۶۴۸۱۲۲۲

کانون فرهنگی آموزش (قلم چی)

از بس درباره این مسئله مهم (کتابخوانی) گفته ام و به من هم گفته نشده که چقدر اثر دارد، حقیقتاً وقتی می خواهم بار دیگر این مسئله را بیان کنم، دچار تردید می شوم که این دیگر جزء گفتار لغو نباشد! من نمی دانم واقعا این تکرار، اثر کرده، یا نکرده است؛ شما باید آن را بگویید. واقعا آماری بگیریید، ببینیم کتابخوانی چقدر رشد می کند. بیایید کاری کنید که مردم کتابخوان بشوند.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دست اندرکاران برگزاری هفته کتاب ۷۵/۳۰

پاسخ قرآن به شبهات

«روش پاسخ دهی به شبهات و تعامل با شبهه گران» به قلم حجت الاسلام والمسلمین سعید بهمنی از سوی موسسه بوستان کتاب قم اوایل سال آینده منتشر می شود.

نویسنده در این کتاب بر اساس الگوی قرآن به تحلیل روش پاسخ دهی خداوند به شبهات مطرح شده نسبت به قرآن می پردازد.

حجت الاسلام والمسلمین سعید بهمنی درباره این کتاب گفت: «خداوند عالم در مقابل شبهات نسبت به قرآن بی تفاوت نبوده و هر بار که شبهه ای در قرآن گزارش شده، اولاً عناصر پاسخ به آن شبهه در آیات ذکر شده و نیز خداوند با شبهه گر نوعی تعامل را سامان داده است.»

وی ادامه داد: «در قرآن کریم افزون بر عناصر پاسخ به شبهه، ما عناصری را می بینیم که بر نوع برخورد و تعامل خداوند با شبهه گر دلالت دارند، یعنی این گونه نیست که خداوند تنها به پاسخ به شبهه اکتفا کرده باشد.»

«چهل چرا» از قرآن

«چهل چرا» پاسخ به ۹۰ سوال اعتقادی، فقهی، قرآنی و عمومی به قلم عباس معصومی ویژه مخاطب نوجوان و جوان از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران منتشر شد.

این کتاب مجموعه چهل پرسش نوجوانان است که در قالب موضوعات اسلامی دسته بندی شده و نویسنده در این کتاب تلاش کرده با زبانی ساده و روان زمینه استفاده بیشتر مخاطب را فراهم سازد.

«چهل چرا» که در حقیقت مجموعه چهل جلدی پرسش و پاسخ های اسلامی است، مجموعه ای از معارف قرآن و اهل بیت (ع) را در خود جای داده است. کتاب در چهار فصل پرسش ها و پاسخ های اعتقادی، پرسش ها و پاسخ های احکام، پرسش ها و پاسخ های قرآنی و پرسش ها و پاسخ های عمومی خلاصه شده است.

«چهل چرا» به قلم عباس معصومی در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه، ۶۴ صفحه، قطع جیبی و قیمت ۴۰۰ تومان از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران منتشر شده است.

طرح بازنگری قانون حمایت از مولفان و مصنفان از سوی معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیری می شود. دکتر محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه برگزاری ضیافت روز شعر و ادب فارسی در گفت و گو با کتاب هفته در پاسخ به این سوال که «کار بازنگری قانون حمایت از مولفان و مصنفان در چه مرحله ای است»، با بیان این مطلب، از تاکید معاونت جدید امور حقوقی وزارت ارشاد بر بازنگری قانون مذکور خبر داد و گفت: «بحث تهیه لوائح بر عهده معاونت امور حقوقی وزارتخانه است و با توجه به منصوب شدن مسوول جدید برای این حوزه یعنی آقای عظیمی، ارائه لایحه درباره این قانون نیز از سوی این معاونت پیگیری می شود.

وی در ادامه افزود: «در مراسم معارفه ای که برای آقای عظیمی برگزار شد، ایشان هم بر مساله بازنگری قانون حمایت از مولفان و مصنفان به عنوان یکی از مسائل مهمی که در آینده پیگیری خواهند کرد تاکید داشتند.

پیش از این، حمید قبادی مشاور معاون فرهنگی



وزارت ارشاد خبر داده بود که قانون حمایت از مولفان و مصنفان در اداره حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حال بررسی است تا به زودی در مجلس شورای اسلامی نیز مورد بازنگری قرار گیرد.

با حضور ۳۰۰ ناشر

نمایشگاه کتاب ارومیه افتتاح شد

هفتمین نمایشگاه کتاب ارومیه چهارشنبه ۱۵ مهر با حضور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسوولان و علاقه مندان کتاب افتتاح شد.

به گزارش روابط عمومی موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم با اشاره به توصیه های رئیس جمهوری در خصوص کتاب گفت: «پرداختن به ادبیات کودکان و نوجوانان و فعالیت و تقویت مطالب و کمک به تولیدات در این مقطع سنی از جمله این توصیه هاست.» وی اظهار کرد: امیدواریم با تعیین مدیر کل اداره کتاب توصیه های رئیس جمهوری سرلوحه کارها قرار گیرد. پرویز یادآور شد: «برگزاری نمایشگاه های کتاب در خارج از مرکز کشور و در مناطق مختلف جزو مطالبات استان ها بوده که در معاونت فرهنگی پیگیری و برای استفاده از ظرفیت های استان ها اقدام شده است.» وی افزود: کتاب به عنوان بخشی از هنر مکتوب، مهم تر از دیگر حوزه های فرهنگی است و در تاثیر گذاری آن نخبگان، دانشجویان و محصلان سهم هستند. وی، ضرورت کار بیشتر برای توسعه و رشد بخش کتاب در کشور را مورد تاکید قرار داد. در این نمایشگاه ۳۰۰ ناشر داخلی در ۲۰۰ غرفه ۴۵ هزار عنوان کتاب خود را در نمایشگاه ارومیه عرضه کرده اند. این دومین نمایشگاه استانی کتاب در مهر ماه است که پس از نمایشگاه کتاب تبریز درهای خود را به روی علاقه مندان به کتاب می گشاید.

نمایشگاه کتاب ارومیه تا ۲۱ مهر همه روزه صبح ها از ساعت ۹ تا ۱۲ و عصرها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ پذیرای علاقه مندان است و کتاب های این نمایشگاه با ۴۰ درصد تخفیف عرضه می شوند. نیمی از هزینه این تخفیف توسط وزارت ارشاد و نیمی دیگر توسط خود ناشران تقبل شده است. نمایشگاه کتاب ارومیه در محل دائمی نمایشگاه های این شهر برگزار شده است.

سومین جشنواره بین المللی فارابی در تهران

دعوت کرد آثار و نظریه های خود را ارسال کنند؛ سپس آثار دریافت شده توسط استادان و صاحب نظران در پنج مرحله ارزیابی شد و اکنون نیز دبیرخانه مشغول ارزیابی نهایی این آثار ست. دکتر علیخانی، رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و رئیس دبیرخانه جشنواره بین المللی فارابی گفت: اصلی ترین برنامه این جشنواره، تقدیر از برگزیدگان است که در چند قسمت همراه با اهدای جوایز صورت می گیرد. در بخش اول به برگزیدگان داخلی در یازده حوزه مختلف علوم انسانی و اسلامی که شامل تمام رشته های می شود، جوایزی اهدا خواهد شد. همچنین از پژوهشگران خارجی که در زمینه های ایران شناسی و اسلام شناسی تحقیقات برگزیده ای داشته اند، تقدیر به عمل می آید.

به گفته رئیس دبیرخانه جشنواره بین المللی فارابی در بخش دوم اهدای جوایز از شخصیت های علمی سایر بخش های جشنواره شامل مترجم، مصحح، نظریه پرداز برگزیده و پیشکسوت علوم انسانی ایرانی تقدیر می شوند. جشنواره بین المللی فارابی با مشارکت بیش از ۲۰ مرکز پژوهشی عمده کشور و مراکز علمی آموزشی بین المللی یونسکو و آیسکو، دوم آبان ماه سال جاری در سالن اجلاس سران برگزار خواهد شد.

سومین جشنواره بین المللی فارابی، دوم آبان در سالن اجلاس سرای کشور های اسلامی برگزار می شود. تشویق پژوهشگران برای شناسایی، تصحیح و تحقیق انتقادی در متون علمی - فرهنگی و ارائه آثار برتر در این حوزه از اهداف این جشنواره است. به گزارش خیرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، دبیرخانه همایش بین المللی فارابی دی ماه سال گذشته طی فراخوانی از استادان و علاقه مندان در این همایش

اشعری: کتابخانه ملی با تکیه بر نوآوری فعالیت خواهد کرد

علی اکبر اشعری، رئیس کتابخانه ملی و مشاور رئیس جمهوری، با اعلام خبر ابقای خود در چهار سال آینده گفت: «در چهار سال آینده برنامه های متنوع زیادی را با اتکا به نوآوری برنامه ریزی خواهیم کرد.» اشعری به کتاب هفته گفت: «در همه مناسبت های مرتبط با حوزه کتاب، تمام تلاش خود را برای همکاری با دوستان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته ایم و برای هفته کتاب نیز در همکاری مشترک با خانه کتاب، فعالیتی را پیش بینی کرده ایم که جزئیات آن به زودی اعلام خواهد شد.

وی با اشاره به ابقای خود به مدت چهار سال دیگر به عنوان رئیس کتابخانه ملی و مشاور رئیس جمهوری گفت: «از همه مدیران سازمان اسناد و کتابخانه ملی خواسته ام تا فعالیت های خود را براساس تنوع و نوآوری در عرصه فرهنگی آماده کرده که امیدواریم این برنامه ها تا پایان مهر ماه آماده شود.»

رئیس کتابخانه ملی با اشاره به برگزاری موفق نمایشگاه کتاب در مصلاهی امام خمینی (ره) گفت: تغییر فضای نمایشگاه کتاب به شکل مستمر، مطلوب نیست و کمکی به رشد و رونق این نمایشگاه نخواهد کرد. انتظار ما این بود که در سه سال برگزاری نمایشگاه کتاب تهران در مصلاهی امام خمینی (ره) نمایشگاه بین المللی تهران (شهر آفتاب) آماده شود که متأسفانه این اتفاق روی نداد.

محسن پرویز در حاشیه ضیافت روز شعر و ادب فارسی:

بازنگری قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان پیگیری می شود

معاونت فرهنگی وزارت ارشاد همچنین چندی پیش از نمایندگان تشکل های فرهنگی دعوت کرد تا با ارائه پیشنهادهای و راهکارهای خود، این معاونت را برای اصلاح قانون حمایت از مولفان، مصنفان و هنرمندان یاری دهند.

قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان که هم اکنون به آن استناد می شود، مصوب سال ۱۳۴۸ است که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان نیاز به بررسی و بازنگری دارد.

دکتر پرویز همچنین در پاسخ به این سوال که «انتخاب دبیر علمی برای کتاب سال به کجا رسید؟» گفت: «در حال حاضر کارها به صورت گروهی انجام می شود و در جلساتی که با دوستان در این زمینه داریم، مسائل به دقت بررسی می شوند. کار به خوبی پیش می رود و مشکلی از این بابت وجود ندارد.

وی در ادامه تصریح کرد: آخرین جلسه ای که داشتیم رایزنی هایی درباره انتخاب سه نفر صورت گرفت و دوستان از من خواستند تا با این سه نفر صحبت کنم و در صورتی که بپذیرند، اسامی شان به طور رسمی اعلام خواهد شد.

تشکیل ستادهای

هفته کتاب در ۳۰ استان



به گفته حمید قبادی، مشاور معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و عضو ستاد برگزاری هفته کتاب، ستادهای برگزاری هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در ۳۰ استان کشور تشکیل شده اند و ستادهای استانی با هدف برنامه ریزی مناسب برای برگزار هرچه بهتر برنامه های این هفته فعالیت خواهند کرد. به گزارش ستاد خبری هفدهمین دوره هفته کتاب قبادی با اعلام این خبر افزود: همسو با فعالیت های صورت گرفته در ستاد مرکزی هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «کتاب، دانایی، توانایی»، با محوریت برگزاری یک هفته جشن کتاب در استان ها، ستادهای هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی در استان ها تشکیل شده اند.

وی اضافه کرد: برابر دستورالعمل ابلاغی از سوی ستاد مرکزی هفته کتاب به ستادهای استانی، این ستادها موظفند با مسوولیت ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ها، از تمام نهاد ها، سازمان ها و انجمن های دولتی و غیردولتی برای عضویت در ستاد هفته کتاب دعوت کنند.

قبادی گفت: همچنین براساس نامگذاری روزهای هفدهمین دوره هفته کتاب، ستادهای استانی باید برنامه های خود را با محوریت این نامگذاری به مرحله اجرا درآورند. عضو ستاد هفته کتاب، افزود: برابر گزارش های دریافتی، هم اکنون این ستادها با حضور نمایندگان انجمن های فرهنگی استان ها، جلسات منظمی برگزار و بسیاری از آنها برنامه های خود را نیز اعلام کرده اند.

قبادی همچنین از رونمایی مجموعه ۱۲ جلدی «کتاب و کتابخوانی در جهان» در هفته کتاب خبر داد و گفت: از اطلاعات جمع آوری شده در این مجموعه می توان به روش های افزایش مطالعه و گرایش به کتابخوانی و راه های ایجاد انگیزه در سنین مختلف اشاره کرد.

هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران از ۲۳ تا ۳۰ آبان ماه سال جاری در سراسر کشور برگزار خواهد شد.

هیلاری مانتل با «تالار گرگ» بوکر گرفت



می‌گیرد و فضای اختناق را بیشتر می‌کند و لایه‌های اصلاح طلبانه اش کاملاً مطابق سیاست‌های ناجوانمردانه اش است.

هیلاری مانتل، در ۶ جولای سال ۱۹۵۲ در انگلیس به دنیا آمد. وی در مدرسه اقتصاد لندن و سپس دانشگاه «شفیلد» تحصیلاتش را در حیطه حقوق ادامه داد و به عنوان مشاور حقوقی مشغول به کار شد. در اواخر دهه ۸۰، این نویسنده حدود چهار سال در عربستان سعودی زندگی کرد و در سال ۱۹۸۷ با مقاله‌ای درباره «جده» توانست جایزه یادبود «شیوانا نیپال» را به دست آورد.

از میان آثار این نویسنده می‌توان به آثاری چون «هشت ماه در خیابان غزه» (۱۹۸۸)، «مکانی برای امنیت

هیلاری مانتل، نویسنده ۵۷ ساله انگلیسی، با رمان تاریخی «تالار گرگ» که ماجرای از یک توطئه سیاسی در زمان سلطنت هنری هشتم بر انگلستان قرن ۱۶ میلادی را نقل می‌کند، جایزه «من بوکر» سال ۲۰۰۹ را از آن خود کرد.

نام خانم مانتل شامگاه سه شنبه گذشته، در حالی به عنوان برنده جایزه «من بوکر» امسال اعلام شد که اسامی نویسندگان مطرحی چون جی ام کوئیزی، برنده نوبل ادبیات و ای اس بیات، نویسنده انگلیسی که پیش‌تر هم به «من بوکر» دست یافته، در میان ۶ نامزد نهایی این جایزه ادبی قرار داشتند.

رمان تاریخی «تالار گرگ» اثر مانتل، به بررسی تقابل روانشناسی فردی و سیاست‌های کلان یک دوره از تاریخ می‌پردازد. وجود شخصیت‌های گاه حقیقی و گاه خیالی ورق‌های تاریخ را به عقب برمی‌گرداند و انگلیس را به نوعی جامعه‌ای نیمه تمام نشان می‌دهد که خود را در قالب شجاعت و عشق جای داده است. این کتاب، داستانی را از سال ۱۵۲۰ میلادی نقل می‌کند. تاج و تخت پادشاهی از آن هنری هشتم است. اما این پادشاه وارثی ندارد. پس از او توماس کورنول بر تخت سلطنت می‌نشیند. کورنول شخصی است ظالم که حریم‌خانه به دنبال علایق شخصی خود است. تصمیم‌های جاه طلبانه اش یکی از دیگری پیشی

ترجمه فیلم نامه ای طنز درباره مرگ از وودی آلن

فیلمنامه «او مرگ و مرگ دست او را روی می‌کند»، اثر وودی آلن، نویسنده و فیلم‌ساز آمریکایی، در ایران منتشر می‌شود.

این فیلمنامه را شهرام زرگر به فارسی ترجمه کرده که ترجمه او توسط «نشر چشمه» روانه بازار کتاب ایران می‌شود.

وودی آلن این فیلمنامه را برای نخستین بار در سال ۱۹۷۵ در مجموعه‌ای به نام «Without Feathers» منتشر کرد. این کتاب که شامل چند نمایشنامه و فیلمنامه و تعدادی داستان کوتاه بود، پس از انتشار چهار ماه در صدر فهرست کتاب‌های پر فروش نشریه نیویورک تایمز باقی ماند.

ترجمه زرگر از فیلمنامه «او مرگ و مرگ دست او را روی می‌کند»، در ۱۱۷ صفحه چاپی روانه بازار کتاب ایران می‌شود.

آلن دو بار به عنوان فیلمنامه‌نویس و یک بار برای کارگردانی به جایزه سینمایی اسکار دست یافته و بارها برای این جایزه کاندید شده است که از این نظر رکورددار است. اما او هرگز برای دریافت جایزه خود در مراسم اسکار حضور نیافته و عقیده دارد رقابت در عرصه هنر کاملاً بی‌معناست.

از این نویسنده تا کنون کتاب‌ها و فیلمنامه‌هایی چون «آنی هال»، «مرگ در می‌زند»، «پایان هالیوودی»، «مانهاتان» و «کتک دراگولا» به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده‌اند.

بیشتر» (۱۹۹۲)، «تغییر آب و هوا» (۱۹۹۴) و «تجربه‌ای در عشق» (۱۹۹۵)، اشاره کرد که هر یک در زمان چاپ خود جایزه‌هایی را از آن خود کرده‌اند.

مانتل، عصر سه شنبه در «گیلد هال» لندن و پس از دریافت جایزه گران قیمت بوکر که چیزی نزدیک به ۹۰ هزار دلار (۵۰ هزار پوند) است گفت که این مبلغ را برای خریدن «زمان» خرج خواهد کرد و این چیزی است که هر نویسنده‌ای به آن نیاز دارد.

وی برای نوشتن «تالار گرگ» پنج سال زمان صرف کرده است و به گفته جیمز نافتای، رییس هیات داوران جایزه بوکر، این جایزه بعد از سه سال «بحث شورانگیز» میان داوران بوکر درباره این کتاب، به خانم مانتل تعلق می‌گیرد.

دیگر کتاب‌هایی که به مرحله نهایی این جایزه راه یافته بودند عبارتند از: «کتاب کودکان» نوشته ای. اس. بیات، «تابستان» اثر جی. ام. کوئیزی، «هزارتوی پرشتاب»، نوشته آدام فولدرز، «اتاق شیشه‌ای» نوشته سیمون ماور و «غریبه کوچک» اثر سارا واترز.

جایزه من بوکر از سال ۱۹۶۹ برگزار می‌شود و شرایط شرکت در آن این است که انتشار کتاب در بریتانیا و توسط فردی که مقیم این کشور یا یک کشور مشترک المنافع با بریتانیا (ایرلند و زیمبابوه) بوده و به زبان انگلیسی نوشته شده باشد.

یادواره «محمود درویش» در الجزایر برگزار شد



نشست یادواره محمود درویش شاعر فقید فلسطینی با حضور جمعی از نویسندگان و مترجمان عرب در الجزیره پایتخت الجزایر برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از روزنامه مصری الیوم السابع، در این نشست شماری از مترجمان و فرهنگیان به معرفی آثاری از محمود درویش پرداختند که ترجمه و در کشورهای مختلف منتشر شده است.

همچنین «فاروق مردم‌بای» ناشر و دوست صمیمی درویش در فرانسه، در سخنرانی ویژه‌ای درباره وضعیت ترجمه و نشر آثار محمود درویش گفت: ابتدا آثار محمود درویش به دلیل جایگاه سیاسی اش و اولویتی که به مسائل سیاسی مرتبط با فلسطین می‌داد با مشکل روبه‌رو بود، اما به فضل الهی توانستیم به خود جرأت دهیم و اشعار درویش را به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر کنیم. اکنون بسیاری از مردم غیر عرب با اشعار درویش احساس هم‌دردی می‌کنند. اشعار درویش اکنون نزد بسیاری از جوانان اروپایی جایگاه ویژه‌ای دارد و شما می‌توانید زمزمه اشعار درویش را به ویژه نزد جوانان فرانسوی مشاهده کنید.

عادل کرشولی مترجم اشعار درویش به زبان آلمانی نیز در سخنانی محمود درویش را به «نردبازی که هرگز نمی‌میرد»، تشبیه کرد و گفت: من با اشعار درویش زخم‌های مردم فلسطین را در وجود خود لمس می‌کنم. درویش مردی بود که فلسطین همیشه در وجودش متبلور بود و وی همیشه به این که فلسطینی است افتخار می‌کرد.

این نشست شنبه، سوم اکتبر به کار خود پایان داد، اما مراسم حاشیه‌ای آن از جمله شب شعری که به مناسبت درگذشت محمود درویش برگزار شده بود تا یکشنبه چهارم اکتبر ادامه داشت.

آخرین رمان پل استر همزمان با چاپ جهانی در ایران منتشر می‌شود

بقیه از صفحه اول

۱۹۴۷ به آمریکا بازگشت. استر پس از بازگشت به آمریکا با لیدیا دیویس نویسنده آمریکایی ازدواج کرد، ولی این ازدواج دوام نیاورد و به طلاق انجامید. او در سال ۱۹۸۱ با سیری هوستوت رمان نویس و روزنامه‌نگار، آشنا شد و با او ازدواج کرد. این زوج در حال حاضر با یکدیگر در بروکلین (نیویورک) زندگی می‌کنند.

شهرت استر بیشتر به خاطر مجموعه «سه گانه نیویورک» به دست آمده است. همچنین از فیلمنامه‌های او می‌توان به «لولو روی پل» اشاره کرد. این نویسنده همچنین بخشی از شهرت خود را مدیون برخی از رمان‌های پلیسی و جنایی است که بخش عمده‌ای از کارهای اولیه او را در نویسندگی تشکیل می‌دهند. استر تا امروز بیش از ۱۰ رمان و مجموعه داستان، یک مجموعه شعر، ۵ نمایشنامه و فیلمنامه و سه مجموعه مقاله‌ی زندگی‌نامه خودنوشت (autobiography) به چاپ رسانده است. وی همچنین شش کتاب ترجمه شده و جمع‌آوری سه مجموعه داستان از نویسندگان مختلف را نیز در کارنامه فرهنگی خود ثبت کرده است.

کیهان همچنین تاکید کرد: «یکی دیگر از نکات جالب توجه رمان «نابیدا» تصویر کردن شخصیتی بسیار منفی و شرور توسط پل استر است. در اکثر آثار استر شخصیت‌های منفی وجود دارند. اما این نویسنده در رمان جدید خود پردازش شخصیت منفی در داستان را به اوج رسانده است.»

از پل استر تاکنون بیش از بیست عنوان کتاب «گاه با دو ترجمه متفاوت»، راهی کتابفروشی‌های ایران شده‌اند تا استر در کمتر از پنج سال به نویسنده‌ای پرخواننده در ایران تبدیل شود.

این نویسنده با نام کامل پل بنجامین استر در ۳ فوریه ۱۹۴۷ میلادی در نیویورک از پدر و مادری متعلق به طبقه متوسط به دنیا آمد. او در دانشگاه کلمبیا تحصیل و مدرک لیسانس و فوق لیسانس خود را از این دانشگاه دریافت کرد. استر بعد از پایان تحصیلاتش به فرانسه رفت و چهار سال در این کشور زندگی کرد و سپس در سال

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی www.ibna.ir، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

دستغیب: محافل ادبی را رونق دهید

خبرنگار «ایبنا» در حاشیه مراسم گرامیداشت روز شعر و ادب فارسی که عصر دوشنبه گذشته در هتل لاله تهران برگزار شد، با چند تن از نویسندگان و شاعرانی که مهمان این ضیافت بودند به گفت‌وگو نشستند. از جمله این افراد عبدالعلی دستغیب، حکیمه دبیران، حسین اسرافیلی و عبدالرضا ملکیان‌اند.

دستغیب، نویسنده و منتقد ادبی در این گفت‌وگو درباره انجمن‌های ادبی و لزوم برپایی پروتون محافل فرهنگی سخن رانده و گفته است: «این مراسم و محافل باید جنبه گفت‌وگویی داشته باشد؛ چراکه افراد به خاطر عادت به دیدن برنامه‌های تلویزیونی دیگر حوصله شنیدن سخنرانی ندارند. از سوی دیگر صحبت‌ها در این گونه برنامه‌ها تکراری و قدیمی‌اند و برای جوانان جذابیتی ندارد.»

تمام کتاب‌هایی که از راه می‌رسند

فهرست کامل تمامی کتاب‌هایی که از تاریخ ۵ مرداد تا ۱۵ شهریور امسال، برای انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز چاپ دریافت کرده‌اند، در «ایبنا» منتشر شده است. در این فهرست ۸۳ صفحه‌ای که به صورت فایل (PDF) در این خبرگزاری منتشر شده، نام کتاب و پدیدآورنده آن، شامل نویسنده، شاعر، گردآورنده یا مترجم، درج شده است، اما برخلاف فهرست‌های پیشین که در این خبرگزاری منتشر می‌شد، نام ناشر کتاب ذکر نشده است.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب‌ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب‌هایی که به زودی قدم به کتابفروشی‌ها می‌گذارند، گفت‌وگو‌هایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه‌ترین خبرها و گزارش‌ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل‌هایی بر کتاب‌های جدید، از دیگر مطالبی‌اند که می‌توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

با صدور بیانیه‌ای

نویسنده روسی به

«نفرت از روس‌ها» متهم شد

ویکتور یروفیف نویسنده روسی که بارها در آلمان به روخوانی آثارش پرداخته، به دلیل نفرت از روس‌ها به طور آشکار در کشورش با انتقاد روبه‌رو شده است. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از خبرگزاری آلمان، دانشمندان کشور روسیه با امضای بیانیه‌ای، این نویسنده را به دلیل بی‌احترامی به فرهنگ، زبان و تاریخ کشور روسیه، سرزنش کردند.

در این بیانیه که خطاب به مجلس نوشته شده، از این نویسنده به خاطر استفاده بیش از حد از کلمات اهانت آمیز، انتقاد شده و آمده است: او به نفرت ملی علیه روس‌ها دامن می‌زند. یروفیف مانند دوره اتحاد جماهیر شوروی از تعقیب توهमत و تقیح کردن سخن می‌گوید.

۱۹ دانشمند با امضای این بیانیه خواسته‌اند تا این نویسنده بر اساس قانون اساسی روسیه به خاطر این مسأله مورد مواخذه قرار گیرد.

این نویسنده ۶۲ ساله یک بار به شکلی طنز آلود این مطلب را به رشته تحریر درآورده بود که مردم روسیه تنها زمانی که شکنجه شوند و جلو دیوار قرار بگیرند، احساس یک روس واقعی را دارند.

فرهنگنامه دانش آموزی در صدر فروش

در هفته‌های آغازین سال تحصیلی جدید فرهنگنامه دانش آموزی «کلید دانش» اثر حسن سالاری، حسین سوزنجی و محمدرضا سهرابی از انتشارات طلایی و پیام عدالت به گفته مسؤل فروش کتابفروشی «انجام کتاب» از فروش بالایی برخوردار بوده است. این فرهنگنامه که در سال ۸۶ نیز به عنوان اثر برگزیده کتاب سال در شاخه علوم و فنون شناخته شد، با هدف گردآوری منابعی برای پژوهش‌های دانش آموزی فراهم شده است. معرفی فرهنگ ملی و اسلامی ایران، پرداختن به مفاهیم پایه‌ای اسلام، معرفی بیش از ۴۰۰ شخصیت ایرانی و ۸۰۰ نام آور جهان، بیش از ۲۰۰ تصویر و عکس درباره رویدادها و شخصیت‌های ایران و جهان اسلام، معرفی ۵۰۰ پایگاه اینترنتی مرتبط با مقاله‌های فرهنگنامه، ۴۰۰ مقاله و ۲۵۰۰ تصویر رنگی، پرداختن به دستاوردهای تمدن ایرانیان و معرفی مهم‌ترین رویدادهای ایران و جهان از جمله ویژگی‌های این فرهنگنامه اند.

کتابفروشی «انجام کتاب» علاوه بر اثر نام برده، دیگر آثار پرفروش خود را به این ترتیب اعلام کرد؛ «ماجراهای پرس» اثر نیک باترورث با ترجمه حسین ابراهیمی (الوند) از انتشارات طرح و اجرای کتاب؛ «روخوانی و روانخوانی» اثر علی حبیبی از انتشارات مصطفای قم و «دایره‌المعارف دانش» در شش جلد؛ تمدن‌های باستانی؛ اطلس؛ ورزش؛ حیات وحش؛ تکنولوژی؛ وسایل نقلیه اثر زبیل اشنایدر با ترجمه فریده پور شفیق از انتشارات انجام کتاب. انتشاراتی آموزشی قلم نیز در هفته گذشته سه عنوان را در صدر آثار پرفروش خود داشته است. مجموعه دو جلدی «یادگیری خلاق» و «پاسخگویی خلاق» تألیف فتح‌الله شجری؛ «فرهنگ اصطلاحات فقهی» اثری از گروه مطالعات اسلامی دایره‌المعارف اسلام شناسی و «به دنبال شادکامی» اثر کن کایز و بروس بورکان با ترجمه فضل‌الله شاهرودی پور و فتح‌الله شجری.

مجموعه دو جلدی «یادگیری خلاق» و «پاسخگویی خلاق» به گفته نویسنده این اثر، نگاهی دارد به شیوه‌های یادگیری خلاقانه برای درک کامل و خلاقانه و به خاطر سبب‌های پایدار داده‌ها، بازیابی کامل داده‌ها و تولید خلاق داده‌های نوین. کتاب «یادگیری خلاق» در ۱۵ فصل و سه بخش با عناوینی مانند بهره‌وری بهینه از زمان، افزایش سرعت مطالعه و بهره‌وری و شرایط مطالعه (به گونه‌ای که بتوان با یک بار خواندن مطالب را به طور کامل فراگرفت) و مباحث مربوط به نظام‌های حافظه، خلاقیت و ضمیر ناخودآگاه نوشته شده است.

«ما هیچ، ما نگاه» سهراب سپهری را شماری از متخصصان شعر کشور بهترین مجموعه شعر او، و شماری دیگر نتیجه افول شاعری اش می‌دانند. هوشیار انصاری فر، شاعر و منتقد ادبی، نگرش سهراب را در «ما هیچ، ما نگاه»، ناشی از تغییر زبان ساده و تصویری او در شعرهای قبلی، به پیچیدگی‌های زبانی و بیانی جدید و دستیابی به مرحله‌ای تازه در سلوک عرفانی او می‌داند و تحلیلی مثبت از این روند دارد.

انصاری فر در گفت‌وگو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بررسی دو کتاب «حجم سبز» و «ما هیچ، ما نگاه» سروده سهراب سپهری گفت: به نظر من از میان آثار سهراب شاید بیشترین کتاب خواننده شده «حجم سبز» است و در کنار آثاری چون منظومه‌های «مسافر» و «صدای پای آب» قرار می‌گیرد. اما مجموعه شعر «ما هیچ، ما نگاه» در سال‌های پس از مرگ سهراب از توجه اندکی برخوردار شده و تنها توسط برخی از دست‌آوردان شعر او اشاره‌هایی به مضامین شعری این مجموعه صورت گرفته است.

وی در توضیح علت این امر اظهار داشت: شاید این پیچیدگی‌های زبانی و بیانی شاعر در این مجموعه باشد که دیگران را از پرداختن به این پیچیدگی‌ها و شفاف‌سازی آنها واداشته است. سهراب در منظومه «صدای پای آب» با زبانی ساده و موزون سخن گفته و حتی دفتر «حجم سبز» او مجموعه‌ای از سروده‌های

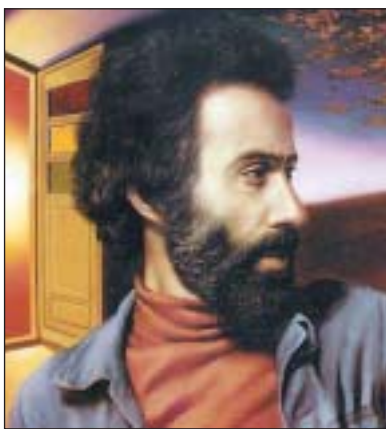
«ما هیچ، ما نگاه» مرحله‌ای تازه در سلوک عرفانی سهراب

از جهان اطراف خود بیش از آن چیزی است که در دفتر شعر «حجم سبز» و دو منظومه بلند خود داشته است. او به نوعی به نوشتن شهودهای خود رسیده بود و سروده‌هایش دیگر ارتباط مستقیمی با امور روزمره نداشتند.

انصاری فر از تعدیل زبان سهراب به عنوان اقبال و یا ضربه‌ای در شعر او یاد و تصریح کرد: سپهری شاعری است که با غزل و مثنوی شعر را آغاز می‌کند و سپس در دوره‌ای از جوانی اش همراه هم‌نسلان خود متأثر از نیما می‌شود. زبان سهراب در دفترهای ابتدایی هشت کتاب تابع الگوی زبان نیما و هوشنگ ایرانی است.

وی به آشنایی سهراب با شعر انگلیسی و عرفان شرق اشاره کرد و ادامه داد: تمام این عوامل می‌توانست برای سپهری امکاناتی را به وجود آورد و او را به سطحی دیگر از شعر برساند.

این منتقد ادبی با تأکید مجدد بر تغییر گرایش سهراب در دفتر شعر «ما هیچ، ما نگاه» اظهار داشت: این تغییر در زبان و نگاه سهراب بوده و جنس شعرهای او در این مجموعه به نسبت آنچه پیش از آن منتشر کرده بود، متفاوت شده است. اما متأسفانه خوانندگان شعر کمتر این مجموعه را خوانده‌اند. برعکس، مجموعه «حجم سبز» به دلیل پرداخت سهراب به مضامین اخلاقی و نکته‌پردازانه‌ها، توانسته توقع شاعران و مخاطبان آن را برآورده کند.



تصویری و بیان با طراوت و بدیع اوست؛ بدون آن که پیچیدگی در زبان داشته باشد.

انصاری فر از این ویژگی به عنوان ویژگی شعر دهه ۶۰ یاد کرد و افزود: در آن سال‌ها زبان ساده و محاوره‌ای و معطوف به امور روزمره بسیار رواج داشت و بیشتر توجه علاقه‌مندان شعر را به خود جلب می‌کرد. می‌توان گفت سلیقه ادبی آن روزها سادگی و تصویری بودن شعر را می‌پسندیده است. وی در ادامه به رسیدن سهراب به نقطه‌ای در سلوک عرفانی شخصی اش در «ما هیچ، ما نگاه» اشاره کرد و افزود: دریافت سپهری در این دفتر شعر

بنیاد ادبیات داستانی آثار فاخر را انتخاب و ترجمه می‌کند

چیره دستی رادر کشورهای مختلف بیابیم تا آثار فارسی در همان کشور مقصد و با حمایت ما چاپ شود.»

ایجاد زمینه برای شناسایی و کشف استعدادها و ناشناخته از جمله اهداف عنوان شده از سوی مدیرعامل بنیاد ادبیات داستانی برای راه‌اندازی این بخش بود. وی در ادامه تصریح کرد: «ما با زاویه و خط‌کش و نگاه خودمان برای ترجمه سراغ آثار می‌رویم زیرا بر این باوریم که برای مثال وقتی فردی وارد نمایشگاه کتاب می‌شود و می‌خواهد سراغ کتابی برود، انتظار دارد خیالش از هر حیث درباره آن کتاب راحت باشد و بدون دغدغه، کتاب را برای مطالعه در اختیار فرزندان یا اعضای خانواده اش قرار دهد و برای این منظور لازم است اسناد معتبری کتاب را تأیید کرده باشد تا مخاطب نیز بتواند آن را بپذیرد.

سالاری در پاسخ به این سوال که «آیا این آثار با رویکردی لزوماً باید تئوریک‌رصد می‌شوند؟» گفت: نمی‌گوییم لزوماً آثار منطبق با ایدئولوژی ما تأیید می‌شود اما لازم است مخرب هم نباشد، یعنی این طور نیست که همه آثاری را که ما ترجمه می‌کنیم حتماً ادبیات مذهبی باشند. ادبیات روز جهان هم مد نظر ما قرار دارند اما ما ملاک‌های خودمان آنها را انتخاب می‌کنیم و بدهی است که مخاطب هم آزاد است این آثار را بخواند یا نخواند.

حاضر در مرحله مقدماتی است، یادآور شد: «فهرستی را از آثار فاخر تهیه کرده‌ایم که وقتی این فهرست نهایی شد مرحله اول کار را شروع می‌کنیم.»

سالاری با تصریح این نکته که این بخش مستقل از سرای عالی ترجمه و به شکل تخصصی در حوزه داستان فعالیت خواهد کرد، درباره نحوه فعالیت این بخش توضیح داد: «درباره ترجمه آثار از زبان فارسی به زبان‌های دیگر درصددیم تا ناشران و مترجمان

مدیرعامل بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان در راستای راه‌اندازی بخش ترجمه در این بنیاد، از رایزنی با تعدادی از مترجمان و انتخاب برخی آثار فاخر برای ترجمه خبر داد.

به گفته محمود سالاری این حرکت در دو بخش ترجمه آثار از زبان فارسی به زبان‌های دیگر و ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی تدارک دیده شده است. سالاری با اشاره به این که این کار در حال

برنامه‌های سرای اهل قلم در این هفته

برنامه هفتگی سرای دایمی اهل قلم از سوی موسسه خانه کتاب اعلام شد. این هفته، همزمان با سالروز تولد حافظ، اولین جلسه از سلسله نشست‌های «حافظ پژوهی» آغاز می‌شود و چند کتاب نیز با حضور منتقدان نقد خواهد شد.

نخستین نشست این هفته، امروز شنبه هجدهم مهر به موضوع حافظ پژوهی با حضور چند تن از استادان حافظ پژوه اختصاص دارد. این نشست‌ها دنباله دار است و هر هفته پی گرفته خواهد شد.

نشست روز یکشنبه نیز با موضوع «روان‌شناسی روابط بین فردی» با حضور سیمین جعفری و محمود میرسلیمی برگزار خواهد شد. «زیباشناسی و فلسفه رسانه» عنوان نشست روز دوشنبه بیستم مهر است که در این نشست نیز استادانی از جمله دکتر سید حسن حسینی، دکتر محمد شهبان و دکتر حسین کاجی حضور خواهند داشت. نشست پایانی این هفته نیز روز سه‌شنبه به نقد و بررسی مجموعه داستان «فریادهای بی‌صدا»، با حضور فرحناز علیزاده، زهرا پور قربان و میترا هنرمند اختصاص دارد. تمامی نشست‌های این هفته از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ در محل سرای دایمی اهل قلم واقع در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ برگزار می‌شود و شرکت در این نشست‌ها برای عموم آزاد است.

عقل و عشق و هنر دیدن در جدیدترین شماره‌های کتاب ماه

گزیده‌ای از منابع مرتبط با حوزه ارتباطات سیاسی.

از جمله محورهای موضوعی صد و چهل و سومین شماره کتاب ماه دین (ویژه شهریور) نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: نقش قواعد در فهم قرآن کریم؛ معرفی و نقد کتاب مساله قیاس؛ تحلیل کاربرد قیاس در اصول و فروع دین، ملاحظاتی درباره کتاب «عقلانیت و تساهل در اسلام» و تبارشناسی کتاب «بصائر الدرجات» و هویت نویسنده آن.

کتاب ماه علوم و فنون هم در شماره بیست و نهم (ویژه شهریور) که در پنج بخش؛ یادداشت سردبیر، نقد و بررسی کتاب، پیشرفت‌های حیرت‌انگیز، پیشینیان فرهیخته و «اخبار» سامان یافته، عناوین زیر را مورد بررسی قرار داده است؛ تنها کتاب EKG که تا آخر عمر خود نیاز خواهید داشت؛ هدایه‌المعلمین فی الطب، چندین نوآوری علوم پزشکی دانشمندان اسلامی و ایرانی.

زیر را مورد بررسی قرار داده است: طراحی کتاب درسی به عنوان یک رسانه موثر آموزشی؛ بخشی از تفکر تاریخی بشر؛ هنر دیدن؛ سفالینه‌های دوره‌های سلاجقه و ایلخانی در موزه‌های دولتی آلمان؛ تحلیل ساختار بصری سوگواری، نگاره آوردن سر ایرج برای فریدون؛ نقوش تزئینی کلاه میلی مردان مکریان؛ شعر و انشاء و حسن خط با هم و نگاهی به مضامین خوشنویسی در شعر شهریار.

هجدهمین شماره کتاب ماه علوم اجتماعی، (ویژه شهریور) نیز با محوریت ارتباطات سیاسی در شش بخش؛ سخنی با خواننده؛ ارتباطات سیاسی، ساز و کار کنترل افکار عمومی؛ دیدگاه؛ معرفی و نقد کتاب (فارسی)؛ معرفی و نقد کتاب (لاتین)؛ مقاله و اطلاع‌رسانی تنظیم شده که برخی مباحث آن عبارتند از: رسانه‌های جمعی کنونی، گفتمان‌های سلطه یا تکتک؛ مبانی ارتباط، تبلیغ و اقناع؛ درآمدی بر نسبت حکومت و مشروعیت؛ دولت و جامعه مدنی؛ تبلیغات و فرهنگ و معرفی

جدیدترین شماره‌های ماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب‌های ماه فلسفه، ادبیات، هنر، علوم اجتماعی، دین و علوم و فنون از سوی خانه کتاب منتشر شد.

بیست و چهارمین شماره کتاب ماه فلسفه (ویژه شهریور ۸۸) به موضوعاتی نظیر: ارزیابی فلاسفه اسلامی از برهان و وجودی، نقدی بر ترجمه جلد سوم «تاریخ فلسفه فردریک کاپلستون»، نگاهی به آثار شیخ اشراق، کتاب‌شناسی ساندرهاردینگ، منزلت فلسفه در فرآیند شناخت از نظر آلفرد جوئلز آیر و عقل و عشق پرداخته است.

برخی از مهم‌ترین عناوین بیست و نهمین شماره کتاب ماه ادبیات (ویژه شهریور) نیز عبارتند از: نقد و بررسی کتاب مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران، بازآوری شواهد فارسی در کتب بدیع، نگاهی به منطق الطیر با تصحیح دکتر رضا انزایی نژاد و نگاهی به دستنامه سغدی. کتاب ماه هنر در صد و سی و دومین شماره (ویژه مرداد) موضوعات

گزارشی به مناسبت روز جهانی نابینایان (روز عصای سفید)

کلماتی که با دست خوانده می‌شوند



روشن‌دلان، آنانی که خطوط کتاب زندگی را با دقت فراوان پی می‌گیرند و کلمه به کلمه حیات را در فراق قوه بینایی و با تکیه بر هزار و یک توانایی دیگر جست‌وجو می‌کنند، قشری از جامعه‌اند که در حوزه آثار مکتوب نیازهای ویژه خود را دارند. اکنون دیگر تحصیل برای یک کودک نابینا امری غیرممکن نیست. نابینایان نه تنها وارد دوره تحصیلات عمومی می‌شوند بلکه بسیاری از آنها تحصیلات مقدماتی را پشت سر گذاشته و وارد دوره تحصیلات تکمیلی شده‌اند و نبوغ خود را در حوزه‌های مختلف دانش، اشتغال و پژوهش بروز داده‌اند.

با توجه به شرایط ویژه‌ای که این افراد دارند، آیا نیازهای مطالعاتی آنها به میزان لازم و کافی برآورده می‌شود؟ آیا تولید کتاب به عنوان یک ابزار آگاهی‌یابی توانسته رضایت این گروه از مخاطبان را کسب کند؟ پاسخگویی این سوالات و سؤالاتی از این قبیل موضوعی است که در گزارش این شماره کتاب هفته به آن می‌پردازیم.

کتابخانه‌های نابینایان و کتاب‌های تک نسخه‌ای

سید سعید میری لواسانی، یکی از نابینایان موفق است که در حوزه مدیریت آموزشی تحصیل کرده و سال‌هاست تلاش خود را موقوف آموزش کودکان و نوجوانان نابینا می‌کند. لواسانی که خودش دانش‌آموز مجتمع نابینایان شهید محبی در خیابان آیت‌الله کاشانی تهران بوده، پس از طی دوره تحصیلات تکمیلی دوباره به این مجتمع آموزشی بازگشته و از سال ۱۳۷۷ مدیریت بزرگ‌ترین مجتمع آموزشی ویژه نابینایان را برعهده گرفته است. او به عنوان یک کارشناس که خود از موضوع نیاز نابینایان به کتاب به لحاظ حرفه‌ای آشنایی کامل دارد، این نیاز را طی سالیان دراز با تمام وجود احساس کرده است. وقتی از او درباره تولید کتاب‌های آموزشی، کمک آموزشی و غیر درسی برای کودکان و نوجوانان می‌پرسیم، در پاسخ می‌گوید: «شاید در این مورد شنیدن نظرات بچه‌ها مفید تر باشد. اما من که شرایط کودکی همسانی را با دانش‌آموزان نابینای امروز سپری کرده‌ام، وقتی در مقام مقایسه به جریان تولید کتاب برای نابینایان می‌نگرم، مبی بینم الان شرایط خیلی بهتر شده است. به یقین نمی‌توانم این دوره را با گذشته مقایسه کرد. اما این که الان شرایط رضایت‌بخش هست یا خیر، موضوع دیگری است. در نظام آموزشی و تولید کتاب‌های درسی کمبودها و تاخیرها در تولید کتاب چندان آزاردهنده نیست اما اگر من در شرایطی باشم که بتوانم در این مورد تصمیم‌گیری کنم، سعی می‌کنم در کنار کتاب‌های بریل، کتاب‌های گویا را هم تولید کنم. از سوی دیگر تعدادی از دانش‌آموزان که در مدارس نابینایان تحصیل می‌کنند، دانش‌آموزان کم‌بینا هستند. اینها نه به کتاب‌های گویا و نه به کتاب‌های بریل احتیاج دارند. آنچه نیاز این دسته از دانش‌آموزان را برطرف می‌کند، تولید کتاب‌های درشت خط است که متأسفانه مغفول مانده است. اکنون تنها کتاب‌های «بخوانیم و بنویسیم» در دوره ابتدایی به صورت درشت خط منتشر می‌شوند و ضرورت دارد دست کم در دوره ابتدایی تمام کتاب‌ها به صورت درشت خط منتشر شوند. باید این نکته را پذیرفت که تولید این کتاب‌ها هزینه‌های بالایی دارد. به همین دلیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی معتقد است به جای چاپ کتاب‌های درشت خط، ابزار درشت‌نمایی مثل ذره‌بین را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد چرا که



این وسایل برای اشخاص کم‌بینا می‌تواند یک راهکار موثر باشد.»

به یقین نیاز دانش‌آموزان کم‌بینا یا نابینا در حوزه آثار مکتوب تنها تامین کتاب‌های درسی نیست. دانش‌آموزان نابینا مانند همه دانش‌آموزان برای تقویت پایه‌های دانش خود به مطالعه نیاز دارند. در حالی که هیچ کتابفروشی یا ناشری که به طور اختصاصی برای نابینایان به تولید کتاب یا بازتولید کتاب‌های منتشر شده به خط بریل یا کتاب‌های صوتی پردازد، وجود ندارد. مهم‌ترین علت آن هم مقرون به صرفه نبودن تولید کتاب برای جامعه کوچک نابینایان و هزینه بالای تولید این کتاب‌هاست. در این شرایط کتابخانه‌های ویژه نابینایان می‌توانند رهگشا باشند که البته آنها هم با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند.

لواسانی در این باره می‌گوید: «ما در مجتمع دو نوع کتابخانه داریم کتابخانه کتاب‌های گویا و کتابخانه کتاب‌های بریل. البته استفاده از این کتابخانه‌ها با مشکلاتی همراه است. نخست آن که هیچ تضمینی برای بازگرداندن یک کتاب بریل به کتابخانه وجود ندارد. در کتابخانه‌های دیگر می‌توان کتابی را که خراب یا گم می‌شود با تامین هزینه اندکی دوباره تهیه کرد، اما تامین دوباره کتاب‌های تک نسخه‌ای بریل و تجدید چاپ آنها خیلی ساده نیست. از سوی دیگر کتابی که با دست خوانده می‌شود، خیلی زود کثیف و بعد از چند بار دست به دست شدن دیگر قابل استفاده نخواهد بود. با این حال این کتابخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک کتابخانه ویژه نابینایان هم در بخشی از کتابخانه بوستان میعاد وجود دارد.»

یکی از راه‌های آشنایی کودکان و نوجوانان با کتاب، تولید کتاب‌های گویاست. مدارس نابینایان دستگاه‌های پخش صوت دیجیتال را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند و کتاب‌هایی که از سوی «NGO»‌های بهزیستی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به صورت گویا تولید می‌شوند، راهی برای آشنایی نابینایان با کتاب است.

وقتی با مدیر مجتمع نابینایان شهید محبی صحبت می‌کنم، می‌گوید که پیش از این مشغول گوش دادن به کتاب‌های چهار حدیث امام خمینی (ره) بوده که به صورت گویا منتشر شده است. به اعتقاد او امروزه کتاب گویا کم‌کم جای کتاب‌های بریل را می‌گیرد، طوری که او دیگر یادش نیست آخرین کتابی که به خط بریل خوانده، چه بوده است. لواسانی می‌گوید:

«الذتی که در خواندن کتاب هست با شنیدن کتاب قابل مقایسه نیست. کاش همچنان کتاب‌های بریل منتشر شوند.»

در جست‌وجوی یک متولی

مهین زورقی، دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی در دانشگاه شهید بهشتی و مدرس زبان و ادبیات فارسی در مدارس نابینایان، از جمله نابینایان خوش ذوقی به حساب می‌آید که تاکنون چند کتاب شعر، تحقیق، پژوهش و کمک آموزشی منتشر کرده است. او که دستی در تولید کتاب دارد، با مشکلات تولید کتاب از سوی یک نویسنده نابینا و مشکلات تولید کتاب برای نابینایان آشناست. به اعتقاد او، نشر کتاب برای هر نویسنده‌ای دشواری‌های خاص خودش را دارد، به ویژه وقتی کار به مراحل فنی، توزیع و ... می‌رسد این مشکلات بیشتر می‌شود. زورقی می‌گوید: «اگر این مشکلات برای نویسندگان نابینا چند برابر نباشد، به جرأت می‌توانم گفت خیلی بیشتر است، به دلیل این که در یک مرحله باید این کتاب را به خط بریل بنویسند و بعد برای این که در اختیار ناشر قرار گیرد، حروفچینی، ویرایش و به خط رسمی فارسی بازنویسی شود که در همه این مراحل و برگردان‌ها نیاز به حضور یک شخص دیگر هم وجود دارد.»

این شاعر نابینا که نخستین مجموعه شعرش را به نام «یاس‌الفت» در سال ۱۳۷۴ منتشر کرد، خواننده حرفه‌ای کتاب نیز است. او به عنوان یک مخاطب نابینا در تامین کتاب‌های مورد نیازش با مشکلات فراوانی روبه‌روست. زورقی مهم‌ترین تولیدکنندگان کتاب برای نابینایان را مرکز ریحانه

(رودکی)، حسینیه ارشاد، بنیاد نهادگذاری گویای دکتر خندقی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌داند و می‌گوید: «مرکز ریحانه که پیش از این به مرکز رودکی معروف بود در خیابان ظهیرالاسلام یک NGO فعال برای تامین امکانات توانبخشی نابینایان از جمله تولید کتاب‌های بریل و گویاست. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم اخیراً ۶۰ عنوان کتاب برای نابینایان منتشر کرده است. همچنین بنیاد دکتر خندقی در گذشته خیلی فعال بود و کتاب‌های خوبی تولید می‌کرد اما چون امکانات و منابع مالی دولتی در اختیار ندارد، اکنون فعالیتش خیلی محدود شده است. از آنجا که من تدریس هم می‌کنم، می‌بینم مشکل ما به عنوان دانش‌آموز و دانشجو و از آن گذشته به عنوان یک شهروند تامین کتاب است. چه خوب بود همان طور که کتاب‌های درسی دانش‌آموزان از سوی سازمان آموزش و پرورش استثنایی تامین می‌شود، سازمان یا نهادی ویژه نیز برای تولید کتاب برای نابینایان تشکیل می‌شد.»

از این شاعر جوان پیش از این مجموعه‌های «آل‌احیق مهر» (نشر کیا، ۱۳۸۲)، «من تورا کمال نخواهم چید» (نشر دانژه ۱۳۸۳) و چند کتاب پژوهشی منتشر شده است و او اکنون مجموعه شعر «بیانو پاییز» را در دست انتشار دارد.

ورق خوردن کتاب زمان

خوشبختانه امروز با پیشرفت نرم‌افزاری، می‌توان یک متن فارسی را با یک جدول به متن بریل تبدیل کرد و بسیاری از نابینایان کتاب‌های خود را با این شیوه پس از نگارش به مرکزی نظیر رودکی، حسینیه ارشاد و ... دریافت می‌کنند البته قیمت این کتاب‌ها که برگه‌های ضخیم و در اندازه‌های ۸۳ دارد و خط آن به طور معمول دو برابر خط فارسی است، در مقایسه با کتاب‌های معمولی بسیار گران است و با توجه به محدود بودن امکان تولید، متقاضیان مدتی را باید در صف انتظار سپری کنند. پیدا کردن یک کتاب ویژه نابینایان از طریق بازار کتاب کاری تقریباً ناممکن است، مگر این که کتاب گویا شده باشد. شاید بتوان یکی دو کتاب را در حد کتاب‌های مرجع، فرهنگ‌ها و نمونه‌های کمی از نظم و نثر کهن فارسی پیدا کرد. به طور مثال تنها یک نسخه از یک چاپ و یک تصحیح خاص کتاب مثنوی معنوی در کتابخانه‌های ویژه نابینایان وجود دارد. شاید این کمبودی است که گذر زمان و رشد دانش در حوزه تولید کتاب یا انتقال مفاهیم و رسانه‌ها بتواند برای آن چاره‌ای پیدا کند. تا آن روز اگر با چشم دلت کتاب جهان را می‌خوانی، برگ‌های زمان را زودتر ورق بزنی.

انتشارات طلوع مهر
عطر ولایت
(مجموعه مهارت‌های زندگی ۱)
نویسنده: مصطفی احمدی شاهرودی
تولید: ۲۸۰۰۰ ریال
نوبت چاپ: ۱
اول - مردادماه ۱۳۸۸
دوم - مهرماه ۱۳۸۸
۰۹۱۲۲۵۱۸۹۶۴ - ۰۹۱۲۳۵۳۰۰۵۵۶

اعلام امفهان
تألیف: سید مصلح الدین مهدوی
جلد ۱: ۶۵۰۰۰ ریال
جلد ۲: ۱۰۰۰۰۰ ریال
آسیب‌ناک - غ آلوده - موبدع جوانان
شبهه زینین - سروشگاه مرکزی
۰۳۱۱ - ۲۲۳۹۴۶۶



سجاد صاحبان زند

فیلمنامه «پستیچی سه بار در نمی زند» که توسط حسن فتحی نوشته شده، همزمان با اکران فیلم، توسط انتشارات نیستان، تحت عنوان «متون فاخر» منتشر شد. فتحی که خود این اثر را کارگردانی کرده، پیش از این با فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی خود نامی آشنا برای علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر به شمار می‌آید. او علاوه بر «پستیچی سه بار در نمی زند» آثار سینمایی دیگری همچون «کفیر» و «ازدواج به سبک ایرانی» و فیلم تلویزیونی «نسخه خطی» را در کارنامه‌اش دارد. از جمله آثار تلویزیونی این نویسنده می‌توان به «شب دهم»، «پهلوانان نمی‌میرند»، «همسایه‌ها»، «مدار صفر درجه»، «روشن تر از خاموشی»، «میوه ممنوعه»، «اشک‌ها و لبخندها» و «فردا دیر است» اشاره کرد. گفت‌وگویی که در ادامه می‌آید درباره فیلمنامه منتشر شده «پستیچی سه بار در نمی زند» انجام شده است.

حسن فتحی نویسنده کتاب «پستیچی سه بار در نمی زند»:

فیلمنامه می‌تواند اثر مستقل ادبی باشد

در کنار واقعیت‌های تلخ جاسوز برخوردار است که باید تلاش کنیم تا از واقعیت‌های تلخ آن درس بگیریم و از تکرارشان بپرهیزیم و همت خود را برای تکرار واقعیت‌های شیرین عزم کنیم. وقتی سراغ تاریخ می‌رویم از آن روست که به کار امروز ما بیاید. ما آدم‌های امروز هستیم و به همین دلیل وقتی سراغ دیروز می‌رویم به آن دلیل است که پرداختن به آن، کمکی به زندگی امروز ما داشته باشد. من با این دیدگاه سراغ تاریخ می‌روم. یعنی من آدم این روزگار هستم، این روزگار را دوست دارم و در این روزگار است که دنبال سعادت و آرامش می‌گردم. گاه با خودم فکر می‌کنم که ما برای رسیدن به جامعه‌ای پویا، باید سراغ تاریخ خودمان برویم و کتاب تاریخمان را ورق بزنیم. آن وقت است که بعد از مطالعات لحظات تلخ و جانگداز آن، از تکرارش پرهیز می‌کنیم.

یک جمله کلیشه‌ای در مورد غیر ادبی بودن فیلمنامه وجود دارد؛ نظریه‌ای که معتقد است فیلمنامه برای ساختن فیلم نوشته می‌شود و پس از آن ارزشی ندارد. شما انتشار فیلمنامه‌ها را با توجه به این تئوری چگونه می‌بینید؟

این نظریه و تعریفی که فیلمنامه را اثری ادبی نمی‌داند، نگاهی نسبی است و نمی‌توان آن را مطلق دانست، بلکه به کسانی بستگی دارد که متن را می‌نویسند. اگر آنها نسبت به ادبیات تعلق خاطر داشته باشند و اثرشان به ارزش‌های ادبی تعلق خاطر داشته باشند، فیلمنامه‌ای خواهند نوشت که چندان به اجرا وابسته نیست و حیات مستقلی دارد اما در غیر این صورت می‌توان همان عبارت «متن فنی» را در موردشان به کار برد. شما به سادگی می‌توانید کارگردان‌های حاضر در سینمای ایران را به دو دسته تقسیم کنید. دسته‌ای از کارگردان‌ها، علاوه بر علاقه به سینما تعلق خاطر عمیقی نیز به ادبیات دارند و گروه دومی نیز هستند که تعلق خاطر بسیار کمی به ادبیات دارند. فقط به سینما فکر می‌کنند و از این رو شاید در طول سال حتی سه، چهار رمان هم نخوانند.

این که چه کسی و با چه پیشینه‌ای می‌نویسد، نکته مهمی است که می‌تواند در ارزیابی او به عنوان یک اثر ادبی - هنری قضاوت کرد. پیشینه من مشخص است؛ من قبل از آن که وارد دنیای سینما شوم، با ادبیات نمایشی کارم را شروع کردم و نمایشنامه‌نویس بودم. من همواره تعلق خاطر زیادی به ادبیات داشته‌ام. چنانچه ممکن است تا چند وقت دیگر مجموعه شعرم را نیز منتشر کنم. نحوه دیالوگ‌نویسی من می‌تواند مویذ این نکته باشد که تعلق خاطر من به ادبیات تا چه اندازه است. وجوه شنیداری در آثار تلویزیونی و سینمایی من بسیار حائز اهمیت است، یعنی همان قدر که به تصویر بها می‌دهم به وجوه مکتوب که در سینما بیانی شنیداری می‌یابد نیز اهمیت می‌دهم. بنابراین وقتی اثری را می‌نویسم، مطمئن باشید که وجه ادبی کار برای من بسیار حائز اهمیت است. از این منظر می‌توانیم به تقسیم‌بندی فیلمنامه‌ها بپردازیم، این که چه اثری برای تولید ساخته می‌شود و چه اثری می‌تواند در کنار تولید و حتی فارغ از این که ساخته شود، یک حیات مستقل ادبی نیز داشته باشد. من «پستیچی سه بار در نمی زند» را یک اثر مستقل ادبی می‌بینم، صرف نظر از این که ساخته می‌شود یا نه.



تغییراتی در اجرا خواهد شد. البته تنها این مورد نیست که سبب تغییرات در فیلمنامه می‌شود و محدودیت‌های اجرایی و برخی ممیزی‌ها نیز سبب تغییر در اجرای متن فیلمنامه می‌شود.

شما در متن‌هایتان به اوایل قرن اخیر تعلق خاطر خاصی دارید و همان‌طور که در این کتاب می‌بینیم در فیلمنامه «شب دهم» نیز به آن دوره پرداخته‌اید. این مسأله از کجا نشأت گرفته است؟

نگاه من به دوره‌های تاریخی نگاهی از جنس تعلق خاطر نیست، بلکه از دریچه تحلیل به این دوره‌های تاریخی نگاه می‌کنم. پیش از این نیز در برخی از گفتارهایم به آن اشاره کرده‌ام که من شیفته تمام و کمال رویداد‌های تاریخی نیستم، بلکه معتقدم که تاریخ گذشته ما از واقعیت‌های شیرین و جذاب

نیستیم چرا که نامه‌ها، نشریات و کتب مختلفی در این مورد وجود دارد و اگر کسی علاقه‌مند به تحقیق در آن دوره باشد، دست خالی نخواهد ماند. البته من باید بار دیگر تاکید کنم که شما برای نوشتن یک اثر هنری، تنها ماده خام را از تاریخ می‌گیرید و سپس با بهره‌گیری از صور خیال باید روی آن کار کنید، به همین دلیل است که حقیقت از جنس ناتورالیستی کلمه، با حقیقت از جنس هنری - با آن که دارای وجوه مشترک زبان هستند - تفاوت‌هایی نیز با هم دارند و از دو جنس متفاوتند. این تفاوت چه در عرصه نوشتن رمان و داستان کوتاه و چه در عرصه نمایشنامه و فیلمنامه نیز وجود دارد. بنابراین بخشی از این دیالوگ‌ها اخذ شده از گفتار مردمی است که در دوره تاریخی خاص (مثلاً دوره قاجار) زندگی کرده‌اند و بخش دیگر با صور خیال و با استناد به تخیل ساخته شده است.

فیلمنامه شما همزمان با اکران فیلم منتشر شده، اما به هر حال تفاوت‌هایی بین فیلمنامه منتشر شده و فیلم وجود دارد. شما چقدر خود را ملزم به اجرای متن می‌دانید؟

تغییر فیلمنامه در اجرا می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یک دلیل آن می‌تواند هنری - اجرایی باشد. فیلمنامه‌ای که نوشته می‌شود در عمل توسط بازیگران خوانده و اجرا می‌شود. در این مرحله کارگردان به ایده‌های تازه‌ای دست پیدا می‌کند و بازیگران و دیگر عوامل اجرایی نیز ایده‌هایی را مطرح می‌کنند. وقتی این ایده‌ها دارد اجرا می‌شود، سبب

فیلمنامه شما در سه زمان مختلف روی می‌دهد. چطور شد که این سه زمان را انتخاب کردید؟

این موضوع چند سال قبل، یعنی اوایل دهه ۱۳۸۰ به ذهنم خطور کرد؛ زمانی که فیلمنامه «شب دهم» را نوشتم. شاید حدود یک سال بعد از نوشتن این فیلمنامه، موضوع «پستیچی سه بار در نمی زند» به ذهنم آمد و آن را نوشتن که توالی، توازی و تقاطع سه مقطع از تاریخ یکصد ساله ایران است.

نکته‌ای که در این فیلمنامه، همچون سایر آثارتان وجود دارد، توجه به دیالوگ‌های اثر است. این ویژگی به ویژه در فیلمنامه «پستیچی سه بار در نمی زند» بیشتر نمود پیدا می‌کند، چرا که تنها سه دیالوگ از سه دوره تاریخی را مورد توجه قرار داده‌اید. این نکته چقدر در انتخاب زمان‌های روایت موثر بوده است؟

این انتخاب طبیعی است. البته نه از آن جهت که من به دلیل تفاوت لحن دیالوگ‌ها، زمان‌های تاریخی متفاوتی را انتخاب کرده باشم، بلکه به دلیل تفاوتی که این سه دوره از نظر بافت زبانی با هم دارند، سه لحن مختلف بر گفتار حاکم شده است. وقتی شما قرار است دیالوگ دوره تاریخی خاصی را بنویسید، گفتارها باید همسنگ و هم‌رنگ آن دوره باشد. گیرم که این همسنگی و هم‌رنگی دقیقاً همان چیزی نباشد که در آن دوره تاریخی کار شده باشد یعنی نیازی نیست که نویسنده این گفتارها را به طور ناتورالیستی مورد استفاده قرار دهد. وقتی ما کلام را از مردم دوره‌ای اخذ می‌کنیم، آن را از صافی تخیل و زیبایی‌شناسی هم عبور می‌دهیم و کارهایی که من می‌نویسم قطعا شامل این قانون هستند. در قصبه‌هایی از این دست که سه دوره تاریخی را پیش رو داریم، قطعا در نحوه پوشش، نحوه رفتار و نحوه گفت‌وگو نیز تفاوت‌هایی خواهیم داشت و باید آن را در متن ببینیم. این اتفاق اجتناب‌ناپذیر است. یعنی تفاوت در رفتار این شخصیت‌ها، سبب تفاوت در گویش و گفتار آنها می‌شود.

شخصیت‌های دهه ۱۳۲۰ و معاصر به دلیل نزدیکی به زمان ما، دشواری چندان از لحاظ شناخت نوع لحن گفتاری ندارند، هرچند که دشواری نوشتن این جنس دیالوگ نیز ویژه است، اما شما از گفتار مردم پایان دوره قاجار نیز بهره برده‌اید. منابع شما برای این نوع دیالوگ چه بوده است؟

بله. قدر مسلم زمانی که من در آثارم به آن دست پیدا کردم، صرف نظر از ذوق هنری نتیجه سال‌ها تحقیق و پژوهش در فرهنگ گفتاری بوده است. منابعی که استفاده کرده‌ام متعددند؛ از روزنامه «دولت علیه ایران» گرفته که در دوره قاجار منتشر می‌شد (که موسسه اطلاعات آن را باز نشر کرده) تا خاطرات بسیاری از رجال قاجار. از آثاری همچون «فرهنگ ضرب المثل تهران قدیم» و تمام آثار نمایشی‌ای که در قالب داستان کوتاه، رمان و نمایشنامه از آن دوره به جای مانده‌اند می‌تواند مواد خام نویسنده باشند. خوشبختانه کسانی که می‌خوانند روی تاریخ معاصر کار کنند، منابع زیادی را در دسترس دارند، کار زمانی دشوار می‌شود که شما بخواهید روی دوره زندگی، افشاریه و صفویه پژوهش کنید. منابع و مصالحی که برای تحقیق وجود دارد، هرچه به گذشته و اعماق تاریخی برویم، کمتر خواهد شد. در تاریخ معاصر و به ویژه ادامه دوره قاجار با چنین مشکلی مواجه

اگر نویسندگان فیلمنامه و اثرشان نسبت به ادبیات و ارزش‌های ادبی تعلق خاطر داشته باشند فیلمنامه‌ای خواهیم داشت که چندان به اجرا وابسته نیست و هویت مستقلی دارد



ته مدادهایی در اندازه‌های مختلف با نوک‌های کوتاه و بلند، یادآور مشق‌های کودکی، روی جلد سفید کتاب «مشق‌های خط نخورده» خودنمایی می‌کنند؛ یادگاری که خاطره آن از ذهن ما پاک نمی‌شود. این مدادهای کوچک، دریچه ورود ما به دنیای خاطرات مردی است که چشم کتابخوانان، سال‌هاست با طرح جلد‌های او آشناست. کتاب «مشق‌های خط نخورده» که به تازگی توسط نشر مرکز منتشر شده، خاطرات کودکی ابراهیم حقیقی رئیس هیأت مدیره انجمن طراحان گرافیک ایران است؛ خاطراتی که برای هم‌نسلان او و بسیاری از جوان‌ترها، یادآور سال‌های دور است. با ابراهیم حقیقی، درست یک روز قبل از سالگرد شصت‌سالگی‌اش، در دفتر کارش و در اتاقی که میان پوستر فیلم‌های آشنای سینما و رنگ و کتاب احاطه شده است، درباره این خاطرات گفت‌وگو کردیم. حقیقی در ابتدای این کتاب نوشته است: «قصه‌هایی که پیش رو دارید را می‌توانید یک به یک بخوانید، پی در پی، از وسط یا آخر. فرقی نمی‌کند. همه، مشق‌های خاطرات‌اند، برای دل خود. هر کدام را غلط گرفتید، می‌توانید خط بزنید.» او می‌گوید: «در انتخاب نام این کتاب، بیشتر ته زمینه تلخ مشق را در ذهن داشتم که تمام شیرینی‌هایی را که در ذهنمان داریم، با حکم تلخ و اجباری خود تحت تاثیر قرار می‌دهد. من این رنج را مثل همه بچه‌های ایران‌زمین چشیده‌ام و با فرزند خودم دوباره رنج کشیده‌ام. این رنج مکرر به مشق‌های خط نخورده ختم شد!»

گفت‌وگو با ابراهیم حقیقی به انگیزه انتشار کتاب «مشق‌های خط نخورده»

چاره‌ای جز نوشتن نداشتم

انتخاب راهی که شما در زندگی پیش گرفتید تاثیر گذاشته است؟

دقیقا این را نمی‌دانم اما می‌دانم که کودکی و آموزش بسیار مهم‌اند. امیدوارم کسانی که این مصاحبه را می‌خوانند، اگر بچه‌ای دارند، به این نکته توجه کنند که آموزش بسیار مهم است و بنیان مطالعه را می‌گذارد. اگر مدیر مدرسه ما نبود و مرا کتابخوان نمی‌کرد، قطعاً آینده من فرق می‌کرد. اگر مادرم پول توجیبی ام را اندکی بیشتر نمی‌کرد که بتوانم کتاب بخرم، قطعاً آینده من شکل دیگری پیدا می‌کرد. تاثیر مادر و مدرسه وجود داشت که مرا به کتاب معتاد کرد و خوشحالم که اعتیاد خوبی بوده است!

حضور پدر من هم به عنوان یک عکاس در گرایش من به تصویر موثر بوده و ذهنم را نسبت به تصویر حساس کرده است. انگیزتگی من نسبت به تصویر و کلام از همان موقع آغاز شده است. اتفاقات اجتماعی هم قطعاً موثر بوده‌اند. مثلاً دوست دارم به کتاب‌های سازمان کتاب‌های جیبی اشاره کنم که مرحوم صنعتی زاده بنیان‌گذار آن بود. او خدمت بزرگی به من و هم‌نسلانم کرد. من، چخوف، همینگوی و تولستوی را با این کتاب‌ها شناختم. در چند روزی که از انتشار کتاب می‌گذرد، چه بازخوردی داشته است؟

دوستانی که کتاب را خوانده‌اند با من تماس گرفتند. برای من خوشحال‌کننده است که این کتاب برایشان جذاب و پرکشش بوده است. این مسأله مرا آرام کرد تا با جرأت بیشتری به کتاب‌های بعدی فکر کنم.

آن کتاب‌ها هم در قالب خاطرات‌اند؟

به خاطرات مربوط است ولی دوران آن عوض می‌شود و جلوتر می‌آید اما راوی هم در آنها حضور دارد هر چند تفسیر و دیدگاه امروز من در آنها دخیل است.

شما همیشه طراح جلد آثار نویسندگان دیگر بوده‌اید. طراحی جلد این کتاب چه ویژگی‌ای برایتان داشت؟

ویژگی خاصی نداشت. همان‌طور با آن برخورد کردم که با یک کتاب قصه دیگر! با این تفاوت که وقتی در حال نوشتن خاطرات بودم، فکر می‌کردم که چه جلدی باید داشته باشد. اول از همه تصویر یک مداد نوک شکسته به ذهن آمد. اما بعد دیدم چون تعداد مشق‌ها زیاد است و روایت چندین سال پست سر هم را دربرمی‌گیرد، می‌توانم تعداد این مدادها را بیشتر کنم.

عنوان کتاب «مشق‌های خط نخورده» به اشاره اول کتاب برمی‌گردد؟

نه. آن اشاره بعداً آمد و به نام کتاب منتسب شد. بیشتر ته زمینه تلخ «مشق شب» را در ذهن داشتم که تمام شیرینی‌هایی را که در ذهنمان داریم، با حکم تلخ و اجباری خود تحت تاثیر قرار می‌دهد. من این رنج را مثل همه بچه‌های ایران‌زمین چشیده‌ام و با فرزند خودم دوباره رنج کشیده‌ام. این رنج مکرر، به مشق‌های خط نخورده ختم شد!



و فهمیدم که خیلی سخت است. پیش از این هم برخی هنرمندان تجسمی، کتاب‌ها و مقالات خوبی نوشته‌اند. داشتن نثر خوب را ویژگی نسل خودتان می‌دانید یا مسأله‌ای است که طی سال‌ها کار در یک حوزه در هنر سراغ آدمی می‌آید؟

نه. باید در خود نوشتن تلاش کرد. بسیاری از هنرمندان تجسمی یا سینمایی نوشتن را نیاموخته‌اند و برای همین درست رفتار نمی‌کنند. یعنی با نوشته‌های الکنی از جانب آنها مواجه می‌شویم که مضمون را ارائه می‌دهند اما تاثیرگذاری آنها اندک است. چون مضمون، یک بخش از گفتار، روایت یا قصه است. توجه به ساختار زبان بسیار مهم است و آغداشلو در این زمینه جزو استثناهاست. پس این ویژگی، متعلق به یک نسل از هنرمندان نیست. همان‌طور که بهرام بیضایی استثنايي است و زبان را به گونه دیگری درک کرده، واژه‌سازی‌ها و واژه‌گزینی‌های فرهیخته‌ای دارد و واژه برای او محترم و مهم است. این هنرمندان در نوشتن، خود را تربیت کرده‌اند و از هیچ دانشگاهی هم مدرکی در این زمینه ندارند!

فکر می‌کنید خاطرات این کتاب تا چه حد بر

نوشته‌ای که قرار است توسط دیگری قابل خواندن باشد، باید بتواند تبدیل به یک امر عمومی شود و گرنه خاطرات خصوصی هر یک از ما برای خودمان معنا دارد

مطالعاتم در این زمینه اندک است. از نوشته‌های میلان کوندرا و ماریو بارگاس یوسا در مورد واقعیت قصه و واقعیت واقعی، اندکی خوانده‌ام اما شاید بیشتر خواندن قصه‌های مختلف این راهبری را انجام داده است. ضمن این که باید به راهگشایی گفت‌وگوهای ابراهیم گلستان راجع به شعر و قصه هم اشاره کنم.

در زمینه خاطره‌نویسی، کتاب خاطراتی هم مدنظرتان بوده است که پس زمینه ذهنی را برای نوشتن این خاطرات فراهم کند؟

خاطرات بسیار تاثیرگذار بوده‌اند. نوشته‌های آل احمد یا جدیدترین کتابی که خواندم خاطرات حسن کامشاد بود با نام «حدیث نفس» که توسط نشر نی منتشر شده است. کتاب بسیار خوبی است و روایتی تاثیرگذار و شیرین دارد. در این زمینه می‌توانم به کتاب خاطرات لوتیس بونوئل با عنوان «با آخرین نفس‌هایم» نیز اشاره کنم. نوشته‌های پرویز دویبی در دو سه کتابش و نوع نگارش آیدین آغداشلو در مرور خاطرات برای من اهمیت زیادی داشت. قطعاً همه اینها تاثیرات خودشان را گذاشته‌اند.

این اثرگذاری بیشتر در حوزه زبان کتاب شماس است یا نوع نگاه یا حسی که در این کتاب وجود دارد؟ قطعاً در همه آنها تاثیر گذاشته است. حس و نوع نگاه آنها به جهان و جهان بینی مشترکی که با بعضی از آنها پیدا کرده‌ام، در کار من تاثیر گذاشته است. قطعاً ساختار کار آنها هم موثر بوده. زبان پردازش شده و زیبایی نوشته‌های آغداشلو و دیگران، در فکر کردن به این که چگونه می‌شود به یک خاطره پرداخت، نقش زیادی داشت. خاطره همیشه موجود است و همیشه حرف برای گفتن وجود دارد. اما این که چگونه آن را بیان کنیم، کار می‌برد. من ادعا ندارم که موفق شده‌ام اما در این زمینه تلاش کردم

فکر این که خاطرات خود را بنویسید از چه زمانی سراغتان آمد؟

دقیقا زمستان پارسال بود که در مراسم رونمایی کتاب پرویز دویبی در فرهنگسرای ارسباران، سخنرانی کردم. متن آن سخنرانی را از دویبی آغاز کردم و رسیدم به نقل خاطرات مشترک. مسعود مهرابی سردبیر مجله فیلم پیشنهاد کرد که آن گفتار را بنویسم و به عنوان بهاریه به مجله «فیلم» بدهم. وقتی با این نگاه آن را نوشتم، دو اتفاق افتاد؛ یکی این که دیدم حال و هوای روایت و قصه پیدا کرده و دوم این که هجوم خاطرات دیگری آغاز شد و دریچه نوشتن را گشود و به یادداشت‌هایی تبدیل شد.

این خاطرات در حقیقت سرریز کرد و من چاره‌ای جز نوشتن نداشتم که چند ماهی در وقت‌های خلوت شبانه، روی کاغذ آمد.

همه چیز به طور بداهه شکل گرفت یا متن نوشته شده‌ای هم از این خاطرات داشتید؟

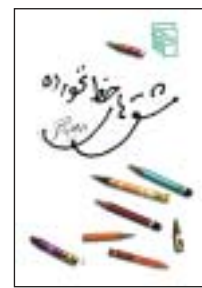
همه چیز در ابتدا به طور بداهه شکل گرفت اما این بداهگی در نوشتن‌های مکرر و اصلاحیه‌ها، به فکر کردن انجامید. وقتی خاطره می‌نویسم، یک امر خصوصی است اما وقتی قرار است کسی آن را بخواند، باید به یک امر عمومی تبدیل شود. نوشته‌ای که قرار است توسط دیگری قابل خواندن باشد، باید بتواند تبدیل به یک امر عمومی شود و گرنه خاطرات خصوصی هر یک از ما، برای خودمان معنا دارد. اگر من نتوانم داستان بیماری خود را در

کودکی به گونه‌ای روایت کنم که شما هم آن را درک کنید و آن حس مشترک درونتان بیدار شود، در حد امر خصوصی باقی می‌ماند.

کتاب خاطرات برای این که به امر عمومی تبدیل شود، فقط باید یک وجه مشترک با مخاطب پیدا کند یا ویژگی دیگری هم باید داشته باشد؟ باید این وجه مشترک را پیدا کند و این مسأله به واسطه زبان اتفاق می‌افتد.

یعنی ما ناگزیریم که به زبان و چگونگی روایت فکر کنیم. وقتی نویسنده یا خاطره‌نویس شروع به نوشتن می‌کند، ناگزیر است که در حیطه زبان به این مسائل فکر کند. وقتی می‌نویسد، ناگزیر به ریتم و ساختار زبان، کلام و کلمه فکر کند. چون باید بدانید که نوشته شما قرار است چه تاثیری بگذارد. در ضمن درگیر قصه‌نویسی می‌شوید، برای این که ناگزیر باید به آغاز، میان و پایان فکر کنید و این که گره ایجاد شده، گشوده شود یا پنهان باقی بماند. بنابراین باید به خودانگیزگی شکل داد. در غیر این صورت نوشته تاثیر نمی‌خواهد داشت. یعنی باید به قول نویسندگان، در پلات (plot) و به قول نقاشان در طرح اولیه مدادی، تغییراتی ایجاد شود تا به یک جمع بندی پردازش شده دست پیدا کنیم.

چه مطالعاتی در زمینه داستان‌نویسی شما را در رسیدن به این انسجام و پردازش یاری کرد؟





گزارشی از اختتامیه نهمین دوره جایزه کتاب فصل

دریچه‌ای خوش منظره به کتاب سال

«ترهه الابصار و محاسن الآثار»، تالیف ابوالحسن علی بن مهدی طبری مامطیری، تحقیق محمدباقر محمودی برگزیده شد. این اثر به عنوان آخرین کار مرحوم آیت الله محمدباقر محمودی مورد تجلیل قرار گرفت.

در بخش آثار برگزیده گروه فلسفه از میان ۲۱۴ عنوان اثر، کتاب های «فلسفه اسلامی» نوشته اسحاق طاهری و در بخش تالیف، کتاب «فلسفه غرب» تالیف ارسطو با ترجمه اسماعیل سعادت برگزیده شدند.

در حوزه دین از میان ۳۲۱ عنوان کتاب در بخش تالیف، کتاب «هشام بن حکم» نوشته علیرضا اسعدی و کتاب «اخلاق در نگاه مولانا»، «چیستی و هستی» تالیف مهناز قانع خوزانی و در بخش ترجمه، کتاب «زمان و سرمدیت: جستاری در فلسفه دین»، تالیف والتر ترنس استیس»، ترجمه احمدرضا جلیلی و در بخش تصحیح کتاب «ترهه الابصار و محاسن الآثار»، تالیف ابوالحسن علی بن مهدی طبری مامطیری، تحقیق محمدباقر محمودی برگزیده شدند.

کتاب «فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران» تنها کتاب تالیفی دکتر ایران کلباسی در گروه زبان است که از میان ۳۸ عنوان اثر برگزیده شد و در بخش ترجمه کتاب مکاتب زبان شناسی نوین در غرب تالیف پیتر آ.ام. سورن، ترجمه علی محمد حق شناس معرفی و تقدیر می شوند.

در زمینه علوم خاص تنها «پل جی»، هیوئیت با ترجمه منیژه رهبر از میان ۴۵ عنوان اثر برگزیده و مورد تحسین قرار گرفت.

در بخش ادبیات و در حوزه شعر، از میان ۷۴۳ عنوان کتاب به طور مشترک کتاب «آنها» سروده فاضل نظری و «باید نوشت نام تو را با پرندها»، سروده قربان ولیی برگزیده شدند.

همچنین در حوزه کودک و نوجوان و در گروه کودک، کتاب داستانی «گنجشک‌اشی مشی» نوشته ناصر یوسفی و در گروه نوجوان کتاب «سورنا و جلیلیه آتش» نوشته مسلم ناصری از میان ۴۵۱ عنوان اثر به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

در حوزه کلیات گروه نوجوان، «فرهنگ نامه حیات وحش ایران: مهره داران» تالیف مهرگان ابراهیمی، فاطمه حسینی زواری، مهدی رجبی زاده، هانیه غفاری، ملیکا قلیچ پور، اصغر مبارکی، امید مظفری و باقر نظامی برگزیده شدند.

در زمینه تاریخ و جغرافیا از میان ۲۰۹ اثر، یک کتاب در بخش ترجمه با عنوان «تراژدی مردم: انقلاب روسیه ۱۸۹۱ - ۱۹۲۴» تالیف اورلاندو فایجس با ترجمه احد علیقلیان و در بخش تالیف کتاب «مبانی علوم و سیستم های اطلاعات جغرافیایی» تالیف عباسعلی محمدی برگزیده شدند.

در بخش پایانی گروه برگزیدگان در حوزه علوم و فنون گروه نوجوان و در بخش ترجمه، کتاب «شگفتی های بدن: سفری شگفت انگیز به ساختمان بدن انسان» تالیف ریچارد والکر با ترجمه سید حسین ترابی، سید حسین ساداتی و لادن خانلری برگزیده شدند. پس از اعلام برگزیدگان کتاب فصل، نوبت کتاب ها و آثارهای شایسته تقدیر رسید.

در این بخش آثار شایسته تقدیر ۳۴ اثر بودند که به هر یک از مولفان، مترجمان و ناشران برگزیده هدایایی به رسم یادبود اهدا می شود. مراسم با اهدای لوح یادبود به ناشران پایان یافت.



زبان شناسی و مردم شناسی داشته باشد. دکتر کلباسی از برپایی این گونه همایش ها برای مولفان بسیار خوشحال است و می گوید: «این همایش ها، تمام استانداردهای انتخاب کتاب برگزیده را دارد و می تواند با ادامه این روند، در چند سال آینده، راهگشای بسیاری از مولفان باشد.»

تجلیل برای همه

مراسم نهمین دوره کتاب فصل در تالار سوره حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با حضور دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی شجاعی صائین، مدیر عامل خانه کتاب، علی اوجبی معاون فرهنگی موسسه خانه کتاب، محمدعلی دستغیب و مولفان و مترجمان و ناشران آغاز می شود. منتخبان در یازده گروه موضوعی «کلیات»، «فلسفه و روانشناسی»، «دین»، «علوم اجتماعی»، «زبان»، «علوم خالص»، «علوم کاربردی»، «هنر»، «ادبیات»، «تاریخ و جغرافیا» و «کودک و نوجوان» معرفی و تجلیل شدند.

در میان آثار برگزیده در بخش تصحیح، کتاب

معرفی کتاب های برگزیده و شایسته تقدیر

در هر فصل توانسته طی دو سال گذشته به بازار نشر رونق ببخشد و ناشران را تشویق به حضور در این رقابت کند

رقابت کند. کاظم طلائی مدیر انتشارات نشر طلا برگزارای این جشنواره ها را یک پتانسیل برای ناشران و انگیزه ای برای نویسندگان می داند و می گوید: «این کار در مجموع موفق بوده و بازتاب خوبی داشته است، اما می توان با کاهش تعداد افراد برگزیده و شایسته تقدیر، دقت کار را بیشتر و داوری ها را تخصصی تر کرد تا کتاب برگزیده خود را بهتر نشان دهد. این امر می تواند رقابت ها را بیشتر کند و به کیفیت آثار بینجامد.»

وی با اشاره به برپایی این جایزه و حضور مولفان و ناشران در کنار هم می افزاید: «چنین برنامه هایی این پیام را برای ناشران دارد که اگر می خواهند مطرح شوند و بازار نشرشان رونق بیشتری بگیرد، باید به دنبال نیازهای جامعه و افراد خبره بروند. این امر انگیزه ناشر را بالا می برد و رقابت سالمی بین مولفان و مترجمان ایجاد می کند تا کیفیت کار خود را بالا ببرند.»

وی همچنین بر لزوم حمایت بیشتر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید می کند و می گوید: «وزارت ارشاد ضمن انتخاب کتاب ها در هر فصل باید حمایت ویژه ای از این آثار به عمل آورد تا ناشر با انگیزه مضاعف به نوآوری و خلاقیت روی بیاورد؛ چراکه در عمل می بیند از این آثار حمایت می شود و می تواند با همکاری رسانه ها کتاب ها را به مردم معرفی کند.»

استانداردهای انتخاب کتاب

دکتر ایران کلباسی نویسنده کتاب «فرهنگ توصیفی گونه های زبانی ایران» است که اولین کتاب زبان شناسی در ایران را به رشته تحریر درآورده است. این فرهنگ شامل ۲۲۱ مدخل است و می تواند تاثیر قابل توجهی در پیشرفت رشته های

تالار سوره حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در آخرین دقایقی که نور طلایی خورشید، هنگامه غروب ابرشهر تهران را دربرگرفته، میزبان اختتامیه نهمین جایزه کتاب فصل است.

در این مراسم، اهالی قلم، از نویسندگان و مترجم گرفته تا خبرنگار حوزه کتاب، همراه با مسوولان فرهنگی به میهمانی موسسه خانه کتاب فراخوانده شده اند تا شاهد معرفی آثار برگزیده و صاحبان این آثار باشند.

کتاب فصل، مقدمه ای بر بهبود و شناخت کتاب سال شد تا از فاصله معرفی یک اثر برگزیده در یک سال بکاهد و دری از شناخت و آشنایی بیشتر با کتاب را به سوی جامعه مخاطب باز کند. حال در نهمین دوره جایزه کتاب فصل، کتاب های تالیفی گوی سبقت را از کتاب های ترجمه ربوده اند و حکایت از وضعیت بهتر نشر دارند. علی شجاعی صائین مدیر عامل خانه کتاب برگزاری این جشنواره ها را فرصتی بی بدیل برای جامعه نشر عنوان کرد و گفت: «کتاب فصل در رابطه با کتاب سال راه اندازی شد تا به واسطه آن خلأیی که در معرفی کتاب ها وجود داشت، پر شود؛ چراکه در کتاب سال، یک اثر برگزیده و شایسته تقدیر می شود، درحالی که ممکن است کتابی با نیم نمره فاصله از گردونه داوری خارج شود، اما در کتاب فصل این فرصت به نویسندگان و ناشران داده می شود تا به جامعه مخاطب معرفی شوند.»

کتاب های برگزیده شده شانه به شانه هم روی میز چیده شده اند تا دنیای پیچیده علم و پژوهش را به هم پیوند دهند. کتاب هایی که میهمانان را ملزم به ورق زدن برگه های خود می کنند. این آثار از میان ۶۰ رشته بررسی شده، انتخاب شده اند که نسبت به سال قبل رشد چشمگیری داشته اند.

مدیر عامل خانه کتاب با اشاره به دو هزار و ۹۱۹ اثر ارزیابی شده در این جشنواره توضیح داد: «از میان این آثار ۲۷۴۵ عنوان به مرحله دوم راه پیدا نکردند و ۱۷۴ عنوان به مرحله دوم راه یافتند که با ارزیابی دقیق و علمی هر اثر توسط دو داور، در مجموع ۱۷ عنوان کتاب، برگزیده و ۳۴ عنوان کتاب شایسته تقدیر شناخته شدند.»

وی ادامه می دهد: «از میان آثار برگزیده ۱۰ اثر تالیفی، ۱۶ اثر ترجمه ای و یک اثر تصحیح شده و همچنین از میان آثار شایسته تقدیر ۱۸ اثر تالیفی و ۱۵ ترجمه ۵۱ و یک اثر تصحیح شد، تایید شدند که در نهمین دوره، جوایز خود را دریافت و به عنوان کتاب فصل معرفی می شوند.»

در کنار لوح های چیده شده و جوایز مولفان، تقدیرنامه ناشران هم به چشم می خورد. کسانی که جایگاهشان به عنوان پشتیبان در ردیف دوم قرار گرفته است. شجاعی صائین همچنین به توافق هیات خرید کتاب معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره ناشران اشاره کرد و گفت: «طبق این توافق، همان گونه که در جشنواره کتاب سال از آثار برگزیده هزار نسخه و از آثار شایسته تقدیر ۵۰۰ نسخه خریداری می شود در جایزه کتاب فصل نیز از آثار برگزیده ۵۰۰ نسخه و از آثار شایسته تقدیر ۳۰۰ نسخه خریداری می شود. همچنین با تبلیغات رسانه ای و معرفی آثار به کتابخوانان به فروش ناشران از سوی این تبلیغات افزوده خواهد شد.»

سختگیری ها بیشتر باشد

معرفی کتاب های برگزیده و شایسته تقدیر در هر فصل توانسته طی دو سال گذشته به بازار نشر رونق ببخشد و ناشران را تشویق به حضور در این



وقتی نگاه منتقد عوض می شود

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند. در نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های داستان و چاپ در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

سرای اهل قلم خانه کتاب در خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، پلاک ۲ واقع است.

وقتی نگاه عوض می شود

نشست نقد کتاب «مشتی خاک، همین!» با حضور محسن فرجی و جواد ماه زاده در سرای اهل قلم برگزار شد. داستان های این مجموعه از سوی کارشناسان دارای دیدگاه های انتقادی درباره برخی مناسبات امروزی دانسته شد؛ داستان هایی که محتوای اصلی آنها را مسائل و دغدغه های زنان تشکیل می دهد.

محسن فرجی: در برخی داستان های این مجموعه از ساحت داستان کوتاه خارج می شویم و به نثر می رسیم، در بعضی از آنها مانند «قطار در ساعت نه و نیم» با پریشان گویی های راوی مواجهیم و در بعضی دیگر از داستان ها نیز برای کولاژهای سوررئالیستی نمی توانیم منطق داستانی پیدا کنیم.

درباره محور مشترک همه داستان های این مجموعه باید گفت که از لحاظ محتوایی کارها خیلی متنوع نیست و در اغلب آنها مسائل اجتماعی و دلنگنی های زنان مطرح شده و منطقی ترین داستان با این تعریف، داستان «صداهای تاریکی گم شده بودند» است. در این داستان، راوی اجازه می دهد شخصیت ها با حالات خودشان حرف بزنند و آزاد باشند و راوی کمتر دخالت می کند. مسلم است هرچند نویسنده پیشنهادی را از خود دور کرده، داستان با ساختار اصلی خودش پیش رفته است.

از نویسنده تجربه ورز انتظار می رود که در موضوعات پیرامونش هم این تجربه ورزی دیده شود. این آزمونی نگری باید در موضوعات و سوژه ها هم رخ بدهد؛ یعنی از موضوعات کلیشه ای و نخ نما استفاده نشود. البته داستان «رستوران» از این قاعده مستثنی است، زیرا در فضایی تازه و جذاب شکل گرفته و نگاهی تازه دارد.

نکته ارزشمند درباره این مجموعه داستان، صداقتی است که در آن وجود دارد و دغدغه مندی که در بخشی از ادبیات ما مغفول مانده و ما را بر این اساس با داستان هایی بی شور و هیجان و در فضاهای شبه روشنفکری و آپارتمانی تخت مواجه می کند.

در این مجموعه دغدغه شریف و صادقانه و روح پرسشگر و حساس نسبت به دنیای درونی و بیرونی آدم ها وزن های به طور مشخص دیده می شود و این مجموعه به این خاطر قابل احترام است.

جواد ماه زاده: این داستان ها با نگرشی انتقادی نسبت به جامعه و قوانین آن خلق شده اند و اغلب داستان ها نوعی بحران را منتقل می کنند.

من از انتخاب نام این داستان برای روی جلد کتاب تعجب می کنم. در داستان «مشتی خاک، همین!» داستان فرم مشخص خودش را دارد و ما می توانیم همه چیز را حدس بزنیم. من نمی دانم چرا چنین داستانی با وجود عدم سنخیت با



داستان های دیگر این مجموعه به روی جلد آمده است.

درباره فضاهای انتقادی این مجموعه داستان نیز باید گفت در بحثی که مربوط به هویت زنانه داستان است، نویسنده گاهی به صورت تدافعی برخورد می کند و با بغض و خودخوری انتقاد می ورزد، ولی گاهی نیز در داستان ها خودخوری وجود ندارد و راوی خود را رها کرده و تنها طرح مسأله می کند و این گونه به فضای مردانه و مناسباتی که اجتماع بر او تحمیل کرده است می تازد.

این مجموعه را با بدبینی آغاز کردم و خواستم با آن کلنجار بروم و نکته پیدا کنم. اتفاق بزرگی است که یک نگاه بدبینانه با نگاهی خوشبینانه تمام شود، ولی دریافتم که نویسنده سبک و امضایی ویژه دارد و ابراز هویتی را مدنظر گرفته است. اغلب داستان های این مجموعه نیز داستان های جدی و قابل بحثی اند.

مجموعه داستان «مشتی خاک، همین!» نوشته مینا احمدی، تابستان امسال از سوی نشر «افراز» منتشر شد.

دانشکده ای که هنوز جای پیشرفت دارد

دومین گردهمایی مدرسان مرکز علمی کاربردی شماره پنج تهران (دانشکده چاپ) با حضور جلال ذکایی، مدیر کل دفتر امور چاپ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تنی چند از استادان و مسؤولان این دانشکده در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد. در این نشست مباحثی درباره تهیه و تنظیم منابع آموزشی، به روز رسانی وب سایت اختصاصی مدرسان مرکز و تجهیز دانشکده به ویدئو پروژکتور و رایانه به بررسی گذاشته شد.

محمد حسن فکری، مدیر دانشکده چاپ: «در مدت ۹ سال، تلاش مجموعه بر ارتقای سطح آموزش و سطوح علمی این دانشکده متمرکز بوده و برنامه های متنوع و مختلفی در عرصه آموزش درس و کارگاهی انجام شده است. دانشجویان دنبال ارتقای سطح علمی خود هستند و مجبورند نیازهای علمی و آموزشی شان را از طریق استادان برطرف کنند. در دوره های متوالی شورای آموزشی دانشکده که به صورت ماهانه برگزار می شود، موارد مختلف کمیته انضباطی، آموزشی و ... عنوان می شود و خوشبختانه تاکنون مورد خاص و مهمی وجود نداشته است.»

محسن یگانه کاری، معاون آموزشی دانشکده چاپ: استادان و مدرسان باید نظریات و

فارغ التحصیلان کارآموزده حوزه چاپ و رشته های وابسته به آنند.

سنت شکنی در حوزه آموزش چاپ یکی دیگر از اقدامات من در مدت ۱۸ ماه فعالیتیم بود. ما بخش عمده ای از مباحث این بخش را به موضوع کنترل کیفیت و برنامه ریزی تولید از متخصصان چاپ اختصاص دادیم و علوم مدیریت بازرگانی و صنعتی را به حوزه چاپ وارد کردیم.

تا پیش از این، برای امتیاز دهی به استادان فقط به نظر دانشجویان استناد می شد اما در سال تحصیلی جدید معیارهای مختلفی برای این کار در نظر گرفته شده تا خلأها و مشکلات موجود برطرف شود.

جلال ذکایی، مدیر کل دفتر امور چاپ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: با این که اقدامات خوب و مثبتی در امور فرهنگی و آموزشی روی داده است؛ اما هنوز هم جای کار و پیشرفت وجود دارد.

این مرکز هنوز با دانشگاه های بزرگ چاپ فاصله دارد اما در مقایسه با مراکز دیگر علمی و کاربردی از جایگاه مطلوبی برخوردار است.

تاکنون رایزنی های مختلفی برای تغییر مکان دانشکده انجام شده است. این موضوع به عنوان یک دغدغه اصلی و اساسی در حال پیگیری است، اما به دلیل مناسب نبودن مکان های پیشنهادی هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

همچنین بودجه ای ۲۰ میلیون تومانی برای خرید کتاب های کتابخانه دانشکده در نظر گرفته شده است و با توجه به این که کتاب و کتابخوانی یکی از امور مهم و مورد نیاز دانشجویان به شمار می آید، این مرکز نیز کتابخانه خود را امسال تجهیز می کند.

درباره راه اندازی دوره آموزشی مدیریت نشر هم باید گفت از آنجایی که بیش از ۹ هزار ناشر در کشور به فعالیت مشغولند و سالانه حدود ۳۰۰ هزار جلد کتاب منتشر می کنند، تاسیس و راه اندازی رشته مدیریت نشر یکی از ضروریاتی است که به زودی در این مرکز، شاهد عملی شدن آن خواهیم بود.

علی شاه حسینی، مدیر فرهنگی و دانشجویی مرکز علمی - کاربردی شماره پنج تهران: این همایش به نوعی زمینه ساز صمیمیت و تعامل بین مسؤولان این مرکز و استادان رشته چاپ است. تبادل نظر و مشورت در برگزاری کلاس ها و برنامه های این سال تحصیلی، از اولویت های برپایی این گردهمایی به حساب می آید. این اقدام نه فقط برای ارتقای سطح علمی مرکز بلکه برای تقویت سطح فرهنگ سازمانی استادان و دانشجویان دانشکده پیش بینی شده و مرکز شماره پنج یکی از معدود دانشکده های برگزار کننده چنین جلساتی است.

به نظرم، پرداختن صرف به آموزش در دانشکده ها نه تنها کار مثبتی نیست، بلکه صدمه ای به بدنه آموزش در دانشگاه به حساب می آید. هرچند هدف اصلی دانشجویی ورود به دانشگاه، آموختن درست است، اما پرداختن به امور فرهنگی دانشجوی نیز از دیگر مواردی است که باید به آن توجه شود.

فرهنگ دانشجویی یعنی اهمیت دادن و پرداختن به مسائل و مشکلات و دغدغه های دانشجویی که قرار است چند سال در یک دانشگاه تحصیل کند.

پیشنهاد های خود را به دفتر آموزش ارائه بدهند. این انعکاس نظر ها موجب فعالیتی دوسویه و مثبت می شود که به ارتقای سطح فعالیت دانشکده می انجامد.

یکی از بزرگ ترین مشکلات ما، منبع آموزشی مورد نیاز دانشجویان در هر ترم تحصیلی است. دانشجویان در آغاز هر ترم با معرفی منابع از سوی استادان، سرگردان و بلا تکلیفند که این معضل باید به زودی برطرف شود.

در این میان، استادان این مرکز می توانند با تهیه و تنظیم سرفصل های مورد نیاز دانشجویان، زمینه را برای تدوین جزوه ای منسجم فراهم کنند تا بتوانیم در پایان یک دوره یک یا دو ساله، دانشجویان را از بلا تکلیفی خارج کنیم.

با توجه به هماهنگی های انجام شده برای برگزاری کارگاه های آموزشی در خارج از دانشکده چاپ و استقبال مناسب دانشجویان از این کلاس ها، امسال نیز در هماهنگی با چندین کارگاه و مرکز چاپ این دوره ها برپا خواهند شد.

سیامک دری، مدیر گروه چاپ این دانشکده: نبود استاد متخصص، یکی از معضلات آموزش در دانشگاه های چاپ است. در آغاز به کار فعالیت این مرکز، اغلب استادان از رشته های مختلف مدرک داشتند؛ اما کارایی لازم برای آموزش به دانشجویان را نداشتند. این موضوع موجب انتقال نادرست برخی مفاهیم به مخاطبان می شد اما اکنون گروه استادی این مرکز از حضور استادان و مدرسانی زبده بهره مند است و اغلب آنان از

جواد ماه زاده:
«مشتی خاک، همین» را با بدبینی آغاز کردم و خواستم نکته پیدا کنم. اتفاق بزرگی است که یک نگاه بدبینانه با نگاهی خوشبینانه تمام شود، ولی دریافتم که نویسنده سبک و امضایی ویژه دارد و ابراز هویتی را مدنظر گرفته است



سایر محمدی

«راهنمای موضوعی حافظ پژوهی» عنوان کتابی دوجلدی به قلم دکتر کاووس حسن لی است که توسط نشر نوید شیراز با همکاری مرکز حافظ شناسی، اواخر مهرماه جاری چاپ و منتشر خواهد شد. دکتر کاووس حسن لی متولد ۱۳۴۱ آباد، دکترای زبان و ادبیات فارسی دارد. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه شیراز، به تحقیق و پژوهش نیز مشغول است که حاصل آن ۲۳ عنوان کتاب منتشر شده و چند عنوان کتاب در آستانه انتشار است. «فرهنگ سعدی پژوهی»، «گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران»، «چشمه خورشید»، «سعدی آتش زبان»، «سلسله موی دوست»، «رنگ از رخ تمام قلم‌ها پریده است»، «لبخند آینه چشمه‌ام»، «ورق درخت طوبی» و «تصحیح دیوان امین‌الدین بلبانی» عناوین برخی از این آثارند. «چشمه خورشید» کتابی درباره زندگی و شعر حافظ است که به زبان عربی ترجمه و در کشورهای عربی زبان منتشر شد و اکنون به زبان انگلیسی و فرانسوی نیز در دست ترجمه است. حسن لی به عنوان شاعر، در کارنامه اش سه مجموعه شعر منتشر شده دارد و اکنون نیز «کارنامه خیام پژوهی» و «فرهنگ موضوعی نیماپژوهی» را در دست تالیف و تدوین دارد.

دکتر کاووس حسن لی، مؤسس بنیاد حافظ شناسی:

معماری و ازگانی حافظ، ترجمه ناپذیر است

شاهنامه یا با اشعار سعدی و اشعار مولوی هم فال گرفته می‌شد. اما بعد از آن که غزل‌های حافظ منتشر شد و رواج پیدا کرد و ذهن و ضمیر جامعه ایرانی را به تسخیر درآورد، دیگر جای همه آن آثار را گرفت. البته این موضوع دلایلی دارد که به اختصار توضیح می‌دهم. یکی از مهم‌ترین دلایل، تاویل پذیری شعر حافظ است. دیگر این که خاصیت آیینگی که شعر حافظ دارد، سبب رجوع مردم به اشعار او می‌شود؛ یعنی هر کسی تصویر خودش را در آینه شعر حافظ می‌بیند. در آن مقاله بحث کرده‌ام که چگونه شعر حافظ خاصیت آیینگی پیدا کرده است. دلیل تاویل پذیری اش را هم توضیح داده‌ام و گفته‌ام هر کسی تفسیر خودش را از این متن دارد به طوری که شعر حافظ را، همزمان در مراسم زنجیرزنی و نوحه خوانی می‌خوانند، هم به صورت ترانه در مجالس و مهمانی‌ها. هم عارف و صوفی در خلوت خود می‌خوانند، هم خوش باشان هنگام سرمستی.

البته دلایل دیگری هم برای رویکرد مردم به شعر حافظ می‌توان برشمرد. مثل ارتباط حافظ با کلام وحی و از بر بودن قرآن، چنان که در زمان قدیم حافظ را لسان‌الغیب و ترجمان الاسرار می‌نامیدند و مردم به این موضوع خیلی اعتقاد دارند و کلام حافظ را ملهم از قرآن می‌دانند. خود حافظ هم در غزلی می‌گوید: «هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم».

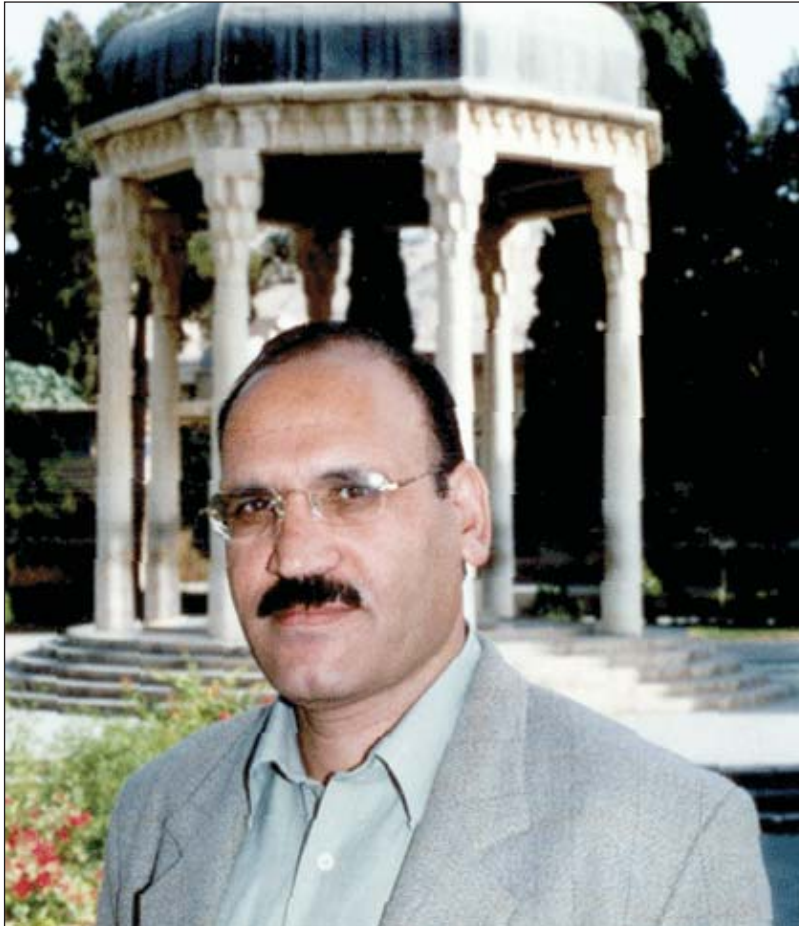
این مسائل هم از دیگر عواملی اند که مردم را برای گرفتن فال از دیوان حافظ ترغیب می‌کنند. عامل مهم دیگری که در دیوان حافظ هست و دلیل رویکرد مردم به او و غزل‌هایش محسوب می‌شود و از این اشعار فال می‌گیرند، این است که حافظ دست روی مهم‌ترین زخم جامعه ایرانی می‌گذارد و آن هم ریا و تزویر است چراکه همواره جامعه ایران از دست این بلا در امان نبوده و رنج می‌برده است.

او به بهترین و هنری‌ترین شکل تزویر و سالوس و ریا را افشا می‌کند و به مبارزه با آن برمی‌خیزد و این باعث تشفی خاطر خوانندگان شعرش می‌شود. از طرفی، حافظ خیلی به مفهوم شادمانگی، نوع‌ورزی، دوست داشتن، مدارا و تساهل تاکید می‌ورزد. او جامعه را به دوستی و شادی دعوت می‌کند و می‌گوید که این همه به غم خوردن نمی‌ارزد.

در آن مطلب روی هفت عامل تاکید کردم و به بحث پرداختم. موضوع فال در اغلب جوامع رایج بوده و هست و مردم می‌خواهند به متن یا به اثری متوسل شوند که دردها و دغدغه‌هایشان را بازتاب دهد.

در کتاب «راهنمای موضوعی حافظ پژوهی» حتما اطلاعات بارزتری را ثبت و ضبط کرده‌اید. آیا به خاطر دارید بیشترین موضوعی که درباره حافظ و اشعارش نوشته شده، کدام است؟

من به شکل دقیق و به صورت آماری چنین مباحثی را استخراج نکرده‌ام تا به اطلاع مخاطبان برسانم. برای این که در آنجا آنقدر «ریز موضوعی» کار شده است که اگر بخواهم چنین آماری بدهم، باید به متن کتاب مراجعه کنم. من آماری نگرفته‌ام. اما شاید همین پرداختن به متن غزل‌ها و تفسیر متن اشعار، بیشترین سهم را در تحقیقات داشته باشد. یعنی در واقع یک جلد از این کتاب درباره خود متن است و شرح‌ها و



بدانید که آیا کسی راجع به نیچه و حافظ حرفی زده است یا نه؟

یا این که درباره پدر حافظ آیا کسی اظهار نظر کرده؟ آیا درباره استعاره در غزل حافظ کسی مطلبی منتشر کرده است؟ آیا درباره رندی و نظربازی در شعر حافظ کسی اظهار نظری دارد؟ پاسخ همه این پرسش‌ها را در این کتاب دوجلدی به آسانی پیدا می‌کنید. یا در مورد این که شرح غزل‌های حافظ در چند کتاب و توسط چه کسانی نوشته شده، خیلی راحت عناوین این کتاب‌ها و نام نویسندگان آنها را در این مجموعه می‌توانید پیدا کنید.

کتاب دیگری هم قبلاً با عنوان «چشمه خورشید» منتشر کرده بودید که آن هم درباره حافظ است.

کتاب «چشمه خورشید» را در سال ۸۴ منتشر کردم. تالیف این کتاب را سازمان آی‌سیسکوز از من خواست. در حقیقت من این کتاب را بنا به سفارش این نهاد فرهنگی درباره حافظ نوشتم. می‌خواستم کتابی راجع به حافظ نوشته شود که به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر کنیم. در واقع این کتاب برای معرفی حافظ به مردم دیگر کشورهاست. زمانی که این کتاب را می‌نوشتم، دوستان پیشنهاد دادند که متن فارسی آن را هم در ایران چاپ و منتشر کنیم.

راجع به زندگی و شعر حافظ کتاب‌های دیگری هم نوشته شده. فکر می‌کنید آن کتاب‌ها کافی نبوده‌اند؟

خوبی‌ها راجع به حافظ نوشته‌اند؛ از جمله بهاء‌الدین خرمشاهی، در واقع تا کنون دویست و سی عنوان کتاب غیر از دیوان حافظ و تصحیحاتی که از دیوان حافظ صورت گرفته، درباره حافظ نوشته و منتشر شده‌اند؛ یعنی فقط درباره حافظ ۲۳۰ عنوان کتاب داریم.

گویا مقاله‌ای درباره فال حافظ نوشته‌اید. در این زمینه می‌توانید بفرمایید که با چه انگیزه‌ای این مقاله نوشته شد؟

در واقع مطلبی که درباره فال حافظ چاپ شده، بخشی از همان کتاب «چشمه خورشید» بود. من راجع به فال حافظ مصاحبه‌های فراوانی داشتم و گفتم مشکل فال حافظ چه هست؟ و چرا همه به آن می‌پردازند؟ اما در مقاله‌ای که نوشته بودم، دلایل رویکرد مردم به شعر حافظ و علت این که چرا مردم با این اشعار فال می‌گیرند را توضیح دادم.

شما سال گذشته دیوان امین‌الدین بلبانی را تصحیح و منتشر کرده بودید. این شاعر در چه دوره‌ای می‌زیست؟

دیوان امین‌الدین بلبانی برای نخستین بار تصحیح و منتشر شده است. حافظ به او ارادت بسیار داشت. وی تنها صوفی‌ای است که حافظ شیرازی از او به نیکی یاد می‌کند. در واقع بلبانی، پیر خواجوی کرمانی بود. او از شخصیت‌های برجسته و نامدار سده هشتم به‌شمار می‌رود اما از دیوان اشعار او تنها یک نسخه خطی باقی مانده که در حاشیه یک نسخه خطی مکتوب شده و در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. طی سفری که به فرانسه داشتم این نسخه را تهیه کردم و به تصحیح آن پرداختم. البته در تصحیح دیوان بلبانی آقای محمد برکت با من همکاری داشت. ناشر این دیوان هم فرهنگستان هنر است که سال گذشته آن را به بازار فرستاد.

امین‌الدین بلبانی باید هم عصر حافظ و سرودن شعر را هم زودتر از حافظ شروع کرده باشد. آیا همین طور است؟

امین‌الدین بلبانی هم عصر حافظ است اما به لحاظ سن و سال بزرگ‌تر از او بود. در واقع جوانی حافظ مصادف با ایام پیری این شاعر است.

این که گفتم حافظ به او ارادت خاصی داشت، به این خاطر است که حافظ در دیوان خود از او نام می‌برد. آنجا که می‌گوید: «به پنج شخص عجب بود ملک فارس آباد/ امین‌الدین ...» امین‌الدین شاعری غزلسراست و در مقدمه دیوانش هم توضیح دادیم که خیلی از اشعارش رنگ او را دارند. با این که امین‌الدین شاعری زاهد مسلک است ولی میزان زهدسنجی اش در غزل به نسبت از تعداد غزل‌های حافظ بیشتر است.

البته به لحاظ هنری غزل‌های او قابل مقایسه با غزل‌های حافظ نیست، ولی در هر حال به عنوان یک شخصیت مشهور در سده هشتم، تمام شخصیت‌های برجسته هم عصرش نسبت به او ارادت عجیبی ابراز و پیش او فراوان کرنش می‌کردند. بلبانی شخصیت ممتازی داشت که در جامعه آن روز به کارهای عام‌المنفعه بسیار بها می‌داد و در زمینه خدمت به مردم پیشقدم بود. مثلاً بیمارستان می‌ساخت در ضمن خیلی دنیاگریز بود.

کتابی که درباره حافظ و حافظ‌پژوهی نوشته‌اید، چه زمانی و با چه عنوانی منتشر می‌شود؟

این کتاب «راهنمای موضوعی حافظ پژوهی» نام دارد که در دو جلد و حدود دو هزار صفحه تالیف شده است. کتاب بسیار مهمی است و هفت سال وقت صرف تالیف آن کرده‌ام. کتاب‌هایی که درباره حافظ و اشعار او تا سال ۸۰ نوشته شده، حدود ۲۳۰ عنوان است که من همه آنها را به صورت «ریز موضوعی» فهرست کرده‌ام و در نهایت حدود صدوسی هزار فیش از متن این آثار استخراج کرده‌ام. چنین کاری نه تنها در مورد حافظ بلکه در مورد هیچ‌یک از ادیبان و شاعران ایران انجام نشده است.

درباره حافظ، هر موضوع و مساله‌ای که به فکرتان خطور کند و می‌خواهید بدانید که آیا در این زمینه کسی بحثی داشته یا مطلبی نوشته، با مراجعه به کتاب دوجلدی «راهنمای موضوعی حافظ پژوهی» اطلاعات لازم را به دست می‌آورید. مثلاً می‌خواهید

نسخه بدل‌ها و مسائلی از این دست را دربرمی‌گیرد. اتفاقاً دلم می‌خواهد در این گفت‌وگو راجع به این کتاب که کاملاً بحث‌های تازه‌ای دارد صحبت بشود تا به صورت جامع‌تر معرفی شود؛ برای این که نخستین بار است که من به این کتاب در آستانه انتشار می‌پردازم. **آیا اطلاع دارید که امروز در حوزه حافظ‌پژوهی با چه کمبودهایی مواجهیم؟**

هنوز یکی از گرفتاری‌هایی که در این گونه موارد داریم این است که برای شروع تحقیق و پژوهش به کمبودها و خلا‌های موجود در آن حوزه توجه نداریم و صرفاً کار خودمان را می‌کنیم. البته در مورد حافظ کمتر از دیگر شاعران با چنین کمبودهایی مواجهیم. خوشبختانه حافظ‌پژوهی در کشور ما سابقه‌ای دیرینه دارد و آثار متعدد و فراوانی نیز در این باره نوشته شده. اما در زمینه سعدی‌پژوهی کمبودها بسیار است. در واقع، سعدی مورد بی‌مهری واقع شده است. خوشبختانه حافظ نسبت به مقدار متن آثارش در مقایسه با سعدی، خیلی خوب مورد توجه قرار گرفته و به آن پرداخته شده؛ هم به لحاظ تصحیح متن دیوانش هم به لحاظ تفسیر غزل‌هایش و هم از نظر ترجمه‌های گوناگون اشعارش. به گمان من اصل قضیه همین مطالعات پایه‌ای است که در آن ضعف داریم و در کل ادبیات هم این ضعف مشهود است. یعنی تحقیقات بنیادی کمتر انجام می‌دهیم. مثل کاری که من راجع به سعدی انجام داده‌ام و به اسم «سعدی‌پژوهی» منتشر شده است. کارهایی از این دست بسیار کم داریم. الان هم یک کتابشناسی توصیفی - تحلیلی درباره حافظ واقعاً جایش خالی است و لازم است کسی آستین همت بالا بزند و به این مهم بپردازد. یا همین کاری که ما الان در مورد راهنمای موضوعی حافظ‌پژوهی انجام داده‌ایم. برای این که خیلی‌ها به مرکز حافظ‌شناسی می‌آمدند و از من سوال می‌کردند که ما می‌خواهیم راجع به فلان موضوع تحقیق کنیم، چه منابعی در این زمینه وجود دارد؟ مثلاً، کسی راجع به دیدگاه فلسفی حافظ بحث کرده یا دیگری درباره حافظ و روانشناسی نوین. این منابع کجا هستند و چگونه می‌توان به این مطالب دسترسی پیدا کرد؟ ما هیچ منبعی نداریم که به چنین افرادی در این زمینه کمک و منابع را به آنها معرفی کند. باید کتابی مانند «راهنمای موضوعی» در مورد ادیبان ایرانی نوشته شود تا همه آنچه در مورد تک‌تک شاعران و ادیبان نوشته شده، به صورت ریز موضوعی تدوین شود.

منابعی که شما در کتاب «راهنمای موضوعی...» معرفی کرده‌اید امروز در بازار نشر وجود ندارند! چون برخی از این آثار سال‌هاست که نایابند و دیگر تجدید چاپ نشده‌اند. لطفاً در این مورد توضیح دهید.

نه. من برای تالیف و تدوین این کتاب باید همه این منابع را به دست می‌آوردم. من ۳۰ عنوان کتاب را برای تالیف این اثر زیور کردم بعد از این باید سراغ مقاله‌هایی که در زمینه حافظ‌پژوهی نوشته شده‌اند بروم. باید این مقاله‌ها را هم فهرست‌بندی کنم و در اختیار علاقه‌مندان قرار بدهم. خوشبختانه، موسس بنیاد حافظ‌شناسی در شیراز و مدیر علمی - پژوهشی آن مرکز، در آن مرکز ما همه آثار مربوط به حافظ را گردآوری کرده و می‌کنیم. به همین دلیل من بسیاری از منابع را برای تالیف این کتاب در جلدی در اختیار داشتم. تقریباً همه کتاب‌هایی که تا سال ۸۰ درباره حافظ منتشر شده‌اند را آنجا گردآوری کردیم و فهرست موضوعی‌شان را در آورده‌ام و معرفی کردیم.

آثاری که در مورد حافظ در دیگر کشورها نوشته شده آیا در این راهنمای موضوعی لحاظ شده‌اند؟ ما در این کتاب به آثاری که راجع به حافظ به زبان فارسی نوشته شده‌اند پرداختیم. البته من با اغلب حافظ‌پژوهان که در ترکیه یا تاجیکستان و دیگر کشورهای فارسی زبان فعالیت دارند و آثاری منتشر کرده‌اند، آشنایی دارم. اما همچنان بر این عقیده‌ام که مهم‌ترین و موثقی‌ترین آثار در زمینه حافظ‌پژوهی در ایران نوشته و منتشر شده‌اند. البته در کشورهای آمریکایی و اروپایی، ایرانی‌نویسندگانی که تحقیقات بسیار خوبی درباره حافظ دارند که قابل توجه‌اند. هنوز کار متفاوتی که خیلی برجسته باشد و همسنگ

آن در ایران نوشته نشده باشد، نداریم. در مورد شاهنامه کسی مثل خالقی مطلق را داریم که بهترین تصحیح را از شاهنامه ارائه داده است، اما چنین شخصیتی که روی حافظ کار کرده باشد، نداریم. در مورد حافظ جز ترجمه‌های متعدد و متنوع کار تحقیقاتی چندانی در خارج از کشور انجام نشده است. شاید مطلع باشید که پروفیسور «هانس دوفوشو کور» برای نخستین بار تمام دیوان حافظ را به زبان فرانسوی ترجمه کرد و ما ایشان را به ایران دعوت کردیم و نشان درجه یک حافظ‌شناسی به او دادیم. هم عرض ایشان آقای «جووانی درنه» در ایتالیا، تمام دیوان حافظ را به زبان ایتالیایی ترجمه کرده است. ایشان را هم به ایران دعوت کردیم و نشان حافظ‌شناسی به او دادیم که خوشبختانه خیلی باعث شادمانی آنان شد. فردی مثل آقای دوفوشو کور زمانی نزدیک به هجده سال تمام روی دیوان حافظ کار می‌کرد تا ترجمه و شرحی از دیوان حافظ ارائه دهد اما کارهای جدی از این دست درباره حافظ در خارج از کشور بسیار کم داریم.

افراد دیگری اگر کار کرده‌اند، تکرار مباحثی است که از قبل در ایران وجود داشته، در حقیقت، کار اصلی درباره حافظ را ایرانیان انجام می‌دهند و ایرانیان هستند که با زبان حافظ و ضمیر شعرهای او آشنایی عمیق دارند و می‌توانند روی آثارش کار کنند. **شما با چه انگیزه و اهدافی روی کتاب‌هایی مثل «سعدی‌پژوهی» و «راهنمای موضوعی حافظ‌پژوهی» را کار کرده‌اید که هم و تکیه‌اند، هم پرزحمت؟**

هدف ما ارائه نمونه‌هایی از کارهای بنیادی بود که به جامعه پژوهشی معرفی کنیم. خوشبختانه الان می‌بینم در بسیاری از مراکز و دانشگاه‌ها کارهایی از این دست شروع شده است، با همان روش و متدی که ما در فرهنگ سعدی‌پژوهی به کار گرفتیم. به عنوان مثال در مشهد چنین تحقیقی درباره فردوسی شروع و مقالات فراوانی در این زمینه نوشته شده است. در شیراز نیز یک پایان‌نامه تحصیلی درباره نظامی و آثارش نوشته شده است. خیلی دلم می‌خواهد تاکید شود، با این که این کارها بسیار طاقت‌سوز و طاقت‌فرسا هستند، نتایج بسیار خوبی به بار می‌آورند. الان می‌بینم کسانی که نام بزرگی دارند و من می‌توانم از آنان نام ببرم و بزرگ‌ترین استادان زبان و ادبیات فارسی در این کشورند، نسبت به تالیف چنین آثاری ابراز خوشحالی می‌کنند و به من لطف دارند. طبیعی است که من هم خوشحال می‌شوم وقتی می‌بینم امروز همه کسانی که با سعدی ارتباط دارند یا با حافظ مانوسند. باورش این است که کتاب «سعدی‌پژوهی» یکی از اساسی‌ترین کارها در این زمینه است و واجب‌ترین کاری است که باید در مورد سعدی انجام می‌گرفت. حالا که کار خیام و نیما به بازار بیاید، حتماً چنین تحسین‌هایی را از سوی استادان برمی‌انگیزد. به دلیل این که برای تالیف و تدوین چنین آثاری، زحمات بسیاری کشیده شده است. در این میان، توقع از بنیادها و نهادهای فرهنگی کشور که بودجه‌های تحقیقاتی دارند، این است که برای تالیف و تحقیقات بنیادی از این دست، هزینه کنند. به گمان من واجب‌تر از تحقیقات ادبی اینچنین، چیزی نداریم که بودجه‌های تحقیقاتی صرف آن شود.

شما چقدر با «شرح غزل‌های حافظ» که هر از گاهی توسط استادان نوشته و منتشر می‌شوند، موافقت می‌کنید؟ چون اغلب این شرح‌ها تکرار شرح دیگران است و در کتاب «راهنمای موضوعی حافظ‌پژوهی» چقدر

خوشبختانه حافظ نسبت به مقدار متن آثارش در مقایسه با سعدی، خیلی خوب مورد توجه قرار گرفته و به آن پرداخته شده؛ هم به لحاظ تصحیح متن دیوانش، هم به لحاظ تفسیر غزل‌هایش

آثار تکراری را فهرست کرده‌اید؟

خیلی کارهای تکراری داریم. یکی از کشنده‌ترین کارهایی که ما در این چند اثری که اسم بردم، مثل کارنامه‌خیام‌پژوهی و فرهنگ‌سعدی‌پژوهی و راهنمای موضوعی حافظ‌پژوهی با آن مواجه بودیم ثبت همین آثار تکراری بود.

کارهای نو و بدیع خیلی کم است و من در مقدمه «فرهنگ سعدی‌پژوهی» به طور مفصل این مساله را نوشته‌ام. آنقدر کارهای تکراری می‌بینم که فهرست کردن آنها دل‌آزار می‌شود. شما در مطالعاتی از این دست، وقتی ده درصد از کارها را مورد بررسی قرار می‌دهید، پس از آن دیگر حرف تازه‌ای پیدا نمی‌کنید. در واقع بقیه آثار تکرار همین ده درصد کتاب است.

آیا با تصحیح مکرر دیوان حافظ موافقت می‌کنید؟ به نظر شما آیا این همه تصحیح اشعار حافظ منجر به چه کشف تازه‌ای می‌شود؟

بعد از این که مرحوم فیروزکوهی «حافظ بس» اعلام کرد، تا حالا چقدر تصحیحات خوب از دیوان حافظ منتشر شده و چقدر آثار جدی راجع به حافظ و شعرش به بازار آمده است؟ هر یک از این آثار مخاطبان خاص خودش را دارد. هر یک از این کتاب‌ها ویژگی خاص خودش را ممکن است داشته باشد. بالاخره بعد از آن کتاب‌ها، شما می‌بینید «حافظ برتر کدام است» آقای عیوضی می‌آید و بحث‌های دیگری را مطرح می‌کند. اخیراً کاری از محمود رکن منتشر شده است که ناشرش نشر نوید شیراز است. در آنجا نقدهایی دیدم که روی حافظ خرمشاهی نوشته‌اند یا نقدی بر حافظ جاوید داشته‌اند در هر حال به نظر من انتشار این تصحیحات ایراد چندانی ندارد.

اخیراً آقای فردوسی اعلام کرده نسخه‌ای دستنویس از دیوان حافظ پیدا کرده که مقارن حیات حافظ مکتوب شده است. آیا شما این کتاب را دیده‌اید؟

اتفاقاً من درباره این کتاب هم مصاحبه‌ای داشتم و گفتم کاری که توسط آقای فردوسی چاپ شده، به عنوان دستنویس غزل حافظ و جزئیاتی که در این اثر هست، بسیار مغتنم است و نظرم را به تفصیل توضیح دادم. با این که من راجع به جزئیات این کتاب نقدهایی دارم ولی کار آقای فردوسی را ستایش می‌کنم که بالاخره نسخه‌ای از دیوان حافظ را پیدا و آن را احیا کرده و به دست چاپ سپرده و به معرفی آن پرداخته است. حالا دیگران این نسخه را هم می‌توانند بخوانند و نقد و نظر خودشان را مطرح، قبول یا رد کنند. به نظر من چراغ این گونه تحقیقات نباید خاموش شود. باید این شعله را فروزان نگه داشت. ما نباید از کارهای تکراری و سطحی‌نگران باشیم. حقیقت این است که من شاهد بودم مقاله یا کتابی در دهه سی یا چهل چاپ شده بود. دوباره وقتی در دهه‌های شصت و هفتاد چاپ شد، خوانندگان جدیدی پیدا کرد. خیلی از خوانندگان به کتاب‌های دهه سی و چهل دسترسی ندارند و آن منابع را اصلاً ندیده‌اند. به همین دلیل این آثار برای آنها تازگی دارد. حتی کارهای تکراری هم مخاطبان خاص خودش را دارد.

در سال‌های اخیر مولانا در غرب گل کرده و با اقبال عجیبی روبرو شده است مثلاً معروف‌ترین خوانندگان غرب، اشعار مولانا را در قالب ترانه اجرا کردند. با این که حافظ زودتر از مولانا در غرب ترجمه و معرفی شد، چنین اقبالی پیدا نکرد. چرا؟

اولاد رک‌شعرواندیشه‌حافظ‌برای مردم مغرب زمین تا حدودی سخت است. ما از حافظ اگر این همه لذت می‌بریم، به چند دلیل است. یکی معماری شگفت‌انگیز و آوازی‌گانی در غزل حافظ است که هیچ مترجمی قادر به انتقال آن در زبان دیگر نیست. این آوازان با آن گستره معنایی به هیچ قالب دیگری تن نمی‌دهد. این همه امکانات زبانی که در یک بیت حافظ فراهم شده، از فیلتر ترجمه نمی‌تواند بگذرد. در ترجمه بیشتر مفهوم است که منتقل می‌شود و آن مفاهیم است که از غربی‌ها دل می‌برد. به همین خاطر است که خیام بیشتر از حافظ شهرت پیدا و اروپاییان را شگفت‌خود کرده است. خیامی که فیتز جرالده گمان کرده و روایتی که او از رباعیات خیام به دست داده، برای غربی‌ها جذاب است. حتی سعدی برای مردم مغرب زمین قابل فهم‌تر از حافظ است.

نگاهی به کتاب «زندگی و مرگ مولف»

مؤلف همیشه زنده است



مینازندی: در دوده

اخیر بحث‌های زیادی درباره ساختار گریبی و نگرش مبتسنی بر متن محوری در ادبیات ایران مطرح شده است. این بحث‌ها به ویژه از چند سال پیش، شکلی جدی‌تر به خود گرفت و از همین رو محافل آکادمیک نیز توجه بیشتری به نگرش ساختارگرایانه ادبیات مبذول داشتند. در این میان یکی از تنورپسند‌های ادبی که نامش بسیار بر زبان آمدن رولان بارت بوده است که با نظریه مرگ مولف، او را می‌شناسیم. این اندیشمند گرچه تئوری‌های دیگری نیز دارد که در دیگر کشورها به واسطه آنها نیز شهرت دارد، اما در ایران این بخش از ادبیات او بیشتر مورد توجه قرار گرفت، گرچه بسیاری درک درستی از نظریه مرگ مولف نداشته‌اند. محمدمهدی لبیبی در کتاب «زندگی و مرگ مولف» کوشیده است تا نگاهی درست از این نظریه را در کنار بررسی اجمالی زندگی و آرای رولان بارت مطرح کند. با این توضیح اضافه که مولف در این کتاب تلاش کرده تا نظریه «مرگ مولف» را از افقی گسترده‌تر از نگاه بارت نیز بررسی کند.

بخش نخست کتاب «بارت، نشانه‌شناسی و اسطوره» نام دارد. در ابتدای این فصل و چنانچه از عنوان آن برمی‌آید، نشانه‌شناسی در آرای این اندیشمند فرانسوی مورد بحث قرار گرفته شده است. مولف ابتدا به تعریفی اجمالی از نشانه‌شناسی می‌پردازد و سپس به رد پای آن در آثار بارت توجه می‌کند. او از نگاه غیرثابت بارت به رمزها و علائم در جهان می‌نویسد و ادامه می‌دهد: «از نظر بارت، هر اسطوره به عنوان نظامی از نشانه‌ها ظاهر و باطن جداگانه‌ای دارد. نشانه‌ها ماهیتاً و به طور بالقوه چندمعنایی‌اند و می‌توانند بر حسب نوع متنی که در آن مندرج می‌شود و نیز شرایط تاریخی و گرایش فرهنگی خواننده یا بیننده، معانی مختلفی پیدا کنند.»

مولف در بخش دوم ضمن مطرح کردن انتقاداتی بر نظریه بارت، به تفکیک در مورد هر بخش موضوعاتی را مطرح کرده است. او به تضاد درونی آثار و اندیشه‌های بارت و به نقول قولی از پل ریکور می‌پردازد که در نقد آثار بارت است و در قسمت دیگری به ارتباط انکارناپذیر نویسنده و متن می‌پردازد و به نقل قول‌هایی از اندیشمندان غربی اشاره می‌کند که هیچ‌گاه متن را جدای از مولف ندانسته‌اند. او به نویسنده‌ای چون مارگریت دوراس اشاره می‌کند و می‌نویسد: «برخلاف ادعای بارت، مولف را در بسیاری از موارد می‌توان از روی زبان و لحنش شناخت، البته اگر صاحب سبک باشد. امضای این گروه از نویسندگان در آثارشان پیدا است، حتی اگر متن نسخه‌ای باشد بی‌نام و نشان.»

او در پایان کتاب نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان به ارائه حکم‌هایی کلی اتکا کرد و متن، مولف و مخاطب هر یک شناخت‌شناسی ویژه خود را دارند. به نوشته وی، میزان مشارکت خوانندگان در نوشتن متن‌ها یکسان نیست و این قابلیت خاص متن است که نوعی علامت حیاتی برای آن تلقی می‌شود؛ نشانه‌هایی که بیش از هر چیز بیانگر زنده بودن مولف است. او می‌نویسد: «خواننده و نویسنده هر دو در متن حضور دارند و تولد یکی مرگ دیگری نیست.»



گزارشی از مراسم گرامیداشت روز شعر و ادب فارسی

شمع رخ یار تمام است



رقم بزنند و این دوره را به عصر درخشان حوزه فرهنگ و ادب تبدیل کنند.»

دکتر مصطفی ذاکری، زبان شناس نیز با اشاره به گسترش شعر و ادب بعد از انقلاب اسلامی گفت: «به برکت انقلاب اسلامی، عده زیادی دانشجو و استاد در این دوره پرورش یافته اند بنابراین میزان بی سوادان بسیار کاهش یافته و همه رشته های علمی، فرهنگی و فلسفه در جامعه عمومیت پیدا کرده است.» وی با اشاره به این که اکنون دانشجویان اطلاعات زیادی در تمامی رشته ها دارند، افزود: «وظایف ادیبان نیز در جامعه وظیفه سنگینی است. یک ادیب باید بتواند به سوالات مختلف در رشته های گوناگون پاسخ دهد، بنابراین به مطالعه فراوان نیاز دارد. البته کلمه ادب به دو بخش ادب نفسی و ادب درسی تقسیم می شود و ادب نفس بسیار والاتر از ادب درسی است. همچنین، ده علم مختلف نظیر منطق، عروض، قافیه و تاریخ وجود دارد که ادیب باید با آنها آشنا باشد. امروزه قدرت ادیب ناشناخته مانده است. در حالی که از رشته های دیگر زحمت بیشتر و مطالعه فراوان تری را می طلبد.»

در ادامه این ضیافت، عبدالعلی دستغیب، نویسنده، منتقد و چهره ماندگار ادبی، با ابراز خرسندی از برگزاری چنین مراسمی برای اهالی شعر و قلم گفت: «چنین مراسمی باید کانون فرهنگی فعال تر و محل گفت و گو، نقد و برخورد آرا باشد. زبان فارسی اگر قوی ترین زبان دنیا نباشد، از قوی ترین و پرطرفدارترین زبان های دنیاست. این زبان، نوعی زبان سنتیک است که با افزودن یک پیشوند یا پسوند، صدا لغت از آن ساخته می شود.»

دستغیب افزود: «پروفسور حساسی نیز در این زمینه محاسبه ای انجام داده و به این نتیجه رسیده بود که تعداد لغاتی که در زبان عربی می توان ساخت،

۲۷ شهریور ماه سالگرد «روز شعر و ادب فارسی» است که این روز به مناسبت درگذشت سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)، شاعر بزرگ ایرانی نامگذاری شده است. امسال، برگزاری مراسم روز شعر و ادب فارسی به دلیل تقارن با ماه مبارک رمضان به تعویق افتاد و ۱۳ مهرماه با عنوان ضیافتی برای اهالی قلم از سوی خانه کتاب در هتل لاله تهران برپا شد.

این مراسم با حضور افرادی نظیر دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی شجاعی صائین، مدیرعامل موسسه خانه کتاب (میزبان ضیافت)، علی اوجبی، معاون فرهنگی خانه کتاب و دیگر مدیران این موسسه و جمعی از اهالی فرهنگ، شاعران، ادیبان و دبیران و خبرنگاران گروه های فرهنگی و ادبی برپا شد.

در ابتدای مراسم، دکتر محسن پرویز طی سخنانی به دغدغه ذهنی خود در طول سالیان گذشته برای اهالی فرهنگ و قلم اشاره کرد و گفت: «گاهی آثار مناسب و خوبی از نویسندگان خلق می شود که متأسفانه به دلیل کمبود امکانات و نبود فضای نشر حرفه ای، در جامعه منتشر و معرفی نمی شوند و جامعه از آن بهره نمی برد.»

وی افزود: «امیدوارم روزی برسد که هیچ اثر موفق و شایان توجهی به دلیل کمبود امکانات محکوم به عدم نشر نشود.»

در ادامه مراسم پرویز بیگی حبیب آبادی با یاد از شاعران نامدار درگذشته، اشعاری را برای حاضران زمزمه کرد. علی اکبر اشعری، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، طی سخنان کوتاهی ضمن ابراز مسرت از حضور در جمع فرهیختگان شعر و ادب، گفت: «امیدوارم تمامی فرهیختگان کنونی کشور، دوره درخشانی را برای ادبیات و شعر انقلاب اسلامی

«پیکاسو سخن می گوید» نام کتابی است از دراشتن که در زمان حیات پیکاسو نوشته شده و مجموعه ای است از حرف ها و اظهار نظرهای پراکنده پیکاسو درباره هنر، نقاشی، شعر و مجسمه سازی که به سختی قابل یادداشت برداری و ویرایش بوده اند. این کتاب برای نخستین بار ۲۵ سال پیش، در سال ۱۳۶۳ توسط محسن کرامتی به فارسی ترجمه شد و توسط موسسه انتشارات نگاه به چاپ رسید. به تازگی و برای دومین بار ویرایش تازه ای از این کتاب توسط انتشارات نگاه منتشر شده است.

دراشتن در مقدمه کتاب به سخن نزدیکان پیکاسو در این باره اشاره دارد که او هیچ گاه بحث فیلسوفانه نمی کند و بیشتر جملات متناقض و لطیفه های کوتاه در صحبت هایش شنیده می شوند. شماری دیگر از دوستان این نقاش نیز معتقد بوده اند که ثبت اظهارات پر مغز او بسیار دشوار است و حتی کسانی که به شیوه بیان او آشنایی دارند، نمی توانند رمز سخنانش را کشف کنند و گفته های او را طوری ثبت کنند که زیبایی شناختی مشخص آن حفظ شود. در این میان هلن پارملین که از دوستان نزدیک تر پیکاسو بوده، در جایی اظهار داشته که افکار پیکاسو مانند نقاشی هایش دایما تغییر می کند. در این کتاب سه بیانیه و همچنین نامه ها و پیام هایی از پیکاسو جای دارند که از آنها می توان بیانیه ۱۹۲۳، بیانیه ۱۹۳۵، پیام به کنگره ۱۹۳۷ را نام برد. در بیانیه ۱۹۳۵ از او می خوانیم: «نقاش نقاشی می کند تا برهنه بودن خود را پنهان کند.» این بحث پیکاسو با مثالی از او روشن تر می شود. به عقیده او وقتی هنرمند به جنگلی

حدود دو میلیون و دویست هزار کلمه است، اما این تعداد در زبان فارسی ۲۲ میلیون کلمه است.»

این مترجم با بیان این که من نام هفت تن از شاعران ایرانی یعنی نظامی، سعدی، فردوسی، خیام، حافظ، مولانا و عبید زاکانی را «خوشه پروین» شعر فارسی گذاشته ام، ادامه داد: «آنچه امروز در زمینه اخلاق و پرورش اخلاق مطرح است همه در شعر این شاعران دیده می شود. البته هر یک با سبک و سیاق خاص خود این کار را انجام داده اند.» وی افزود: «ادبیات فارسی در دوره اسلامی قدرت تحیر برانگیزی پیدا کرد چون سخنانی که شاعران ایران مطرح کرده اند، تنها مربوط به موارد جزئی روزانه زندگی نیست، بلکه شاعرانی نظیر سعدی و حافظ به عمق هستی و زندگانی بشری نفوذ کردند و حتی گاهی اشعارشان امروز هم از لحاظ جامعه شناسی، مطرح و بررسی می شوند.»

دستغیب در پایان اظهار داشت: «مسئولان فرهنگی به ادبیات و زبان فارسی توجه بیشتری کنند زیرا زبان، هویت ملی است که در صورت از بین رفتن، نسل های بعدی را نیز بدون هویت تربیت می کند. بنابراین باید حفظ و نگهداری شود.»

حسین اسرافیلی (شاعر) نیز در ادامه مراسم از قیصر امین پور، سید حسن حسینی، مهرداد اوستا، نصرالله مردانی، محمدعلی مردانی، تیمور ترنج، عزیزالله زبیدی، منوچهر آتشی، حسین منزوی و سیدمحمد عباسه کهن به نیکی یاد کرد و به قرائت چند بیت از غزل خود در وصف شهریار پرداخت. همچنین شراره کامرانی و مریم عربلو از دیگر حاضران

نگاهی به کتاب «پیکاسو سخن می گوید»

دروغ بزرگ پیکاسو

بهار علیزاده



وی به هیچ عنوان بر تمام شدن یک اثر هنری معتقد نبوده و تمام کردن نقاشی را به مثابه «کشتن»، «گرفتن روح آن» و «وارد آوردن ضربه نهایی» می دانسته است.

سردمدار مکتب کوبیسم «وجود» هنرمند را بسیار مهم تر و باارزش تر از کار او می دانسته و در این باره در ۱۹۲۲ در نشریه تری آد می گوید: «به راستی همه چیز به خود آدم بستگی دارد. به همان خورشیدی که در بطن انسان است و میلیون ها پرتو نور از آن ساطع می گردد. باقی هر چه هست هیچ است. تنها به این دلیل است که ماتیس «ماتیس» است چرا که در بطن خود این خورشید را دارد.»

به عقیده پیکاسو در بیانیه ۱۹۳۵ هیچ هنر آستره ای وجود ندارد و همیشه باید خلق اثر را از یک واقعیت شروع و سپس نشانه های واقعیت را محو کرد؛ هر چند مفهوم آن واقعیت همواره به صورت یک علامت پاک نشدنی باقی خواهد ماند و این مفهوم همان چیزی است که هنرمند را به حرکت واداشته است. به زعم او عواطف و تصورات هنرمند، در نهایت در اثر هنری او مجبوس خواهند ماند و جزء مکمل تابلو خواهند بود،

سرسبز می رود، دچار اشباع رنگ سبز در ذهن و روانش می شود و برای رهایی از اشباع، در کار، آن را بیرون می ریزد.

بر اساس گفته های پیکاسو در این کتاب او به هیچ وجه کوبیسم را متفاوت با دیگر مکاتب نقاشی نمی دانسته است. به اعتقاد پیکاسو اصول و عناصر همه مکتب های هنری یکی است و کوبیسم خود را در میان مرزها و محدوده نقاشی حفظ کرده و هرگز نخوابسته است از دایره آن بیرون برود. این نقاش، تنها موضوعات نقاشان کوبیسم را با موضوعات دیگر مکاتب متفاوت دانسته و مدعی است فرم هایی را وارد نقاشی کرده است که پیش تر نادیده گرفته می شدند.

پیکاسو، نقاشی را مجموعه ای از تخریب ها می داند و معتقد است برخلاف آنچه تاکنون مسیر تکامل یک اثر را معین می کرده، روند خلق اثر هنری به ویژه نقاشی برای او همواره با تخریب همراه بوده است. پیکاسو یک تابلو را خلق و سپس شروع به تخریب آن می کرد؛ ولی در این میان چیزی از بین نمی رفت. رنگ قرمزی که از جایی برداشته بود، در جایی دیگر ظاهر می شد.

جمع به شعر خوانی برای حاضران پرداختند. دکتر محمود اکرامی، نویسنده و شاعر نیز درباره این مراسم به کتاب هفته گفت: «برگزاری چنین مراسمی محملی برای اعتلای روحی ادبا و شعرای کشور است. البته متأسفانه شرایط امروز جامعه به شکلی است که افراد کمتر موفق می شوند با یکدیگر ارتباط داشته باشند. بنابراین، برپایی این گونه محافل زمینه تعامل و ایجاد ارتباط شاعران و نویسندگان را فراهم و البته ارتباطی عاطفی نیز میان افراد برقرار می کند.»

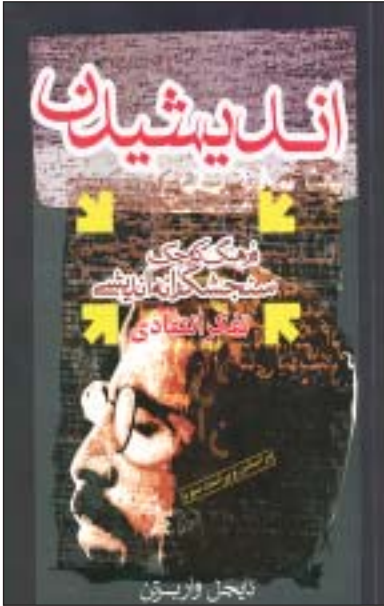
جواد محقق، شاعر و نویسنده نیز در گفت و گو با کتاب هفته با اشاره به این که چنین مراسمی، بیش از هر چیز، فرصت دیدار را برای اهالی قلم فراهم می کند افزود: «چنین مراسمی برای افرادی که مشغله زندگی، عامل دورافتادن آنها از تماس های روزانه می شود، فرصتی ایجاد می کند تا بعد از مدت ها در یک محیط غیر اداری یکدیگر را ملاقات کنند و به گفت و گو در حوزه فعالیت های فرهنگی بپردازند.» وی همچنین به شاعران جوان و نوپایی که در این مراسم حضور داشتند اشاره کرد و ادامه داد: «برای این افراد نیز زمینه ای فراهم می شود تا با بزرگان شعر و ادب آشنا شوند و بتوانند ارتباط بیشتری با آنان برقرار کنند.» نکته قابل توجه در مراسم روز شعر و ادب فارسی این بود که به جز ضیافتی که برای اهالی شعر و ادب برپا بود، هیچ برنامه دیگری در نظر گرفته نشده بود و هدف میزبانان تنها برپایی ضیافتی صمیمی و دوستانه برای اهالی شعر و ادب بود.

حتی اگر حضورشان محسوس نباشد. وی همچنین درباره آثاری از خود که با ضربات قلم مو آنها را خلق کرده، به این نکته اشاره می کند که ضربه های قلم مویش همیشه یک چیزی را نشان می دهند. چیزهایی مثل یک گاو یا میدان مسابقه یا دریا. همان طور که پیش از این ذکر شد، به اعتقاد پیکاسو برای رسیدن به آسترکسیون (تجرید) همیشه باید از یک واقعیت ملموس شروع کرد. وی هنر را زبان نمادها می داند. آنچنان که واژه مرد، تصویر مرد را به ذهن متبادر می کند؛ ولی نه آن گونه که یک عکاس می تواند مردی را به تصویر بکشد. برای او آن چیزی که بیشتر از همه آستره است، می تواند اوج واقعیت باشد، همان طور که هنر را دروغی بزرگ می داند که می توان به کمک آن حقیقت را کشف کرد.

کتاب «پیکاسو سخن می گوید» اثر دراشتن با ترجمه محسن کرامتی توسط موسسه انتشارات نگاه با ویرایش جدید در تابستان ۸۸ در ۲۴۰ صفحه مصور در قطع رقعی و با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه منتشر و با قیمت ۵۰۰ تومان در بازار نشر عرضه شده است. این کتاب علاوه بر مقدمه شامل بخش های نیات، نقاشی به مثابه مجموعه تخریب ها، احترام به نقاشان، کوبیسم، تصویری، غیر تصویری، آستره (انتزاعی)، مادرید سوم نوامبر، شعر، پیکاسو توضیح می دهد، بیانیه ژوئیه ۱۹۳۷، پیکاسو، پیام به کنگره هنرمندان، نامه سرکشاده به یک هنرمند جوان اسپانیایی، سیاست، میز معمار، اظهار نظر درباره هنرمندان دیگر، پیکاسو و کارهایش و گریکاست.

درباره کتاب «اندیشیدن، فرهنگ کوچک سنجش گرانه اندیشی»

کتابی برای سنجش گرانه زیستن



خواهد کرد.

ناگفته نماند؛ گول نخورید، به ویژه گول اسم کتاب را. نام اصلی کتاب «اندیشیدن از الف تا ی» است (thinking from A to Z). اما شاید چون ترجمه عنوان کتاب در فارسی خوب از کار در نمی آمده یا چون موضوع کتاب سنجش گرانه اندیشی (Thinking critical) است، مترجم عنوان فعلی را برای آن انتخاب کرده و کمی از فروتنی مولف کتاب در انتخاب نام کتابش فاصله گرفته است. این پرطمطراق بودن در طرح جلد فارسی هم به چشم می خورد. طرح جلد اصلی کتاب زمینه ای سفید دارد با ماهی قرمز کوچکی که حیرت را می توان در سراپای وجودش دید (یادمان نرود که به روایتی، فلسفه و اندیشیدن از حیرت آغاز می شوند) و چندتایی علامت سوال که احتمالا به جای حجاب از دهانش خارج شده اند و کنجکاو را برای یافتن پاسخ پرسش هایش آشکار می کنند. اما طرح جلد فارسی، زیادی شلوغ است. نیمرخ مرد هم البته در نوع خودش جالب است. احتمالا طراح جلد ذهنیتی مرد - انگار داشته (چه بسا به آن آگاه هم نباشد) و از نظر وی اندیشیدن اساسا کاری مرادنه است. پس چهره مرد است که روی جلد می آید، آن هم مردی که عینکی بر چشم دارد و چشم هایش را بسته است (عینک به عنوان نشانه ای برای آدم اهل فکر و چشم های

است و معمولا پس از توضیح مثال هایی آمده است. در واقع، تعدادی از ابزارهایی را که برای روشن اندیشی مفیدند در اختیار شما قرار می دهد. اصلا اگر خواستید می توانید تفالای بزیند و هر صفحه ای که آمد بخوانید، اما به یک شرط: «دقیق بخوانید و درباره آن فکر کنید.» هر چند کسی که سراغ چنین موضوعی می رود، پیشاپیش نشانه هایی از تمایل به اندیشیدن و تأمل را از خود بروز داده است. (البته پیشنهاد مولف کتاب این است که ابتدا مدخل مورد علاقه خودتان را بیابید و سپس از طریق ارجاع های درون متنی، سراغ مدخل های دیگر بروید. با این کار به ارتباط بین موضوع ها هم پی می برید.)

آنچه را که می خوانید، با کمی تأمل و مرور مثال هایی که معمولا در زیر هر بخش آمده، به سادگی در خواهید یافت. اما به همین اکتفا نکنید. حالا وقت آن است که میان آنها و تجربیات روزمره تان پلی بزیند. این همان چیزی است که خواندن این کتاب را به تجربه ای لذت بخش برای شما تبدیل می کند. گول برخی اصطلاحات یا بحث های تخصصی آن را نخورید. فقط دانش میان صفحات کتاب را فراگیرید و آن را به مهارتی برای خود تبدیل کنید. مهارتی در کنار دیگر مهارت های تان، مثل رانندگی و تایپ کردن، مهارتی که زندگی را برایتان راحت تر و لذت بخش تر

جهان چگونه برای ما جهان می شود؟ و ما چگونه با جهانی که در آن به سر می بریم نسبتی برقرار می کنیم؟ با آدم های دیگر چگونه؟ سخن گفتن درباره تمامی این ها بدون وجود همین زبانی که ارتباط میان انسان ها را میسر می کند و همین واژه هایی که شما هم اکنون دارید آنها را می خوانید، بی معناست. زبان برای ما حکم ملاط میان آجرهای یک ساختمان را دارد که به هم وصلمان می کند. ما به مدد همین زبان است که با یکدیگر ارتباط برقرار می کنیم. ما با هم حرف می زنیم. گفت و گوهای میان ما مدام همیشه بی دردسری مشکل نیستند؛ گاهی پای سوء نیتی در میان است و گاهی نیست.

گاهی احساس می کنیم که طرف مقابل یک جورهایی دارد ما را به قول امروزی ها «می پیچاند». اما نمی دانیم کجای کار ایراد دارد. گاهی هم خودمان آگاهانه یا ناخودآگاه چنین می کنیم. گاهی میچ طرف مقابلمان را می گیریم و گاهی دیگران میچ ما را می گیرند. از این دست موارد بسیار برایمان پیش می آید؛ نه فقط در بحث های جدی آکادمیک، که در همین گپ و گفت های هر روزه مان حتی با دوستان، خانواده، در تاکسی، دانشگاه، مهمانی و محل کارمان، گاهی حتی کار بالا می گیرد و دست به یقه می شویم و قس علی هذا. احتمالا در چنین مواقعی است که از خودمان می پرسیم ایراد کار کجاست؟ پاسخ های بسیاری وجود دارند اما شاید یکی از پاسخ ها را بتوان در سنجش گرانه اندیشی (critical Thinking) یافت. سنجش گرانه اندیشی، دانش و مهارتی است که به فرد اندیشنده کمک می کند هنگام اندیشیدن از خطا مصون بماند و از بهترین طریق به سمت هدف اندیشیدن که حل مسأله یا معضل است، نائل آید. همچنین، کمک می کند تا هنگام قضاوت درباره سخنان و نظرات دیگران، بهتر بتوانیم درستی یا نادرستی آنها را دریابیم. کتاب «اندیشیدن، فرهنگ کوچک سنجش گرانه اندیشی» نوشته نایجل واربرتون که با ترجمه محمد مهدی خسروانی و از سوی انتشارات علمی فرهنگی در بهار امسال منتشر شده، در همین باره است؛ کتابی مختصر و مفید که حتی نیاز نیست از اول آن شروع کنید و تا آخرش را بخوانید تا بفهمید داستان از چه قرار است! حتی نیازی نیست که حتما مقدمه سی و سه صفحه ای و پرمایه مترجم را بخوانید تا کتاب به کارتان بیاید. کتاب، چون یک فرهنگ لغت نوشته شده است. فصل ها الفبایی تنظیم شده اند و در هر بخش، مدخل هایی آمده اند با توضیحاتی در پی آنها. هر مدخل توضیحی کوتاه درباره یک موضوع

سخنی از مترجم

محمد مهدی خسروانی: بسیاری اوقات، هنگامی که به سخن یا استدلال کسی گوش می دهیم، احساس می کنیم مغالطه می کند یا احساس می کنیم استدلالی که در دفاع از نظر خودش می آورد، ایرادی دارد. تقریبا با اطمینان می توانم بگویم که بیشتر ما، چندین بار در روز این احساس را تجربه می کنیم؛ چه زمانی که با دوستان و آشنایان در مورد موضوعی صحبت و مباحثه می کنیم، چه زمانی که مطلبی را در یک سایت یا روزنامه می خوانیم یا هنگامی که رادیو یا تلویزیون را روشن می کنیم. سنجش گرانه اندیشی یک دانش - مهارت است که خطاهای فکری را می شناساند و بینش افراد را نسبت به مغالطه ها و کژگام های فکری افزایش می دهد. علاوه بر این، عامل های روان شناختی ای را که باعث بروز خطاها و مغالطه ها می شوند، بررسی می کند و با شناساندن این عامل ها باعث می شود که بتوانیم مصونیت از این خطاها و مغالطه ها را در خود و دیگران ایجاد کنیم. برای مثال، به ما می آموزد که «آرزویی اندیشی» عامل بسیاری از خطاهای فکری است. آرزویی اندیشی یعنی این که در مقابل پذیرش واقعیت، مقاومت کنیم و صرفا به این جهت که مایلیم گزاره ای درست باشد، آن را درست بدانیم. به عبارت دیگر، یعنی این که «آنچه درست است» را با آنچه «دوست داریم درست باشد» اشتباه بگیریم. خلاصه این که سنجش گرانه اندیشی، دانش - مهارتی است که با بهره گیری از منطق، روان شناسی و معرفت شناسی کیفیت اندیشیدن ما را ارتقا می دهد و با توجه به این که همه شئون زندگی ما از اندیشه متأثر می شوند، بر کیفیت کارهای علمی ما و همچنین بر زندگی ما به طور کلی، تأثیر مثبت می گذارد. کتاب «اندیشیدن» (فرهنگ کوچک سنجش گرانه اندیشی) درآمده بر سنجش گرانه اندیشی (تفکر انتقادی) است که خواننده را با برخی مفاهیم و اصول اساسی سنجش گرانه اندیشی آشنا می کند. شاید مخاطبان آن در درجه اول دانشجویان فلسفه و منطق باشند اما مطالعه آن به هیچ آشنایی قبلی با منطق و فلسفه نیاز ندارد.

بسته هم لاابد برای نشان دادن حالت متاملانه! تعداد حروف فارسی هم که گویا به عنوان کتاب مربوطند و نیز حروف لاتین دور و برش رژه می روند. اما چهار فلش زرد رنگ انگار که می خواهند ما را شیر فهم کنند که قرار است «فرهنگ کوچک سنجش گرانه اندیشی» در همان حالتی که این مرد روی جلد تصویر شده، توی مغزمان فرو برود. دیگر نه از سادگی طرح جلد اصلی چیزی مانده و نه از حیرت و کنجکاوای آن. مثل بعضی چیزهای دیگر که وقتی پایشان به فرهنگ و زبان ما باز می شوند، پیچیده شان می کنیم و در نهایت به موجودی عجیب و غریب تبدیل می شوند!

اما خوشبختانه مترجم کتاب که این نخستین ترجمه ای است که از وی منتشر شده، به خوبی توانسته از تله ای که طراح جلد کتاب در آن افتاده، جان سالم به در ببرد. خسروانی علاوه بر این که به خوبی توانسته با وسواس و دقتی خاص، در ترجمه ای خوب و خوشخوان را در اختیار مخاطبش قرار دهد، با تحریر مقدمه ای مفصل نشان داده که این کتاب برایش فقط حکم ترجمه ای مثل بسیاری دیگر از ترجمه ها را ندارد بلکه قرار است در بازار نشر عرضه شود تا شاید خریده شوند یا نشوند و خواننده شوند یا نه. موضوع کتاب برای او دغدغه ای جدی بوده که علاوه بر معرفی مفصلش از سنجش گرانه اندیشی و بررسی وضعیت آن در ایران، یک سوم پایانی مقدمه اش را به توضیح دلایل انتخاب معادل «سنجش گرانه اندیشی» به جای دیگر معادل هایی که تاکنون در زبان فارسی برای «critical thinking» به کار رفته اند یعنی تفکر نقدی، تفکر نقادانه و تفکر انتقادی اختصاص داده است. نهایت این که سقراط، صدها سال پیش گفته است:

«زندگی نسنجیده، ارزش زیستن ندارد.»

چاپ نخست کتاب «اندیشیدن، فرهنگ کوچک سنجش گرانه اندیشی» نوشته نایجل واربرتون با ترجمه محمد مهدی خسروانی براساس ویراست سوم کتاب اصلی با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و با قیمت ۴۸۰۰ تومان از سوی انتشارات علمی فرهنگی روانه بازار کتاب شده است.

مهارت بودن سنجش گرانه اندیشی است و دیگر این که به هر دو وجه سلبی و ایجابی اندیشیدن توجه دارد. درباره اهمیت نکته نخست همین بس که سنجش گرانه اندیشی نه فقط قرار است به مثابه یک دانش فراگرفته شود بلکه ضروری است که نتایج آن به صورت عملی در تمامی وجوه زندگی فرد سنجش گرانه اندیش بروز و ظهور یابد. احتمالا همین نکته است که می تواند سنجش گرانه اندیشی را به سقراط از یک سو و پراگماتیسم از سوی دیگر پیوند دهد. اما نکته دوم نیز کم اهمیت تر از اولی نیست. سنجش گرانه اندیشی، خطاهایی را که ممکن است در روند اندیشیدن مرتکب شویم به ما معرفی می کند. این همان وجه سلبی آن است که در منطق نیز وجود دارد با این تفاوت که این وجه سلبی در سنجش گرانه اندیشی فراتر از منطق است و به عوامل روان شناختی و معرفت شناختی هم توجه دارد.

مثالی که می توان در اینجا ذکر کرد و در جامعه ما نیز بسیار شایع است، آن چیزی است که در سنجش گرانه اندیشی به «شخصی کردن» معروف است؛ به این معنا که شما به جای یافتن خطای استدلال طرف مقابلتان،

به شخصیت وی حمله می کنید. مثال رایج دیگر که در جامعه ما بسیار مشاهده می شود، «تعمیم نسنجیده» است، به این صورت که شما گزاره ای عام را بیان می کنید که مبتنی بر شواهد ناکافی است. مثلا با مشاهده یک یا چند کارمند که رشوه می گیرند، به این نتیجه می رسید که همه کارمندان رشوه می گیرند؛ گزاره ای عام که البته شواهد کافی برای آن وجود ندارد. اما از سوی دیگر، وجه ایجابی سنجش گرانه اندیشی است که آن را از منطق متمایز می کند. همان طور که از تعریف فوق می توان دریافت، سنجش گرانه اندیشی، اندیشیدن را فعالیتی قلمداد می کند که دارای هدفی است و مثل هر فعالیت دیگر، آفاتی متوجه آن است. بنابراین می کوشد در این بخش هم توصیه هایی ایجابی برای حرکت سریع تر و مطمئن تر در مسیر هدف اندیشیدن به ما ارائه کند؛ توصیه هایی چون تعیین دقیق هدف اندیشیدن و بازبینی روند اندیشیدن متناسب با این هدف، طرح پرسش هایی متناسب با آن از وجه نظرات گوناگون و انتخاب روش های مناسب برای پاسخ به آنها، دوری از تعصب و ترتیب دادن آزمایش های ذهنی.

سنجش گرانه اندیشی چیست؟

فاطمه حیدری: «سنجش گرانه اندیشی»، «تفکر نقدی»، «تفکر نقادانه» یا «تفکر انتقادی»؛ اینها همه معادل هایی اند که در زبان فارسی در مقابل «critical thinking» به کار می روند؛ هر چند این معادل ها هنوز برای بسیاری از افراد چندان که باید آشنا نیستند و حتی شاید به گوششان هم نخورده باشد. همین امر ضرورت ارائه تعریفی از آن را پیش می کشد تا دست کم بدانیم با چه چیز مواجهیم. تاکنون تعاریف بسیاری از سنجش گرانه اندیشی از سوی اندیشمندان سنجش گرانه اندیش عرضه شده است اما شاید بتوان به این تعریف به عنوان تعریف کلی اکتفا کرد: «سنجش گرانه اندیشی تعریفی از دانش و مهارت است که به فرد اندیشنده امکان می دهد به طور خلاصه از خطاهای گوناگون در روند اندیشیدن مصون بماند و از کوتاه ترین مسیر به سمت هدفی که از اندیشیدنش دارد، حرکت کند.»

آنچه در این تعریف مهم است، یکی تاکید توأمان آن بر دانش و



زهرة نیلی

درباره کتاب های فانتزی و خیال انگیز

سفر به سرزمین خیال

روزگاری سفر به آسمان یا اعماق دریا، افسانه تلقی می شد اما امروز همه این خیالات به واقعیت پیوسته اند. زمانی درس خواندن در مدرسه جادوگری و آموختن فوت و فن آن، کار بیهوده ای بود اما امروز کم نیستند کودکان و نوجوانانی که در سراسر دنیا دلشان می خواهد به این مدرسه بروند و در آن درس بخوانند! «هری پاتر» سال هاست که خوانندگان بسیاری را در برخی کشورها افسون کرده؛ این که انتشار کتاب هایی چون «هری پاتر»، «ماجراهای نارنیا» و «ارباب حلقه ها تا چه اندازه ضروری و سودمندند در این گفتار نمی گنجد. زیرا آنچه اهمیت دارد این است که گروهی از کودکان امروز دلباخته فانتزی و تخیل اند و ناشران و نویسندگان نیز به خوبی این نکته را دریافته اند. کتاب هفته در این شماره به گفت و گو با بعضی صاحب نظران درباره آثار علمی - تخیلی پرداخته است.

تبی که فرومی نشینند

یکی از مترجمان مجموعه هری پاتر، ویدا اسلامیه است؛ مترجمی که فکر می کند افسانه ها انسان را رهسپار دنیای خیالی کرده و از درد و رنج او می کاهند. با اسلامیه درباره افسانه های جادو و جادوگری سخن گفته ایم.



مجموعه هری پاتر، در سال های اخیر، توانسته مخاطبان بسیاری را در سراسر دنیا به دست آورد. علت این استقبال گسترده را در چه می دانید؟

افسانه ها، داستان هایی اند که در آنها انسان ها، جانوران، اشیا یا موجودات تخیلی، ماجراهای گوناگون و باورنکردنی به وجود می آورند. داستان هایی که از امیدها و آرزوهای انسان سخن می گویند و از میل و خواست او برای جبران ناتوانی ها. داستان های هری پاتر و ماجراهای نارنیا را می توان در شمار افسانه های سحرآمیز به حساب آورد. داستان هایی که جزو کهن ترین افسانه ها بوده و عناصری چون جادو و جادوگری، باورهای اساطیری و اعتقاد به نیروهای طبیعی چون باد و خورشید را در آنها می توان یافت.

افسانه ها همواره جبران کننده کاستی های موجود در جامعه بشری بوده اند. چنین ویژگی در داستان های «هری پاتر» به چشم می خورد؟ می توان گفت هری پاتر به نقد سیستم آموزشی می پردازد؟

نوجوانان ما عاشق مدرسه ای اند که از قوانین خشک و دست و پاگیر در آن خبری نباشد. اما چون سازوکار آموزشی حاکم بر همه جوامع اجازه نمی دهد چنین مدرسه ای وجود داشته باشد، رولینگ در فضای ذهنی خود، چنین مکانی را توصیف می کند و خوانندگان نیز آن را می پذیرند و دوست دارند.

آیا در حقیقت رولینگ نیاز مخاطب خود را می شناسد؟

نویسندگان باید با مخاطب خود و خواسته ها و نیازهای آشنا باشند و گرنه نمی توانند به خلق آثار موفق بپردازند. رولینگ هم از این اصل کلی جدا نیست.

اما داستان های او علاوه بر کشور خودش، در برخی سرزمین های دیگر هم خواننده شده و مورد توجه قرار گرفته است...

به طور کلی، افسانه ها و اساطیر، پاسخگوی برخی از نیاز بشری در هر دوره و مکانی اند، به شرط آن که به روز شوند. آنچه موجب شده تا هری پاتر و ماجراهای نارنیا، پر مخاطب باشند، در نظر گرفتن نیاز و خواسته مخاطب امروز است.

اما نقش تبلیغات را هم نمی توان نادیده گرفت...

ما هم می توانیم چنین کنیم. چه اشکالی دارد؟ چرا ما روی افسانه ها و قصه های عامیانه خود، سرمایه گذاری نمی کنیم؟ البته به جز این موارد، عامل زبان را هم نمی توان فراموش کرد. به هر حال کتاب هایی چون هری پاتر و ماجراهای نارنیا به زبان انگلیسی نوشته شده اند و محدوده جغرافیایی بسیار گسترده ای را دربرمی گیرند.

بعضی بر این باورند که گفتن از جادو و جادوگری، موجب رواج خرافه پرستی می شود. نظر شما در این مورد چیست؟

جادوی نهفته در آثاری چون نارنیا، ارباب حلقه ها و هری پاتر مثبت و برخاسته از توانایی های انسان است و موجب رشد و بالا رفتن میزان خلاقیت بچه ها می شود. مدرسه جادوگری، مکان دست نیافتنی و ترسناکی نیست؛ به عبارتی جادویی که تالکین یا رولینگ از آن سخن می گویند، بچه ها را به فکر کردن درباره چیزهایی وامی دارد که امکان دستیابی به آن وجود دارد و این در تقابل با جادوی سیاهی است که انسان ها را به خرافه نزدیک و از حقیقت دور می کند و موجب می شود تا از هر چیز استفاده ابزاری کنند.

در هر دوره ای، آثار یک نویسنده یا یک نگرش خاص، طرفداران خاص خود را پیدا می کنند و بعد همه چیز کم رنگ می شود. این

وضعیت در ارتباط با هری پاتر هم صدق می کند؟

من هم فکر می کنم آثار هری پاتر، پس از مدتی طرفداران زیادی نداشته باشد... همان گونه که امروز هم، مخاطبان این اثر با روزهای نخست انتشار قابل مقایسه نیستند... در هر حال شاید بتوان گفت که تب هری پاتر هم فروکش کرده است.

گریز از واقعیت

«ماجراهای نارنیا» از جمله آثار تخیلی است که برای مخاطب نوجوان منتشر شده، مجموعه ای هفت جلدی که از سوی انتشارات قدیانی و با ترجمه پیمان اسماعیلیان در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است. اگر چه پیش از این هم ماجراهای نارنیا ترجمه و به همت انتشارات هرمس منتشر شده بود. با اسماعیلیان درباره فانتزی و ادبیات تخیلی سخن گفته ایم.

استقبال از داستان هایی که در قالب فانتزی نوشته شده، گونه ای فرار از واقعیت نیست؟

ادبیات فانتزی را گونه ای ادبیات گریز یا ادبیات «شب چره» می دانند، به این معنی که وقتی انسان ها از آنچه هست، لذت نمی برند به آنچه در تخیلشان است، پناه می برند.

به عبارتی ماجراهای نارنیا یا داستان های هری پاتر خاصیت جبران کننده دارند.

حقیقت این است که ما هنوز نتوانسته ایم واقعیت های اجتماعی خود را آن گونه که باید و شاید به نسل امروز منتقل کنیم. تا چه اندازه توانسته ایم با نوجوان امروز از ارزش و اعتبار کسانی بگویم که جان و مال خود را بر کف نهاده اند و به جنگ با دشمن رفتند؛ دشمنی که به میهن و آب و خاکشان تجاوز کرده بود؟ آیا با نوجوان امروز از رزمنده همسن و سالش که به جبهه رفت و در برابر گلوله های بی امان دشمن ایستاد تا مرز و بومش را پاس دارد به کفایت سخن گفته ایم؟

بی تردید، تازگی و جذابیت داستان ها هم تاثیرگذارند.

ببینید! واکنش نوجوان امروز به کتاب های اینچینی، کاملاً عادی و طبیعی است. جوان و نوجوانی که پاسخ پرسش های خود را در عالم واقع پیدا نکرده، خواه ناخواه به جادو و فانتزی پناه می برد، حتی اگر شرایط جامعه اش به گونه ای باشد که واقع گرایان در آن رواج بیشتر و طرفداران افزون تری داشته باشند.

طبق گفته های شما، چنین کتاب هایی را باید به یک محدوده جغرافیایی خاص محدود کرد در صورتی که همه چیز به مخاطب ایرانی مربوط نمی شود.

تنهایی، درد اصلی و مشترک انسان امروز است. انسان سرخورده امروز بر آن است تا با فرار از واقعیت ها، خواسته ها و تمایلات سرکوب شده خود را در دنیایی دیگر بیابد. آدمی که در جهان امروز زندگی می کند از صنعت و جهان صنعتی به ستوه آمده و دنیای دیگری را جست و جو می کند. انسانی که اگر می توانست پاسخ سوال های بی شمارش را بیابد، تا این اندازه سرخورده و دلزده نمی شد... می بینید که گرایش به آثار فانتزی، چندان بی دلیل هم نیست!

سال ها به انتشار کتاب های فانتزی در کشور ما توجه چندانی نمی شد. این دلیل تا چه اندازه می تواند موجب جذابیت این گونه آثار شود؟ اگر چه این عامل چندان هم بی تاثیر نیست، اما در برخی کشورها از ماجراهای نارنیا، ارباب حلقه ها و ماجراهای هری پاتر که پس از این دو مجموعه منتشر شده، استقبال کرده اند و این اقبال عمومی، دلایل دیگری دارد.

هر سه مجموعه ای که به آن اشاره کردید به فیلم و حتی بازی رایانه ای تبدیل شده اند و این ماجرا، بی گمان بر فروش کتاب ها و جذب مخاطب بی تاثیر نبوده است.

در این که آنها به فرهنگ، زبان و افسانه های خود اهمیت می دهند و ما به قصه ها و فرهنگ مکتوب خود، کم توجهیم، شکی نیست... قطعاً تلویزیون و فیلم، رسانه فراگیرتری است و با تعداد بیشتری از مخاطبان

ارتباط برقرار می کند، ضمن این که دنیای سینما مخاطبان و جذابیت های خاص خود را دارد. چه اشکالی دارد اگر ما هم بتوانیم از این ظرفیت ها و قابلیت ها برای تصویر کردن داستان های شاهنامه یا اسطوره های ایرانی بهره ببریم؟

انتخاب کتاب مناسب



سپیده خلیلی، دکترای روانشناسی بالینی دارد و از سال ۱۳۷۰ کار در حوزه تالیف و ترجمه را آغاز کرده است. «گرچه چکمه پوش»، «وقتی بچه بودم» و... از جمله ترجمه های اویند. این مترجم و روانشناس کودک و نوجوان بر این باور است که امروز، بسیاری از افسانه ها به واقعیت پیوسته اند.

ویژگی و وضعیت کتاب های فانتزی را چگونه ارزیابی می کنید؟

تقویت خیال پردازی، یکی از جنبه های مثبت افسانه هاست و بسیاری از موارد که در گذشته جادو و خیال باطل دانسته می شد، امروز به واقعیت تبدیل شده اند.

گرایش به این گونه آثار تا چه اندازه از ناتوانی و ضعف خوانندگان در برابر طبیعت و جبر زندگی، سرچشمه می گیرد؟

افسانه ها، جبران کننده ناتوانی های بشرند چراکه ادبیات واقع گرایانه، نمی تواند آن گونه که باید و شاید کودکان و نوجوانان را جذب کند. آنها به دنبال این هستند که کنترل امور را در دست بگیرند و چون توان انجام این کار را ندارند، به یک نیروی ماورایی که بعضی آن را جادو می دانند، پناه می برند و به این ترتیب می کوشند تا ضعف و ناتوانی خود را جبران کنند.

اما بعضی افراد فکر می کنند خواندن کتاب های فانتزی و اسرارآمیز، آنها را به سمت خرافه گرایی و فرار از دنیای واقعی می کشاند!

خواندن بعضی کتاب های جادوگری، کودکان و نوجوانان را به فضایی رازآمیز و خیالی می برد که گاه شیرین و سازنده و گاهی تلخ و مخرب است. برای مثال والدینی بعد از پخش مجموعه «ارباب حلقه ها» به من مراجعه می کردند و می گفتند که بچه هایشان دچار شب ادرازی شده یا به شدت ترسیده اند.

و هیچ یک از این دلایل موجب نمی شود که این گونه کتاب ها منتشر نشوند!

هر پدر و مادری بهتر از هر فرد دیگری فرزند خود را می شناسد و می تواند بر اساس میزان هیجان فرزندش برای او کتاب مناسب انتخاب کند. برای مثال، اگر چه انتشار کتاب هایی چون «هری پاتر»، به تخیل بچه ها و پربال می دهد اما درصد کمی از کودکان را دچار اختلال می کند و این برعهده کتابداران، مربیان و پدران و مادران است که بر اساس خواسته و نیاز کودکان، کتاب مناسبی برایشان انتخاب کنند.

اگر چه در ارتباط با تلویزیون و برنامه های آن، چنین انتخابی وجود ندارد.

فاصله عمیقی بین آموزش رسمی و غیررسمی ما وجود دارد. در دنیای امروز نمی توان به کنترل همه جانبه مسائل پرداخت. به فرض این که پدران و مادران، فرزند خود را می شناسند و میزان هیجانناش را می دانند، اما نمی توانند او را از دیدن تلویزیون منع کنند. از سوی دیگر، وقتی پدران و مادران با اشتیاق به دیدن «ارباب حلقه ها» می نشینند، چگونه از فرزند خود که حساس و هیجان زده است انتظار دارند که از دیدن این اثر دوری کند؟ در هر حال، بهتر است ناشران ایرانی به انتشار کتاب هایی بپردازند که با فرهنگ و هویت ایرانی ما همخوانی داشته باشد. هر چند انتشار کتاب های گوناگون، موجب می شود هر کس بر اساس سلیقه و خواست خود به انتخاب کتاب دلخواهش بپردازد. البته درباره کودکان، حساسیت های بیشتری وجود دارد.



مجری طرح غنچه های هلال احمر عنوان کرد

بودجه محدود؛ شمارگان معدود



می رسد البته برای کودکان نه بزرگسالان.

این همپوشانی موجب موازی کاری و اتلاف سرمایه و انرژی نمی شود. مثلاً در بخش درختکاری و حفاظت از محیط زیست می توان با سازمان محیط زیست یا جنگل ها و مراتع ارتباط برقرار کرد و به طور مشترک، کتاب هایی را منتشر کرد؟

تا آنجا که من اطلاع دارم، تعامل چندانی میان این سازمان ها وجود ندارد. بی گمان سازمان محیط زیست چه به لحاظ مالی و چه معنوی می تواند از انتشار کتاب هایی درباره حفاظت از طبیعت و پاسداشت آن حمایت کند.

این کتاب ها در چند نسخه منتشر می شوند و در اختیار بچه ها قرار می گیرند؟

شمارگان این کتاب ها بین ۲۰ تا ۵۰ هزار نسخه است و در مهدها و آماجگی ها بین بچه ها توزیع می شود.

اما این تعداد حتی برای مهدهای تهران هم کافی نیست؟

بی گمان سازمان جوانان هلال احمر هم دلش می خواهد تعداد بیشتری کتاب منتشر کند اما بودجه محدودی در اختیار دارد که همه آن به انتشار کتاب تعلق نمی گیرد. اگر چه سازمان ها و نهادهای دیگر هم می توانند بچه ها را با صلح و دوستی، رعایت نکات ایمنی و احترام به طبیعت آشنا کنند.

از میان موضوعاتی که به آن اشاره کردید کدام یک در

بروز سریزدی، نویسنده و شاعر کودک و نوجوان و مجری طرح غنچه های هلال احمر در زمینه انتشار کتاب است. از او تاکنون کتاب هایی چون «داو آخر»، «دونی و دوستانش» و مجموعه شعرهای «من و موجودات دریایی»، «من و سبزیجات» و... منتشر شده است. با سریزدی درباره انتشار کتاب های هلال احمر سخن گفته ایم که در ادامه می خوانید.

اصول هفتگانه صلیب سرخ، یکی از مواردی است که کتاب های منتشر شده توسط هلال احمر به آن پرداخته می شود. چگونه می توان با بچه پنج ساله از «جهان شمولی» سخن گفت؟

کارچندان راحتی نیست. چون دایره لغات بچه ها بسیار محدود است و بسیاری مفاهیم را درک نمی کنند به همین خاطر ما باید ساده ترین کلمات را انتخاب کنیم. به جز اصول صلیب سرخ به چه موارد دیگری در این کتاب ها پرداخته می شود؟

زلزله، سیل، آتش سوزی، درختکاری، حفاظت از محیط زیست، رعد و برق و توفان، معرفی مدد و مهربان، لوازم کوله پشتی و کمک های اولیه، رعایت نکات ایمنی در سفر، تاریخچه و علایم صلیب سرخ و هلال احمر، معرفی تلفن های امدادی، کاربرد وسایل و کمک های اولیه و نیکوکاری و مهرورزی از جمله مواردی هستند که در این کتاب ها به آن پرداخته می شود.

«رعایت نکات ایمنی در سفر» موضوعی است که معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری هم به آن توجه کرده و چند عنوان کتاب در ارتباط با آن منتشر کرده است...

هر کس از دریچه دید خود به یک موضوع واحد نگاه می کند و قطعاً کتابی که از سوی شهرداری منتشر می شود با هلال احمر متفاوت است، حتی اگر هر دو بخواهند به یک موضوع بپردازند. نکته دیگر این که هر قدر کتاب منتشر شود باز هم کم است. و به ویژه در کشور ما که در بهترین اوضاع، شمارگان کتاب به ۱۰ تا ۲۰ هزار جلد

تصویرگری برای کودک

«تصویرگری برای کودک» عنوان کتابی از مارتین سالزبری با ترجمه شقایق قندهاری است که از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است. هنر تصویرگری کتاب کودک در سال های اخیر، توجه و اهمیت روزافزونی پیدا کرده است. برای کودکان، تصاویر کتاب، معمولاً نخستین وسیله برای درک معنا در جهانی است که هنوز آن را به درستی درک و تجربه نکرده اند. از این روست که خالق آن تصاویر، بار مسؤلیت عظیمی را بر دوش دارد.

در پیشگفتار کتاب به دیدگاه های موجود در خصوص تصویرگری کتاب کودک پرداخته شده و این که تصویرگری کتاب کودک، حرفه ای است که بیش از حرفه های دیگر با اظهار نظر های ناعادلانه، شایستگی اش خدشه دار می شود؛ اظهار نظر هایی مانند «من هم می توانستم این کار را بکنم» و اما باید برای انجام درست این کار، بیش از آنچه ابتدا تصور می کردید، به موضوع عمیق تر و جدی تر بنگرید. تصویرگری کتاب کودک، در بهترین حالتش، هنری ظریف، دقیق و پیچیده است که می تواند در سطح های بسیار متفاوتی ارتباط برقرار کند و تاثیر ژرفی بر آگاهی و ضمیر کودک برجای بگذارد.

آن گونه که در این کتاب آمده است «تاسالیان سال، در مدرسه های هنر، تصویرگری کتاب کودک را مقوله ای فاقد جذابیت و راحت می پنداشتند. در سال ۱۹۶۴ میلادی با کتاب «در تاریکی آتشین خانه» اثر موریس سنداک، وضعیت تصویرگری آمریکای شروع به تغییر کرد» کتاب «تصویرگری برای کودک»، تکنیک ها و مهارت های فکری و عملی لازم برای تصویرگری کتاب کودک را مورد مطالعه و ارزیابی قرار می دهد؛ در واقع این کتاب، کمک به خوانندگان است تا دریابند که چگونه می توانند سطح کار خود را به حدی برسانند که ضمن پیشرفت، رضایت بخش و شاید قابل چاپ باشد.

در این کتاب به مباحثی چون «تاریخچه تصویرگری» و «شخصیت پردازی در کتاب های تصویری» پرداخته شده و تاریخ نخستین کتاب مصور به سال ۱۵۸۰ میلادی و کتابی به نام «آموزش هنر» برگردانده شده است. آن گونه که در این کتاب آمده، قرن نوزدهم، عصر طلایی تصویرگری کتاب کودک است. چاپ سنگی، یکی از انواع چاپ بود که نخستین بار در آغاز قرن نوزدهم در فرانسه پدید آمد و در همین زمان بود که قدرت فروش تصاویر با کیفیت، آشکار شد.

«طراحی» عنوان دومین فصل کتاب است؛ آنچه زبان پایه تصویرگران را تشکیل می دهد. «طراحی کودکان»، «طراحی جانوران»، «طراحی در خود موقعیت»، «حس مکان»، «از مشاهده تا خیال پردازی» و «طبیعت قوه خیال پردازی را تقویت می کند» از جمله بخش هایی اند که در این فصل به آنها توجه شده است. فصل سوم به معرفی «ابزار، مواد و تکنیک» می پردازد. «شکل گیری شخصیت» عنوان فصل چهارم است؛ چرا که خلق شخصیت های باور پذیر برای موفقیت قصه ای مصور، امری کلیدی است. هر قدر هم که سایر جنبه ها و بخش های کتاب، خوب شکل گرفته باشند اگر خواننده نتواند شخصیت های قصه را باور کند، هیچ گونه ارزشی ندارند.

البته زمانی می توان به این واقع نمای دست یافت و آن را اجرا کرد که خود تصویرگر، آن شخصیت ها را کاملاً باور داشته باشد. «تصویرگری برای بچه های بزرگ تر» عنوان فصل ششم است. «آنچه باید تصویر سازی شود»، «فراهم کردن زمینه کار»، «جلد کتاب»، «تصویرگری شعر» و «پیروی از احساس و علاقه»، عنوان مطالبی اند که در این بخش گنجانده شده اند. فصل هفتم به «تصویرگری آثار غیرداستانی» چون کتاب های تاریخی و آموزشی توجه می کند. «طرح و تایپوگرافی» و «چاپ اثر» عنوان فصل هشتم و نهم این کتابند.

کتاب «تصویرگری برای کودک» را انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ۵۰۰۰ نسخه و قیمت ۷۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

قالب شعر و کدام به صورت داستان منتشر می شوند؟ اصول هفتگانه صلیب سرخ، درختکاری، مهرورزی و صلح و دوستی در قالب شعر منتشر می شوند.

شما به عنوان مجری طرح تصمیم گرفتید چه موضوعی در کدام قالب ارائه شود؟

در جلساتی که با دوستان شاعر و نویسنده برگزار کردیم به این نتیجه رسیدیم که بهتر است چه موضوعاتی به زبان شعر مطرح شوند.

توجه به ساختار شعر برای کودکان پیش دبستانی مهم تر از معنا و مفهوم نیست؟

قطعاً توجه به ساختار از پرداختن به معنا، ضروری تر است. بسیاری از هیچانه ها همچنان در خاطر ما باقی مانده اند، بدون این که معنا و مفهوم خاصی داشته باشند چرا که آهنگین بوده و کودکان را جذب کرده اند. در هر حال نباید فراموش کنیم که این کتاب ها هر قدر هم زیبا و کودکانه باشند باز هم در شمار کتاب های سفارشی به شمار می آیند. اگر چه انتشار این گونه کتاب ها نیز بسیار بهتر از منتشر نشدنشان است. کودکان ما به صلح و آرامش نیاز دارند و وجود هر آنچه بتواند آنها را با خودشان و دنیای پیرامون آشتی دهد، ارزشمند است، آن هم در روزگاری که رسانه های جهان، در حال گسترش خشونت در بین مردم هستند.

ظاهر اقرار است این کتاب ها به فیلم و پویانمایی تبدیل شوند در صورتی که زبان داستان با تصویر فرق دارد.

نمی دانم. قدر مسلم، همه داستان ها قابلیت دراماتیزه شدن ندارند. از سوی دیگر متنی که برای فیلم یا مجموعه تلویزیونی ساخته می شود، با پویانمایی متفاوت است... می توان از کتاب های داستان استفاده کرد اما باید به فیلمنامه تبدیلشان کرد.

چند جلد از این کتاب ها آماده انتشار است؟

چهار شعر و چهار داستان نوشته شده است و تصویرگران در حال تصویر کردن آن هستند. جلد های دیگر این مجموعه هم تا سه ماه دیگر نوشته و تصویرگری می شوند هر چند ناشر این مجموعه هنوز مشخص نشده است.

رئیس سازمان جوانان هلال احمر:

کتاب، رسانه ای موثر برای آشنایی کودکان است

از متن داستان هایی که نوشته می شود برای ساخت فیلم یا پویانمایی استفاده می کنید؟

پویانمایی، قالب جالبی است که پیش از این هم نیروی انتظامی، شهرداری، شرکت نفت و... از آن استفاده کرده اند اما همه اینها برای مخاطب عام و بدون در نظر گرفتن گروه سنی در نظر گرفته شده اما سازمان جوانان هلال احمر تنها برای مخاطب خردسال به تولید پویانمایی می پردازد.

۲۰ جلد کتابی که تولید می شود، چگونه در اختیار بچه ها قرار می گیرد؟

از سال ها پیش، طرحی با عنوان «غنچه های هلال» اجرا می شده و می کوشیده تا بچه ها را با کار و وظیفه هلال احمر، کمک های اولیه و مواردی از این دست که به کارشان می آید، آشنا کند. به همین خاطر کارشناسان ما دنیای کودکان و فضای ذهنی آنها را می شناسند و با مهدکودک ها و مدارس ابتدایی ارتباط دارند. از این رو کتاب ها پس از انتشار، به طور رایگان در اختیار بچه ها قرار می گیرند تا آنها را با بلایای طبیعی و روش مبارزه با آن آشنا کنند.

ظاهراً «مدد» و «مهربان»، شخصیت های اصلی داستان هستند.

مدد و مهربان، سال هاست که خلق شده اند و بسیاری از بچه ها این خواهر و برادر را می شناسند به همین دلیل از آنها به عنوان شخصیت های اصلی داستان استفاده کردیم و به سراغ آدم های تازه نرفتیم. دوست داشتیم کسانی با بچه ها از اصول هفتگانه صلیب سرخ، صحبت کنند که برای کودکان آشنا باشند.

اصول هفتگانه صلیب سرخ کدامند؟

خدمات داوطلبانه، بی غرضی، بی طرفی، انسانیت، یگانگی، جهان شمولی، نداشتن وابستگی و صلح و دوستی، اصول هفتگانه صلیب سرخ اند و هر کدام از این موارد تعریف خاص خود را دارند. برای مثال جهان شمولی یعنی این که همه جمعیت های صلیب سرخ به هم کمک می کنند و با هم یکسان هستند یا نداشتن وابستگی به این معنی است که همه به یکدیگر کمک می کنیم و به قوانین هم احترام می گذاریم اما به خدمت هم در نمی آیم و در بند قوانین نمی شویم.

دکتر محمود مظفر، رئیس سازمان جوانان هلال احمر است؛ سازمانی که بخشی از فعالیت های خود را به کودکان پیش دبستانی اختصاص داده و بر آن است تا تمام مهدکودک های کشور را با هلال احمر و فعالیت های آن آشنا کند و برای این کار از زبان غیر مستقیم که همان زبان هنر است بهره ببرد. از این رو به تولید فیلم، سرود، پویانمایی و کتاب در این زمینه پرداخته است. با رئیس سازمان جوانان هلال احمر درباره فعالیت های فرهنگی این سازمان در عرصه کتاب، به گفت و گو نشستیم.

هدف از انتشار کتاب و تولید فیلم و پویانمایی، آن هم برای گروه سنی خردسال چه بود؟

هدف اصلی ما این بود که بچه ها را با وظایف هلال احمر و اصول هفتگانه صلیب سرخ آشنا کنیم، به همین دلیل خردسالان را مخاطب قرار داده و تصمیم گرفتیم همه توان خود را به تولید کالاهای فرهنگی برای این گروه سنی اختصاص دهیم از سوی دیگر، فرهنگ سازی، لازمه انجام هر کار و کودکی، بهترین زمان برای فراگرفتن علوم و مهارت های بسیار است.

آیا برای انتقال این اصول و مفاهیم از زبان هنر بهره برده اید؟

بله. نه تنها بچه ها که همه آدم ها در هر سن و سالی که باشند از پند و اندرز و زبان مستقیم خوششان نمی آید، به همین خاطر جلساتی برگزار کردیم و کارگروه هایی تشکیل دادیم و سرانجام به این نتیجه رسیدیم تا در قالب کتاب، فیلم، سرود و پویانمایی، کودکان را با اصول هلال احمر و کمک های اولیه آشنا کنیم.

کتاب ها در چند جلد منتشر می شوند و در قالب شعر هستند یا داستان؟

کتاب، مهم ترین و جدی ترین کالای فرهنگی است و سازمان جوانان هلال احمر، توجه ویژه ای به انتشار کتاب در این زمینه داشته است. ۱۰ جلد از این کتاب ها به شعر و ۱۰ جلد دیگر به داستان تعلق دارند و ما از شاعران و نویسندگان خوب کودک که با زبان و دنیای بچه ها آشنا هستند دعوت کرده ایم تا ما را در رسیدن به هدف خود، یاری کنند.

نگاهی به رمان «آدلف» نوشته بنژامن کنستان

قهرمانی کلاسیک با حس دوگانه

به هر جا که دلش می خواهد برود و هر وقت که دلش خواست به خانه برگردد از طرف دیگر نور یک زن بی وطن و بی پشت و پناه است؛ زنی که به دلیل بحران مالی و تبعید پدرش از جایگاهی که در نظم نمادین حاکم بر اجتماع داشته، کنده شده و دیگر به هیچ قدرتی وابسته نیست و به همین دلیل از طرف مردمی که نظم مستقر شیوه زندگی شان را تعیین می کند، طرد شده است. آدلف، هر چند با دور شدن از خانه پدری در این بی وطن بودن با نور مشترک است اما دور شدن و بی وطنی او موقتی است. آدلف همچنان به آنچه از آن جدا شده، وابسته است. وابستگی او به نظم مستقر و در عین حال نزدیک شدنش به نور که نماد دوری از این نظم است، آدلف را دچار سرگشتگی و بی تعادلی کرده است. در نهایت، آنچه او را در کنار نور نگه می دارد، احساس ترحمش به اوست. اما نور وقتی متوجه احساس حقیقی آدلف می شود، از غصه می میرد. مرگ نور آزادی ای که آدلف آرزویش را داشت برایش به ارمغان می آورد، اما در نهایت آدلف می بیند که این آزادی چیزی نیست، مگر تنهایی مفرط و بیگانگی اش در دنیایی که در آن، دیگر هیچ کس چشم به راهش نیست و بود و نبودش برای دیگران یکی است.

اینجاست که معنای پنهان تر و وجه پیشگویانه رمان آدلف به تمامی آشکار می شود. والتر بنیامین، جایی درباره شاهکارهای ادبی گفته است که ویژگی آنها بر ساختن و نمایاندن جهانی است که هنوز به وجود نیامده است (نقل به مضمون). بنژامن کنستان در رمان «آدلف»، تحقق آتی جهان مدرن و گسسته از پیوند های کهن عاطفی را می بیند. او آینده مسیری را پیشگویی می کند که خودش در دوران نگارش «آدلف» در اوایل آن ایستاده بود؛ مسیری که انسان با حرکت در آن، جهان نو را بی می افکند. جهانی که هزینه ساخته شدنش، ویرانی گذشته و هر چه بیگانه تر شدن انسان با دیگران و با محیط پیرامونش بود.

قهرمان رمان «آدلف» با احساساتی دوگانه درگیر است. او از یک سو نمی تواند قید و بندی را که احساسات به او تحمیل کرده تاب بیاورد و از سوی دیگر، در برابر آزادی هولناک ناشی از گسسته شدن پیوندش با نور، احساس وحشت می کند؛ وحشت از تنهایی و رها شدن در دنیایی که به او بی اعتناست. رمان «آدلف» به قلم بنژامن کنستان با ترجمه مینو مشیری امسال توسط نشر ثالث برای اولین بار در ایران چاپ شده است. شمارگان این کتاب ۱۳۶ صفحه ای ۲۰۰۰ نسخه است باقیمت ۲۸۰۰ تومان عرضه می شود.



عشق میان آن دو زمان واقعی را درمی نوردد و آن را دگرگون می کند. اما در ادامه رمان، از آنجا که زندگی مشترک آدلف و نور آغاز می شود و رفته رفته ملال بر خاسته از عادت و روزمرگی جای عشق آتشین را می گیرد، نحوه گذر زمان نیز تغییر می کند. زمان در این مرحله کش می آید و هر ثانیه انگار به اندازه یک سال می گذرد. نویسنده در شرح تبدیل عشق به ملال زندگی مشترک، به اندازه فصل های قبل شتاب به خرج نمی دهد، چنان که فصل های مربوط به رنگ باختن تدریجی عشق آدلف و نور، بخش عمده ای از رمان را به خود اختصاص داده اند و این با جهان بینی حاکم بر رمان، متناسب است.

در ادامه می بینیم که نور همچنان دلباخته آدلف است اما آدلف در حضور او راحت نیست چون با بودن نور خود را در قید و بند می بیند. نور نمی تواند زمان را بدون حضور آدلف سپری کند و مدام مراقب اوست به همین دلیل آدلف نمی تواند با خیال راحت

آدلف را به هیجانانی زودگذر تعبیر می کند و آن را چندان جدی نمی گیرد و در نهایت، در برابر پافشاری های پرسوز و گداز آدلف می پذیرد که در مهمانی ها و ملاقات کند؛ اما به این شرط که آدلف دیگر حرفی از عشق به میان نیاورد. اما ماجرا آن طور که نور می خواهد ادامه پیدا نمی کند چرا که خود او هم رفته رفته به آدلف علاقه مند می شود و سرانجام عشق، به پیوند آدلف و نور و زندگی مشترک آن دو می انجامد. و از این جا به بعد، داستان به ظاهر عاشقانه آدلف و رابطه اش با نور وارد مرحله تازه ای می شود. جالب اینجاست که نویسنده برای شرح چگونگی شکل گیری عشق و پیشرفت این احساس در شخصیت های داستانش، زمان زیادی صرف نمی کند. در این مرحله، همه چیز تند و شتابزده و البته با شتابی عمدی و حساب شده، روایت می شود. آدلف و نور در مدتی کوتاه چنان با هم احساس نزدیکی می کنند که انگار آشنایانی صد ساله اند.

اندکی از ترجمه «آدلف»

«آدلف» رمانی است کلاسیک از بنژامن کنستان که با ترجمه مینو مشیری توسط نشر ثالث منتشر شده است. تا پیش از انتشار این ترجمه، بنژامن کنستان در ایران نویسنده چندان شناخته شده ای نبود و این در حالی است که رمان «آدلف» در تاریخ ادبیات جهان، یکی از شاهکار های ادبیات داستانی به شمار می رود. مینو مشیری با ترجمه «آدلف» برای نخستین بار امکان خواندن این اثر مهم ادبی را برای خواننده فارسی زبان فراهم کرده است. یکی از نکات مثبت ترجمه فارسی «آدلف» این است که مترجم، آن را مستقیماً از زبان مبدأ یعنی از فرانسه به فارسی برگردانده و بنابراین، مشکلات و نارسایی های معمول در ترجمه هایی که از یک زبان واسطه نه زبان اصلی خود متن از آثار مهم ادبی انجام می شوند، به این رمان راه نیافته است.

و این بار به نمایندگی مجلس رسید.

رمان «آدلف» همان طور که مترجم در مقدمه ترجمه فارسی این کتاب به آن اشاره کرده، در زمان انتشارش جنجال های فراوانی را درباره خود و نویسنده اش به راه انداخت، چرا که بسیاری، «آدلف» را زندگی نامه خود نوشت نویسنده اش تلقی کردند و کوشیدند راوی و دیگر شخصیت های این رمان را با واقعیت تطبیق دهند. در واکنش به همین تفسیر ها بود که کنستان بر چاپ دوم این رمان مقدمه ای نوشت که در ترجمه فارسی کتاب هم آمده است. این مقدمه از جنجالی که در سال انتشار «آدلف» در حواشی آن به راه افتاده بود، به خوبی پرده برمی دارد.

کنستان در بخشی از این مقدمه در پاسخ به کسانی که «آدلف» را به خود نویسنده و دیگر شخصیت های آن را به کسانی که نویسنده آنان را می شناخته، تشبیه کرده اند، نوشته است: «اگر به راستی به دنبال چنین تفسیر هایی از این اثر بودم، اگر فقط یک

اگر ویژگی آثار کلاسیک را انگشت نهادن خالقان این آثار بر بنیادی ترین احساسات، عواطف و اندیشه های سازنده روح آدمی و پیوند و ارتباط این احساسات و اندیشه ها با روح حاکم بر زمانه و جامعه بدانیم و قائل باشیم به این که در آثاری از این دست، همواره وجهی پیشگویانه نهفته است، رمان «آدلف»، نوشته بنژامن کنستان بدون شک یکی از آثار ماندگار در میراث ادبیات کلاسیک جهان است.

در نگاه اول و با خواندن صفحات آغازین رمان، به نظر می رسد که کنستان در «آدلف» داستانی عاشقانه را باز می گوید، اما قدری که جلوتر می رویم و در آنچه روایت می شود بیشتر دقیق می شویم، می بینیم که «آدلف» نه تنها داستانی عاشقانه از آن دست که برخی ذهن های ساده پسند را خوش می آید نیست، بلکه رمانی است علیه و در نقد رمان عاشقانه در معنای مرسوم و متعارف آن.

به همین دلیل «آدلف» را می توان به تعبیر میخائیل باختین، تقلیدی تمسخر آمیز از رمان های عاشقانه مرسوم به شمار آورد. چنان که از خلال سطر سطر این رمان، صدای خنده تلخ و اندوهبار نویسنده اش بر توهم جاودانگی عشقی از آن نوع که قهرمانان رمان به آن دچار شده اند، به گوش می رسد و به همراه آن، خنده اش بر توهم رهایی حاصل از گسستن همان عشق. ماجرا از این قرار است که آدلف، قهرمان و راوی جوان رمان، طی سفر خود به شهری کوچک، به زنی بزرگ تر از خود به نام نور دل می بندد. او نخست به دلیل هیجان و در عین حال شرمی که در درون خود احساس می کند، نمی داند عشقش را چطور و به چه زبانی به این زن ابراز کند.

سرانجام می کوشد برای نور نامه ای بنویسد. در حین نامه نگاری، کنستان به خوبی ناتوانی زبانی در اثر خجالت و لکنت گرفتن را در بیان آنچه حقیقتاً در ضمیر نگارنده است، به نمایش می گذارد. چنان که همین خجالت و تاثیرش بر زبان، به توهم راوی در این مورد که واقعا عاشق شده است دامن می زند. ضمن این که راوی در صفحات آغازین رمان هم فصلی را به شرح خجالت و تاثیر آن در ایجاد سوء تفاهم بین انسان ها اختصاص داده است که با آغاز ماجرای عاشقانه او، منطق آن شرح مفصل ابتدای رمان بر خواننده آشکار می شود.

آدلف می کوشد عشقش را در قالب نامه ای به نور ابراز کند؛ نامه ای که به قول راوی بیش از آن که بیان عشق حقیقی باشد، از احساساتی دیگر نشأت گرفته که شبیه عشق اند نه خود آن. اما نور نامه

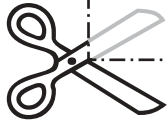
بنژامن کنستان

و جنجال های پیرامون آدلف



بنژامن کنستان، از نویسندگان و نظریه پردازان برجسته نیمه اول قرن نوزدهم است. زبانش فرانسوی اما خودش متولد ۱۷۶۷ میلادی در کشور سوئیس است. او در دوران خود نه فقط به عنوان نویسنده که به عنوان یک نظریه پرداز و فعال سیاسی هم مطرح بوده است چنان که گرایش های سیاسی و مخالفتش با ناپلئون به قیمت تبعید چند ساله اش از کشور فرانسه تمام شد، هر چند این تبعید نقطه پایانی بر فعالیت های سیاسی اش نبود و چند سال بعد، باز به فرانسه بازگشت

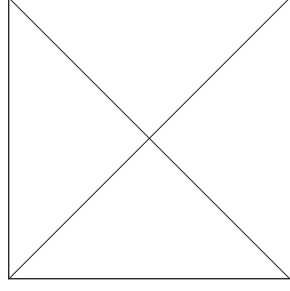
جمله در کتاب من این اجازه را می داد، مستحق شدید ترین سرزنش ها بودم اما تشبیهات مورد ادعا خوشبختانه چنان مبهم و عاری از حقیقتند که نتوانسته اند اثرگذار باشند. در نتیجه این دعاوی نه زاده پندار اجتماعی، که کار گروهی است که چون راه در این اجتماع ندارند و از بیرون به آن می نگرند و با کنجکاوی نادرست و غروری زخم خورده می کوشند در حیطه ای بالاتر از حد و حدود خود، رسوایی به پا کنند. این رسوایی چنان به سرعت به فراموشی سپرده شد که شاید اصلاً اشتباه می کنم در اینجا به آن اشاره کنم. اما حیرت دردناکی که به من دست داد، موجب شد تا مجدداً تاکید کنم هیچ یک از شخصیت هایی که در آدلف ترسیم کرده ام، با اشخاصی که می شناسم ارتباطی ندارند و نخواسته ام دوست یا غیردوستی را نشان دهم، زیرا بر این باورم که طبق قانونی نانوشته، وظیفه دارم احترام و رازداری متقابل را که جامعه بر آن استوار است، رعایت کنم.»



کتاب هفته

پست جواب قبول

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۹۵ - ۱۳۱۸۹ پرداخت شده است



نیاز به الصاق تمبر نیست

خانه کتاب ایران

نشریه کتاب هفته

تهران - صندوق پستی: ۳۱۳ - ۱۳۱۴۵

نظرسنجی از خوانندگان

محل چسباندن لبه کاغذ

کتاب هفته، باهدف رسیدن به انتظارات و کسب رضایت هرچه بیشتر شما مخاطبان و خوانندگان گرامی، نیازمند آگاهی از نظرات شماست. لطفاً، پس از تکمیل فرم نظرسنجی پشت صفحه، برگه را از نشریه جدا کرده و پس از تا کردن از محل نقطه چین، لبه های آن را باچسبانید و بدون تمبر در صندوق پستی بیندازید.

خواننده گرامی

سلام

با دریافت نظرات شما در فرم زیر، بی تردید بر کیفیت نشریه خواهیم افزود. کتاب هفته را از برکت نظرات و پیشنهادات خود بهره‌مند کنید.

توضیحات	وضعیت				عنوان	ردیف
	ضعیف	متوسط	خوب	عالی		
	۵	۱۰	۱۵	۲۰		
					شیوایی مطالب	۱
					جدید بودن مطالب	۲
					پرمحتوا بودن مقالات	۳
					نحوه اطلاع‌رسانی در مورد کتاب‌های جدید	۴
					نحوه اطلاع‌رسانی در حوزه کتاب	۵
					کیفیت طراحی و صفحه‌آرایی	۶
					کیفیت چاپ	۷
					قیمت	۸
					در دسترس بودن	۹

چنانچه شاهد برخی کمبودها در این رابطه بوده‌اید، لطفا موارد آن را بیان کنید.

نکات مثبت و ویژه‌ای را که در این رابطه مورد توجه شما قرار گرفته و مایل به حفظ و تداوم آن هستید بیان فرمایید.

سایر موارد

امضاء

تاریخ

تکمیل‌کننده



مراسم پایانی جشنواره «ربع قرن کتاب دفاع مقدس» اوایل مهرماه جاری برگزار شد تا گامی مهم برای حمایت و معرفی این بخش از آثار فرهنگی برداشته شود. یکی از مهم ترین دستاوردهای این جایزه فرهنگی، البته نویسندگان و کارشناسان نیز این نظر را دارند، معرفی آثاری بوده که چند سال از انتشار آنها گذشته است. گرچه برخی از این آثار در زمان انتشار خود مطرح شده اند، اما آثاری نیز هستند که این جایزه فرهنگی غبار گمنامی را از روی آنها کنار زده است. در ادامه، گفت و گو با دو نویسنده خواهد آمد که در بخش کودک و نوجوان موفق به دریافت جایزه شده اند. کتاب های این دو نویسنده در زمان انتشار نیز مورد توجه قرار گرفته اند. با این همه، آنها معتقدند که برگزاری جوایزی از جنس «ربع قرن کتاب دفاع مقدس» گامی موثر در مسیر معرفی آثار فرهنگی در حوزه کتاب و نوعی جریان سازی سالم به شمار می آید.

گفت و گو با دو نویسنده برگزیده بخش کودک و نوجوان جشنواره «ربع قرن کتاب دفاع مقدس»

غبار زمان بر ادبیات نمی نشیند

جمشید خانیان: آثار ماندگاری در عرصه دفاع مقدس داریم



جمشید خانیان یکی از دیگر نویسندگان است که در «جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس» در سه بخش ادبیات کودک و نوجوان، پژوهش های هنری و نمایشنامه برگزیده شده است. او تاکنون ۳۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات داستانی بزرگسال، ادبیات داستانی کودک و نوجوان، پژوهش های هنری و تاریخی منتشر کرده است. «همیشه همین وقت، همین بازی»، «او»، «سبوره»، «بازی روی خط ممنوعه»، «خداحافظ همفری بو گارت»، «کوسه ماهی»، «شبلی که جرواسک نخواند»، «شب گربه های چشم سفید»، «طبقه هفتم غربی»، «از زمینه تادرونمایه» و «جست و جو در متن» از جمله آثار این نویسنده اند.

کتاب شما که در بخش کودک و نوجوان جایزه «ربع قرن کتاب دفاع مقدس» برگزیده شد، منتشر شده چه سالی است؟

من در سه رشته برگزیده این جایزه شدم. «شبلی که جرواسک نخواند»، در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است که در بخش کودک و نوجوان برگزیده شد. کتاب «وضعیت های نمایشی دفاع مقدس» در بخش هنری جایزه گرفت. این کتاب نیز در سال ۱۳۸۳ منتشر شده. نمایشنامه «چهارمین نامه» نیز در بخش نمایشنامه اثر برتر شناخته شد. این اثر نیز در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است.

این آثار چند سال پیش منتشر شده اند. شما جایزه گرفتن این آثار را در معرفی مجدد آنها چطور ارزیابی می کنید؟

کتاب «شبلی که جرواسک نخواند»، زمانی که منتشر شد، نظر خیلی از کارشناسان را به خود جلب کرد و جوایز زیادی نیز به دست آورد. اقبال از این کتاب چنان بود که هنوز وقتی می خواهند اثری موفق در حوزه کودک و نوجوان یاد کنند - که از ارزش ها و مشخصه های هنری ویژه ای بهره دارد - از آن یاد می کنند...

اما الان تقریباً شش سال از انتشار این کتاب می گذرد. شما شاید اکنون بتوانید نگاهی از بیرون به این کتاب داشته باشید. چه نگاهی موجب شد تا این کتاب موفق باشد؟

نکته قابل توجه در این کتاب، تکنیک روایی آن است. این تکنیک از کار بیرون نمی زند و از آن جدا نمی شود. فرم این داستان، به آن تحمیل نشده است، بلکه طبق صحبت های کارشناسان، فرم و محتوا در این کار عجین شده است. البته من هنگام نگارش خیلی متوجه این مسائل نبودم اما اکنون و پس از گذشت چند سال که به کتاب نگاه می کنم و با آن که هر اثری پس از انتشار برایم تمام می شود و می میرد، به آن حس تعلق دارم. «شبلی که جرواسک نخواند» این حس را برایم داشته که همیشه به آن رجوع کنم. فرمی که در این کار وجود دارد، نمونه خوبی در میان آثارم است که از کار بیرون زده و با محتوای آن عجین شده است. البته همه این مسائل را باید با این پیش زمینه مطرح کرد که مثل خیلی ها، کتاب هایم را بچه هایم نمی دانم و بعد از نوشته شدن، برایم تمام می شوند.

کمی در مورد این فرم روایی توضیح می دهید؟

در این کتاب، روای یک نوجوان است که خروسی را در دست دارد؛ خروسی که خود در بخش هایی از روایت حاضر است. خروس، مسائل را می بیند اما صدایش در نمی آید. در ابتدای داستان، پسر از خروس می خواهد که بخواند، اما او نمی تواند بخواند چون شبلی که این قصه اتفاق می افتد همان شبلی است که خرمشهر برای نخستین دوومین بار بمباران شد. روای در حال روایت شبلی است که بمباران شروع شده و خانواده اش در حال جمع آوری اسباب و اثاثیه شانند تا از شهر خارج شوند. آنها چنان درگیر این ماجراها هستند که فراموش کرده اند قرار است امشب برای خواهر روای خواستگاری بیاید. مراسم خواستگاری نصفه نیمه انجام و خانواده آماده می شود تا از شهر خارج شود. در راه، اتفاقاتی برای خانواده می افتد که مدام رفتن آنها را کند می کند. در این میان است که پسر مرتباً از خروس می خواهد که بخواند تا این که در آن دم آخر، یعنی نزدیکی های صبح او می خواند و کار تمام می شود. به این ترتیب ما دو روایت در این کتاب داریم؛ یک روایت خروسی که بی صداست و یک روایت پسر نوجوان که با کلام همراه است. حس می کنم این دو نوع روایت، خیلی خوب در کار چفت شده اند.

به نظر شما، داوری هایی از جنس «ربع قرن کتاب دفاع مقدس» که قضاوت خود را منوط به یک یا دو سال نمی کنند، دارای چه نکات مثبتی اند؟

البته در اینجا نیز درستی داوری ها مطرح است و من اطلاع چندانی در مورد سایر آثار ندارم. اما این جنس داوری دست کم یک حسن دارد. یعنی در این داوری ها، آثاری مطرح می شوند و مورد بررسی قرار می گیرند که ظرفیت آن را داشته اند که وجودشان مرتبط به سال های خاصی نباشد و هنوز بتوان آنها را مطرح کرد. یعنی آثاری مطرح می شوند که تاریخ مصرف ندارند اما از آنجایی که ما بازار کتاب قانونمندی نداریم و خیلی از آثار در سیستم توزیع ما حیف و میل می شوند، برخی از این آثار آنچنان که باید مورد توجه قرار نگرفته اند. شاید به همین دلیل است که بسیاری افراد در مصاحبه هایشان این نکته را عنوان کرده اند که در زمینه جنگ، کاری انجام نشده است. به نظرم بیان این حرف، نوعی بی انصافی است. کار از نظر کمی انجام شده و اتفاقاً ما آثاری داریم که از نظر کیفی نیز قابل توجه اند؛ اما به دلیل توزیع نامناسب نقل شده اند. من نمی دانم، این اتفاق که از سوی یک موسسه دولتی صورت می گیرد، می تواند نام این کتاب ها را دوباره بر سر زبان ها بیندازد یا نه؟

اما به هر حال چنین هدفی را دنبال می کنند...

من این نکته را نمی دانم، ولی خود جوهره جایزه دادن و انتخاب کردن، تکانه هایی را در پی دارد. ممکن است این تکانه ها مثبت یا منفی باشند. مثل آن می ماند که روی کتابی نقد مثبت یا منفی نوشته شود. اما همین که نقدی در مورد کتاب نوشته می شود، به این معنی است که کتاب مورد توجه قرار گرفته. این است که در مجموع، چنین جشنواره هایی خوبند چرا که اهالی کتاب را متوجه آثار منتشر شده می کنند.

احمد اکبر پور: ادبیات فراتر از زمان است



احمد اکبر پور، یکی از برگزیدگان بخش ادبیات داستانی کودک و نوجوان جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس است. وی پیش از این جوایز نهادهایی چون شورای کتاب کودک، یونسف، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی، دیپلم افتخار جایزه Ibbey چین و جایزه فرهنگ فارس را دریافت کرده و نامزد جوایزی از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و پکا بوده است. وی تاکنون دوازده کتاب منتشر کرده که از جمله آنها می توان به «آگهی نشر الف»، «من نوکر بابا نیستم»، «شب بخیر فرمانده»، «قطار آن شب»، «امپراتور کلمات»، «اگر من خلبان بودم»، «رویا های جنوبی» و «وقتی ناراحت باشیم، جاده ها تمام نمی شوند» اشاره کرد.

کتاب شما بعد از هفت سال، برنده یک جایزه ادبی شده است. به نظر شما این چه حسنی دارند و چقدر در معرفی مجدد کتاب دخیل است؟

جوایزی چون «ربع قرن کتاب دفاع مقدس» تاثیر بسیار زیادی در معرفی آثار موفق دارند. در برخی کشورها نیز چنین نگاهی همواره به کتاب وجود داشته است. به عنوان مثال، هر سال تعدادی آثار به عنوان کتاب برتر آن سال انتخاب می شوند، اما برای مثال هر ده سال، تعدادی کتاب به عنوان برترین های آن دهه معرفی می شوند. به نظر من جوایزی از این دست که بعد از هیاهوی اولیه انتشار کتاب و افتادن آب ها از آسیاب به آثار داده می شود، سالم ترین نوع جایزه ها به شمار می آیند.

به دلیل آن که مسائل حاشیه ای وجود دارد و کتاب به دلیل اصلش مطرح می شود. درست است؟ کاملاً. اگر کتابی در آن سال ها به دلیل مسائل حاشیه ای مثل اسم و عنوان یک نویسنده خاص، یا جوان بودن نویسنده و به طور کلی، همه مسائلی که به متن کتاب مرتبط نبوده اند، برنده جایزه ای شده، حالا پس از گذشت چند سال بدون آن حاشیه ها مورد قضاوت قرار می گیرد. حالا پس از گذشت چند سال، آن هیجانات اولیه فروکش می کند و فقط اثر دارای اهمیت است. به نظر من ای کاش این جوایز در سایر حوزه ها و مسائل نیز مانند این جایزه، هر چند سال یک بار برگزار شود. مثلاً هر ده سال یک بار، جایزه پکا (جدای از برگزاری سالانه اش) برگزار شود، یا کتاب سال. ای کاش تجربه «بیست سال داستان نویسی» تکرار می شد.

در واقع جایزه ای باشد که ادبیات و کتاب را فارغ از مسائل روزانه بررسی کند...

بله. چون ممکن است به خیلی از کتاب ها به دلیل هیجاناتی که در زمان انتشار آثار وجود دارد، اجحفاقی صورت گیرد. البته من در مورد کتاب خود صحبت نمی کنم که اتفاقاً در زمان انتشار، برنده جوایز فراوانی شد. کتاب «شب بخیر فرمانده» در همان سال انتشار، جایزه یونسف و شورای کتاب کودک را به طور همزمان از آن خود کرد. از سویی، این کتاب داعیه ادبیات جنگ را ندارد. کتاب از جنس ادبیات است و خود را محدود به ژانر خاصی نمی داند. اما جالب است، این کتاب که به هر حال داستانی جنگی دارد، در جایزه «ربع قرن کتاب دفاع مقدس» برگزیده شده و این نشان می دهد که می توان به ادبیات فراتر از همه مسائل روزمره نگاه کرد. برایم خیلی جالب بود که نگاهی بی طرفانه به این کتاب شد چرا که به نظر این اتفاق خیلی مهم بود که این کتاب ها در یک رقابت تنگاتنگ و یک داوری بی طرف، مورد قضاوت قرار گرفتند.

شما بعد از هفت سال که به کتاب «شب بخیر فرمانده» نگاه می کنید، چه نظری درباره اش دارید؟ بسیاری از آثار هستند که بعد از گذشت ده سال گرد زمان بر آنها می نشینند و حس می کنی که اگر بخوای دوباره چاپشان کنی، باید تغییراتی اساسی در آنها بدی. اما این کتاب در میان ۱۵ کتابی که منتشر کرده ام، جزو معدود آثاری است که اگر بخوایم آن را دوباره بنویسم، به همین صورت خواهم نوشت. فکر می کنم که آن بافت و جنس روایتی که می بایست شکل می گرفت، شکل گرفته است. من به این نکته اعتقاد دارم که کار هنری فراتر از شعور هنرمند است. یعنی زمانی که اثری شکل می گیرد، انگار فراتر از ذهن ماست. آن کارهایی که با این نگاه شکل می گیرند، حتی با گذشت زمان نیز گرد زمان را بر خود نمی بینند. انگار اتمسفر و فضایی در ورای ذهن ما بر ذهن ما احاطه داشته تا این آثار نوشته شوند.

فکر می کنید چه اتفاقی در زمان نوشتن این کتاب روی داد که شما چنین حسی را درباره اش دارید؟ در مورد یکی دو کتاب دیگرم نیز همین حس را دارم؛ یعنی اگر بخوایم آنها را دوباره بنویسم، به همین گونه خواهم نوشت. آن لحظه ای که می خواستم این داستان را بنویسم، برایم جالب بود که نگاه یک بچه ۶-۷ ساله که پیش را در بمباران از دست داده، چه نگاهی به جنگ است. داستان برای من به هیچ وجه از پیش تعیین شده نبود. انگار بچه می خواست که در یک داستان تخیلی که با اسباب بازی هایش انجام می داد، انتقام بگیرد. البته من از اول نمی دانستم که در ذهن بچه چه می گذرد، بلکه در روند داستانی، او هم دست به تصمیم گیری زد. در پایان داستان نیز وقتی پسر بچه فرمانده دشمن را می بخشد و به نوعی با او می رسد، انگار قصد من نبوده است. گویی این مسأله در خود داستان شکل گرفته است. این نکته همان چیزی است که سبب شده من این کتاب را فراتر از یک حس شخصی بدانم.

دو ماه قبل، قرارداد ترجمه این کتاب را با یک ناشر کانادایی به نام «گراند وودبوکس» امضا کردم. همزمانی این قرارداد با دریافت جایزه در «ربع قرن کتاب دفاع مقدس» برای من دربردارنده احساس خوبی بود.

در حال حاضر چه کتابی در دست انتشار دارید؟

یک مجموعه داستان برای بزرگسالان با نام «کشکول قرن بیست و یک» را در دست چاپ دارم که امیدوارم به زودی منتشر شود.

ویراستار؛ فردی با اختیارات نامحدود

و استخدام ویراستاران فعال تمام وقت مرتبط می‌داند.

نویسنده «یک سکه در دو جیب» می‌گوید: «متأسفانه در ایران ویراستاری به عنوان یک حرفه تمام وقت در زمینه نشر جایی را که باید پیدا نکرده و کمتر ناشری پیدا می‌شود که به ویراستار بابت کاری که انجام می‌دهد، حقوق ماهیانه پرداخت کند.»

به اعتقاد شیرزادی یکی از دلایل این معضل، ضعف صنعت نشر در ایران است.

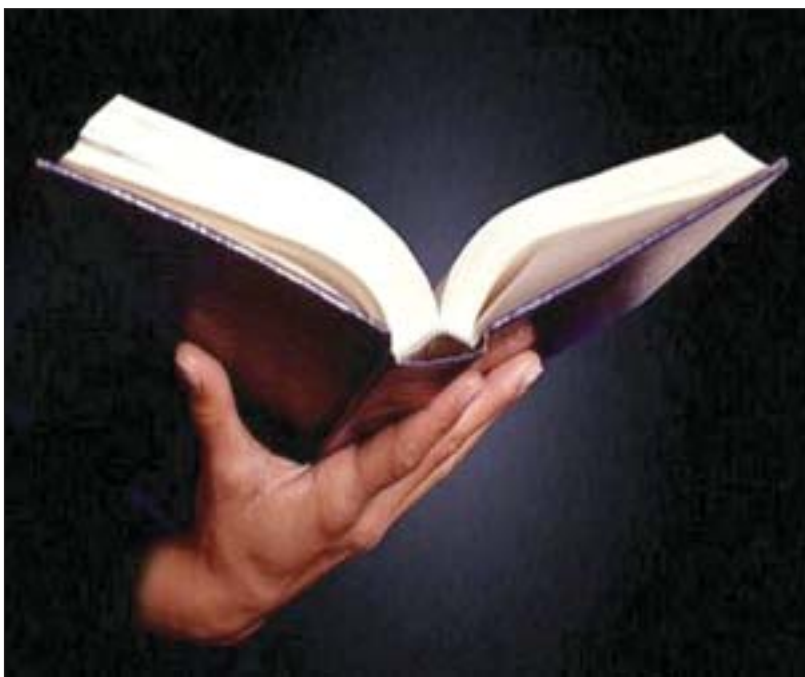
نویسنده «غریبه و اقا» می‌گوید: «صنعت نشر در ایران به دلیل شمارگان پایین آثار ادبی، این توانایی را ندارد که حواشی و زیرمجموعه‌های خود را پوشش دهد و یکی از این زیرمجموعه‌ها هم ویراستار است که به دلیل همین معضل، جایگاه مشخصی نداشته و شغلش به عنوان یک شغل تمام وقت مطرح نبوده است و به همین دلیل، دامنه اختیارات و وظایف ویراستار هم محدود مانده است.»

معضلی که شیرزادی در مورد ویرایش ساختاری به آن اشاره می‌کند می‌تواند یکی از معضلات ادبیات خلاقه بدون ویراستار را هم آشکار کند. معضلی که تاکنون کمتر از این زاویه به آن پرداخته شده است و می‌تواند خود موضوع گزارشی مستقل باشد.

با توجه به آنچه بسیاری از نویسندگان بزرگ جهان در مورد جایگاه و نقش مهم ویراستاران در بهتر شدن آثارشان گفته‌اند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فقدان ویراستاران حرفه‌ای و جدی نگرتن ویراستاری به عنوان یک شغل تمام وقت، می‌تواند آسیب‌هایی جبران‌ناپذیری به ادبیات وارد کند که از غلط‌های دستوری و نگارشی بسیار فراتر می‌روند و به بنیان اثر نوشته شده ضربه می‌زنند. این درست است که در نهایت، خود نویسنده سرنوشت اثر خود را تعیین می‌کند اما چه بسا نویسنده‌ای که ویراستاری حرفه‌ای را به عنوان مشاور در کنار خود دارد، بتواند با اشرافی بیشتر بر نوشته‌اش در مورد سرنوشت آن تصمیم بگیرد. چرا که نگاه ویراستار، نگاهی است که از بیرون بر اثر ادبی اعمال می‌شود.

گاهی ممکن است خالق یک اثر تحت تاثیر هیجانات لحظه خلق آن، نتواند از اثرش فاصله بگیرد و نواقص و کاستی‌هایش را دریابد. در چنین شرایطی است که ضرورت وجود ویراستار حرفه‌ای احساس می‌شود. ویراستاری که بی‌رحمانه آنچه را به نظر زائد می‌رسد حذف کند. چنین چیزی مستلزم توسعه صنعت نشر هم هست و مستلزم این که استخدام ویراستار به افزایش قیمت کتاب و در نتیجه دشواری خریدن آن و پایین آمدن میزان قشر کتابخوان نینجامد اما علاوه بر اینها، وجود ویراستار حرفه‌ای مستلزم این نیز هست که نوعی تفاهم میان مولف و ویراستار وجود داشته باشد و نویسنده بابت آنچه ویراستار بر ضرورت حذفش تاکید می‌کند، نرنجد.

وجود ویراستار نه به معنای بی‌ارح نگاشته شدن نویسنده که اتفاقاً به معنای قائل بودن ارزش بیشتر برای کار او در نتیجه اعمال سخت‌گیری و وسواس بیشتر در حوزه نشر کتاب است تا آنچه نوشته شده، شتابزده و بدون رفع نقص‌هایش به دست خواننده نرسد. نویسنده نمی‌تواند یک تنه همه نواقص کارش را برطرف کند و همین، لزوم وجود ویراستار و جدی گرفته شدن کار ویراستاری را به عنوان یک کار حرفه‌ای و تمام وقت یادآوری می‌کند.



جایگاه مبهم ویراستار در صنعت نشر
جدا از آنچه با عنوان جان‌نفتادن معنای درست ویراستاری متن و بی‌توجهی به ویرایش ساختاری از آن یاد شد، یکی از معضلات اساسی که ویراستاری در ایران به آن مبتلاست، نبودن جایگاهی مشخص و تعریف شده برای شغل ویراستاری در صنعت نشر است، چنان‌که بسیاری از ویراستاران به عنوان شغل دوم به این کار می‌پردازند و ویراستاری شغل اصلی و تمام‌وقت‌شان نیست. کتاب‌های زیادی را -به ویژه در زمینه ترجمه- می‌بینیم که نام نویسندگان سرشناس را به عنوان ویراستار بر پیشانی دارند. اما تعداد کمی از این نویسندگان، شغل ثابت‌شان ویراستاری است چرا که جز ناشران بزرگ، ناشر دیگری حاضر نیست و شاید دخل و خرج‌اش کفاف آن را نمی‌دهد که حقوقی ثابت برای ویراستاری‌اش در نظر بگیرد و او را رسماً استخدام کند. برخی ناشران به همین دلیل، از خیر سپردن کتاب‌هایشان به ویراستار می‌گذرند و گاه پیش می‌آید که خود نویسنده، به طور مستقل و خارج از مناسبات نشر، کارش را به ویراستار می‌سپارد که این ویراستار هم معمولاً نویسنده‌ای است آشنا به فوت و فن نگارش و مسلط بر ساختار و تکنیک و نثر و زبان که گاهی برای گذران زندگی، کتاب دیگران را هم ویراستاری می‌کند.

البته این نه به معنای نبودن ویراستاران حرفه‌ای بلکه به دلیل جان‌نفتادن کار این ویراستاران به عنوان شغلی تمام‌وقت و بهانه‌دادن به کار آنهاست. علی‌اصغر شیرزادی، بخشی از این بی‌توجهی را با ناتوانی بسیاری از ناشران در تامین مالی ویراستاران

علی اصغر شیرزادی: اگر کار ویراستار را به اصلاح نثر محدود کنیم به این نتیجه می‌رسیم که آثار نویسندگان بزرگ نیازی به ویراستار نخواهند داشت

واقع به نظر می‌رسد ویرایش در ساختار، نوعی از ویرایش است که در ایران مغفول مانده. شاید یک دلیل این باشد که بسیاری از نویسندگان، ویرایش ساختاری را دخالت دیگری در متن خود و نوعی توهین به خویش تلقی می‌کنند، حال آن‌که معنای حقیقی ویرایش ساختاری نه جرح و تعدیل بی‌منطق یک متن، بلکه نوعی همکاری و مشاوره است برای نگاه از بیرون به اثر و بر طرف شدن آنچه نویسنده طی فرآیند نگارش از آن غافل مانده است.

دکتر فرزاد هوشیار، ویراستار و پژوهشگر ادبی، در این باره معتقد است: «ویرایش یک متن به معنای دخالت در آنچه نویسنده خلق کرده و تغییر خودسرانه آن نیست. در بسیاری از کشورها مولفان کار خود را به ویراستاران حرفه‌ای می‌سپارند و هر ناشر برای خود ویراستارانی دارد و این یک روند طبیعی در فرآیند تولید و انتشار آثار ادبی است و شاهکارهای ادبی هم پس از ویراستاری منتشر می‌شوند. دکتر هوشیار با این نظر که در ایران ویراستاران ساختاری خوب وجود ندارند، چندان موافق نیست بلکه معتقد است، جان‌نفتادن ویرایش ساختاری باعث نادیده انگاشته شدن چنین ویراستارانی شده است. به همین خاطر برخی ویراستاران حتی با وجود آگاهی به نواقص ساختاری متنی که برای ویراستاری به آنها سپرده می‌شود، تنها به اصلاح نثر آن اکتفا می‌کنند، چون ناشر با مولفی که کاری را برای ویراستاری به آنها سپرده، از آنان چیزی جز این نمی‌خواهد.

دکتر هوشیار یک مشکل دیگر را در این باره تخصصی نشدن کار ویراستاری می‌داند و معتقد است: «بخشی از تلقی نادرست از ویراستاری، به این بازمی‌گردد که بعضی از افرادی که به این کار پرداخته‌اند، در این زمینه حرفه‌ای نبوده‌اند و بیشتر به صورت تجربی به این کار می‌پردازند و همین باعث شده به جای رفع نواقص متن، به آن ضربه بزنند یا از کنار برخی از این نواقص سهل‌انگارانه بگذرند و همین امر مولفان را به ویراستاران بدبین کرده است. اما چنین مشکلی را نباید به ویراستاران تعمیم داد چرا که اکنون در ایران، ویراستارانی وجود دارند که کارشان را با دقت و وسواسی تحسین‌برانگیز انجام می‌دهند.»

چند سال پیش در مجله‌ای، دو نمونه از یک داستان ریموند کارور، نویسنده برجسته آمریکایی منتشر شده بود. نمونه اول، نسخه اولیه و ویرایش نشده داستان کارور و نمونه دوم، نسخه‌ای بود که توسط ویراستار آثارش ویرایش شده بود. مقایسه این دو نمونه به تنهایی کافی بود تا به اهمیت نقش ویراستاران ادبی در ادبیات جهان پی ببریم؛ ضمن این که انتشار آن دو نمونه از یک داستان، امکان مقایسه جایگاه و دامنه اختیارات ویراستار را در ادبیات ایران و جهان فراهم می‌کرد، جایگاهی که برخی از نویسندگان طراز اول جهان از جمله خود ریموند کارور هم بر اهمیت آن تاکید کرده‌اند. چنان‌که اکنون در جهان، ادبیات شهرت برخی ویراستاران، با شهرت نویسندگانی که آن ویراستاران کارشان را ویرایش کرده‌اند، پهلو می‌زند و این حاصل جایگاه تثبیت شده ویراستاران ادبی و پرداختن آنها به طور حرفه‌ای و تمام‌وقت به این کار است.

از ویرایش نثر تا ویرایش ساختار
در ایران، آنچه اغلب از ویراستاری و ویرایش متن به ذهن متبادر می‌شود، تصحیح غلط‌های دستوری و نگارشی یک متن است، در حالی که این تنها یک بخش از کار ویراستاران حرفه‌ای است و نه تمام آن.

شاید آنچه به این تصور نادرست از کار ویراستاری دامن زده، این باشد که در ایران کسانی که کاری را به ویراستار می‌سپارند، چیزی جز تصحیح نثر از او نمی‌خواهند و تصور می‌کنند دامنه اختیارات ویراستار در همین حد است، نه بیش از آن. ویراستار نیز معمولاً از همین حد و حدود فراتر نمی‌رود، زیرا ممکن است ناراضی و رنجش مولف را به دنبال داشته باشد چون بنا بر آنچه جا افتاده است، مولف جز تصحیح نثر، ویراستار را مجاز به دست بردن بیشتر در کار خود نمی‌داند.

علی اصغر شیرزادی، نویسنده رمان‌هایی نظیر «طبل آتش» و «هلال پنهان» یکی از دلایل این تلقی نادرست از ویراستار و کار ویراستاری را محدود شدن دامنه اختیارات ویراستار در ایران و نامشخص بودن جایگاه و هویت و دلیل وجودی او می‌داند و می‌گوید: «در ایران، آنچه به عنوان ویراستاری انجام می‌شود، اصلاح غلط‌های نگارشی یک متن است، حال آن‌که اگر کار ویراستار را به اصلاح نثر محدود کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که آثار نویسندگان بزرگ، نیازی به ویراستار نخواهند داشت.

وضعیت آثار ترجمه شده توسط مترجمان توانا نیز چنین خواهد بود؛ چون آنها خودشان نثر خوب را از نثر بد تشخیص می‌دهند. حتی بسیاری از نویسندگان خوب مادرکنار نویسندگی به ویراستاری آثار دیگران هم اشتغال دارند. طبق این برداشت، اگر نویسنده واقعا کارش را بلد باشد، دیگر به ویراستار احتیاجی نخواهد داشت و تنها آثار نویسندگان و مترجمانی که نثر ضعیفی دارند، باید ویرایش شوند. اما ویراستار به معنای واقعی، کسی نیست که تنها نثر بد را درست کند، چرا که در دنیا به ویژه در آمریکا، ویراستار مترادف است با کسی که حتی فصل‌های یک رمان را جابه‌جا می‌کند و در آن تغییرات اساسی می‌دهد.»

به اعتقاد شیرزادی اگر ویراستار را به این معنا بگیریم، یعنی به معنای کسی که ساختار رمان را اصلاح می‌کند، کار هر نویسنده‌ای به ویراستار نیاز خواهد داشت. چون ویراستار در معنای حرفه‌ای، کسی است که گاه می‌تواند سر نوشت کل اثر را تغییر دهد نه این که فقط باید نثر را درست کند. در



گزارشی از کتابخانه مقبرة الشعراى تبریز

دمی به چلتن تبریز پیر خود پرداز

کتابفروشی ضلع جنوب غربی مقبره، کتابی با عنوان «مقبرة الشعرا» یافت می‌شود که وحید حسین زاده در سال ۱۳۸۴ آن را منتشر کرده و به تفصیل در این کتاب از تاریخچه سرخاب گفته است.

کتابخانه مقبره الشعرا به اندازه دیگر بخش‌های مقبره، مورد عنایت مسولان قرار نگرفته و آن‌طور که جمشیدی می‌گوید، حتی از داشتن سرویس بهداشتی بی‌نصیب است! قدم زدن در فضای کتابخانه که رنگ و بوی آذری بودنش هر بازدیدکننده‌ای حظ فراوان می‌دهد، سبب آشنایی با دانشجویان علاقه‌مند به ادبیات می‌شود.

خانم قریشی که از سال‌ها قبل عضو کتابخانه شده، می‌گوید: «چهار مقاله ایستیم» (به فارسی یعنی چهار مقاله می‌خواهم) پیدا کردن چنین متون کهنی (نظامی عروضی) در کتابخانه مقبره الشعرا کار دشواری نیست. قریشی سپس به زبان فارسی تکلم می‌کند و می‌گوید: «این کتابخانه به دانشجویان تبریزی کمک زیادی می‌کند و اغلب می‌توان منابع مورد نیاز ادبی را در اینجا پیدا کرد. معمولاً برای پیدا کردن برخی کتاب‌های مرجع به اینجا می‌آیم که با توجه به غنی بودن کتابخانه، اغلب دست خالی بازمی‌گردم.»

«کتاب خواندن در کنار مقبره استادان ادبیات، حال و هوای خوبی دارد.» این آخرین جمله جمشیدی، متصدی پرحوصله و صبور کتابخانه است. پس از شهریار، ادیبان معاصر نظیر میرزا طاهر خوشنویس تبریزی، محمود سلماسی و یوسف نجمی در مقبره الشعرا آرام گرفته‌اند و به قول شهریار «پس از طواف مزار چهلتن شیراز/دمی به چلتن تبریز پیر خود پرداز»

ادبیات رادر خود جای داده و آن‌طور که فرزانه جمشیدی، متصدی کتابخانه عنوان می‌کند، ۶۰۰ نفر عضو دارد. جمشیدی با بیان این که این کتابخانه تخصصی سال ۱۳۷۸ راه‌اندازی شده است، می‌گوید: «اعضای کتابخانه اغلب دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته ادبیاتند که نیازهای خود را در حوزه‌های مختلف به استفاده از این کتابخانه رفع می‌کنند.

عضویت در کتابخانه مقبره الشعرا رایگان است و برای عضویت، تنها علاقه‌شما به ادبیات کافی است. گشت و گذار در فضای نه چندان بزرگ کتابخانه، سبب می‌شود چشم بازدیدکنندگان بیش از هر چیز به دو نام برخورد کند؛ اول مهدی روشن ضمیر و دیگری محمود پدیده. پس از مرگ این دو استاد دانشگاه تبریز، کتابخانه شخصی آنها به مقبره الشعرا اهدا شد. کتاب‌های پدیده و روشن ضمیر بخشی از ۵۰۰ کتاب مرجع کتابخانه را تشکیل می‌دهند. جمشیدی، متصدی کتابخانه، عنوان می‌کند: «کتاب‌های مرجع فقط در داخل کتابخانه در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرند و اجازه خروج کتاب‌ها به کسی داده نمی‌شود.» تلاش برای یافتن راهنمایی که اطلاعات بیشتری از مقبره الشعرا در اختیار گزاراگر کتاب هفته بگذارد، با موفقیت روبه‌رو نمی‌شود و تنها دستاورد، همان بروشوری است که اطلاعاتی درباره این مکان در اختیار قرار می‌دهد. البته با صرف هزینه نه چندان زیاد در

شاعر قرن چهارم هجری است. پس از طوسی، قطران تبریزی شاعر قرن پنجم هجری در سرخاب به خاک سپرده شد و در ادامه مجیرالدین بیلقانی، خاقانی شروانی، شاپور نیشابوری، ظهیرالدین فاریابی، خواجه هماد تبریزی و دیگر ادیبان مطرح آذربایجان در خاک آن آرام می‌گیرند.

سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار) شاعر نامدار آذربایجان هم در مقبره الشعرا دفن است. سال ۱۳۶۷ پس از آن که شهریار با گذراندن یک دوره بیماری، دار فانی را وداع می‌گوید، در مقبره الشعرا به خاک سپرده می‌شود تا تاریخ سرخاب تکمیل تر شود.

سرخاب فقط بقعه ادیبان آذربایجان نیست، زیرا پس از آن که ثقه الاسلام، روحانی مبارز قرن سیزده و چهارده قمری را در میدان مشق کاشان بر سر دار می‌کنند، پیکر او به سمت جنوب شرقی مقبره الشعرا تشییع و دفن می‌شود. تاریخ برای قبرستان سرخاب هنوز در جریان است و ادیبانی که بر تبریز حق و تبریز بر آنها حق بیشتر دارد، هنوز در سرخاب به خاک سپرده می‌شوند که «روشن ضمیر» و «پدیده» دو استاد ادبیات دانشگاه تبریز از مطرح‌ترین آنها به حساب می‌آیند.

این دو استاد کتاب‌های خود را به کتابخانه ای که در ضلع شمال شرقی مقبره قرار دارد، اهدا کرده‌اند تا کتابخانه تخصصی مقبره، فعالیتش را آغاز کند.

کتابخانه مقبره الشعرا هفت هزار کتاب تخصصی



باسمه تعالی

فراخوان دهمین دوره جایزه کتاب فصل

دیرینه خانه جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب‌های برتر و تشویق محققان، مؤلفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، دهمین دوره جایزه کتاب فصل (تابستان ۱۳۸۸) را برگزار می‌کند. از ناشران و مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می‌شود آثار خود را که برای نخستین بار در تابستان ۱۳۸۸ منتشر شده است، به دیرینه خانه این جایزه ارسال نمایند.

مهلت ارسال آثار: پانزدهم مهرماه ۱۳۸۸

نشانی دیرینه خانه: خیابان انقلاب اسلامی بین خیابان برادران ملل و فلسطین جنوبی، شماره ۲۸۰، مؤسسه خانه کتاب، طبقه ۲ - دیرینه خانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۹۹۶۶۲۱۹ | تلفنکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

باسمه تعالی

نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوه ملت بزرگ ایران و به منظور نکوداشت سی سال آگاهی و بیداری، پیشرفت و عدالت، معنویت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه آفرینی‌های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های خلاق، هنرمندان، که خود را در تاریخ و سرنوشت سبلی انسان شریک و دخیل می‌دانند و اهمیت روشنگری و بازشناسی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا فریاد می‌زنند. متناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش‌های نوین، آرمان‌های ملی و آزادی خواهی، تقویت ستیزی و عدالت طلبی، حماسه سازی، ایثار و سایر تأثیرات تمدنی آن در جهان کنونی، آثار مدادگار و شایسته ای را به گنجینه ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

■ مدارک مورد نیاز:

۱. فرم پر شده تکمالی حضور در مسابقه ایران هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است.
- محدودیتی بر تعداد آثار وجود ندارد.
- سه نسخه نایب شده از نمایشنامه به همراه فایل آن در محیط word بر روی لوح فشرده.
- یک برگه عکس پرسنلی نویسنده.

■ جوایز مسابقه:

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهند شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به ده اثر برگزیده به شرح زیر اهداء می‌شود:

- سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
- سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
- چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۵۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ گاه شماری:

۱. ارسال آثار از طریق پست، مدارک سی تا تاریخ ۸۸/۸/۳۰
۲. اعلام نتایج و اهدای جوایز تا تاریخ ۸۸/۹/۳۰

فرم تکمالی حضور در نخستین مسابقه سرسبزی نمایشنامه نویسی با موضوع

انقلاب اسلامی ایران

نام نویسنده: _____

میزان تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): _____

نشانی دقیق پستی: _____

اینجانب _____ با اطلاع کامل از مفاد فراخوان نخستین مسابقه سرسبزی نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مدارک فوق را در حمت و قناعت ارائه می‌دهم.

تاریخ و امضاء: _____

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و خیابان جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۸۰، طبقه دوم، روابط عمومی صندوق پستی ۳۱۳۵-۳۱۳ شماره تماس: ۶۶۹۶۶۲۱۲ - ۶۶۹۶۶۲۱۳



قاسم رحمانی

تازه ترین کتاب های هفته

ضرب المثل های فارسی و انسان کامل از نگاه حافظ

که با ترجمه فروغ پوریایری سال گذشته توسط نشر آگه منتشر شد و در این هفته به چاپ دوم رسید. البته این کتاب پارسال با ترجمه خشایار دیهیمی توسط نشر نی منتشر شده بود. نشر آگه علاوه بر این کتاب، چاپ دوم «شهریار» اثر مشهور نیکولو ماکیاولی با ترجمه داریوش آشوری را منتشر کرده است در حالی که از چاپ اول آن هنوز یک فصل نگذشته است. کتاب شهریار، گذشته از اهمیت آن در عالم اندیشه سیاسی از نظر نثرنویسی نیز از آثار برجسته ادبیات ایتالیایی به شمار می رود.

«شعر امروز را چگونه بخوانیم» نام کتابی از کاظم سادات اشکوری است که نشر هزار آن را منتشر کرده است. اشکوری در این کتاب به برخی پرسش ها درباره شعر امروز ایران پاسخ داده است. فطری بودن یا اکتسابی بودن هنر شاعری، چگونگی دستیابی به موسیقی کلام، بررسی مفهومی شعر روستایی، چگونگی تقطیع شعر امروز فارسی، شعر معنی کردنی و شعر تفسیر کردنی، بررسی رابطه شعر و موسیقی و... از مقوله هایی اند که او در گفتارهای این کتاب به آنها پرداخته است.

«ناملی در ادبیات امروز» کتابی است در زمینه تاریخ، تحلیل و نقد شعر معاصر فارسی از مشروطیت تا دهه هشتاد که عباس باقی نژاد آن را نوشته و نشر کتاب پارسه ناشر آن است. در این کتاب سعی شده جهات مختلف شعر نو و تفاوت های آن با شعر سنتی در حد نیاز دانشجویان و کسانی که با آن آشنایی کافی و لازم را ندارند، تبیین و تشریح شود. در این راستا بیش از تاریخ ادبیات، به تحلیل ساختاری و محتوایی شعر امروز و شاخه های آن پرداخته شده است.

کرده است و اندکی راجع به بهاء ولد پدر مولانا و سلطان ولد پسر مولانا سخن گفته است. انتشارات زوار کتاب دیگری با عنوان «دیوان حاج میرزا حبیب خراسانی» را به اهتمام علی حبیب چاپ و منتشر کرده است. حاج میرزا حبیب از دانشمندان روحانی خراسان بود و در عالم عرفان از عارفان بزرگ به شمار می رفت و در فاصله سال های ۱۲۶۶ تا ۱۳۲۷ قمری زندگی می کرد. دیوان اشعار او شامل غزلیات، قصاید، مدایح و رباعیات است. «از اسطوره تا حماسه» هفت گفتار در شاهنامه پژوهی به قلم سجاد آیدنلو با مقدمه محمدامین ریاحی است که از سوی انتشارات سخن به بازار آمد.

انتشارات کومش «فرهنگ هنرمندان ایرانی» (از آغاز تا امروز) را به قلم عبدالرفیع حقیقت منتشر کرده است. نشر افق دو رمان از مجموعه رمان های برتر جهان را منتشر کرده است. «دکتر جکیل و آقای هاید» رمانی از رابرت لویی استیونسن با ترجمه محسن سلیمانی است که نشر افق در این مجموعه برای علاقه مندان به بازار فرستاده است. «بابا لنگ دراز» اثر معروف جین و بستر هم با ترجمه همین مترجم به صورت تلخیص شده، منتشر شده است.

انتشارات آگاه «صورت ببر» مجموعه ۱۰ داستان کوتاه محمد کلیاسی را چاپ و منتشر کرده است که با یک موخره نیز همراه است. در این موخره، برگزیده گفت وگویی مفصل میان نویسنده و چند تن از دوستان اصفهانی او آمده است.

«روح پراگ» مجموعه مقالاتی در زمینه ادبیات و سیاست نوشته ایوان کلیمانا نویسنده اهل تشر چک است

نیز چاپ و منتشر کرده است. این کتاب علاوه بر مقدمه، در سه فصل همراه با جمع بندی و نتیجه گیری تالیف و تدوین شده است. فصل نخست به کلیات و مبانی پژوهش، مفاهیم، ادبیات، پیشینه، پرسش ها، فرضیه ها و متغیرهای آن اختصاص دارد. در فصل دوم جریان شناسی سیاسی در ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ بررسی و پنج جریان مذهبی یا اسلام گرا، ملی گرا یا ناسیونالیست، چپ یا مارکسیستی، ترکیبی و التقاطی و بالاخره سلطنت طلب با ویژگی های هر یک از جریان های مذکور حامیان و سخن گویان آنها مطرح شده است. فصل سوم کتاب به جریان های سیاسی اسلام گرا در جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. «مقایسه انسان کامل از دیدگاه بیدل و حافظ» نوشته عبدالغفور آرزو از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است.

این پژوهش که رساله دوره دکترای نویسنده است، در پنج فصل تدوین شده که مقایسه انسان کامل از دیدگاه بیدل و حافظ بحث محوری و کلیدی این رساله است. بیدل عارفی است شاعر و حافظ شاعری است عارف، اما مقایسه انسان کامل از دیدگاه این دو نماینده تمام عیار سبک هندی و عراقی، از هر منظری جالب توجه است. تفسیر و تبیین دو نیم دایره آفرینش اساس این رساله است. جلد سوم «شرح مثنوی» مولانا نوشته دکتر علی اصغر حلبی که انتشار جلد های قبلی آن از دو - سه سال پیش آغاز شد و تا کنون دو جلد آن به بازار آمده توسط انتشارات زوار منتشر شده است. حلبی در این مجلد ابیات مثنوی از بیت ۱۵۴۷ تا بیت ۲۵۰۸ را شرح و معنی

«فرهنگ ضرب المثل های فارسی» نوشته دکتر حسن ذوالفقاری در دو جلد قطور توسط انتشارات معین منتشر شده است. این کتاب شامل یکصد هزار مثل از تمام مناطق ایران و اقوام گوناگون و کشورهای فارسی زبان است. امثال کتاب اعم از اشعار مثل شده و مستخرج از متون ادبی و تاریخی و مثل های رایج در میان فارسی زبانان، مستند و با ذکر مأخذ دقیق آنها بالغ بر چهارصد متن است. واژه نامه انتهای کتاب شامل پنج هزار واژه گویشی همراه معنی آنها و راهنمای فهم دقیق امثال است. علاوه بر این مقدمه مسبوط، کتاب به شیوه علمی، تمامی مباحث نظری ضرب المثل ها را دربرمی گیرد.

«ابداعات فلسفی علامه طباطبایی» کتابی به قلم محمدعلی اردستانی و قاسمعلی کوچانی است که از سوی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شده است. این اثر با محوریت گزینشی حواشی اشعار علامه طباطبایی به اسفار صدرا المتهلین تالیف شده است. علت محور قرار دادن حواشی اشعار، احیای این حواشی و توجه خاص پژوهشگران فلسفه به ویژه کم آشنایان به زبان عربی به این حواشی است. اهمیت ارزش این پژوهش برای ارائه و تشریح و تبیین تعدادی از تحقیقات (نظریه، تقریر و نقد) اختصاصی علامه طباطبایی به عنوان یکی از بزرگ ترین حکیمان، متفکران و نظریه پردازان عصر حاضر است و تا کنون این تعداد از اندیشه های فلسفی ایشان به شکل یک مجموعه گردآوری، تبیین، تشریح و تطبیق نشده اند.

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی کتاب «جریان شناسی سیاسی در ایران» به قلم علی دارابی را

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات بلور با یازده عنوان کتاب پرکارترین ناشر، مصطفی رحیمی با ده عنوان پرکارترین مؤلف و مهدی الهی قمشه ای با دو عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۱۳/۴/۸۷ تا چهارشنبه ۱۵/۴/۸۷، ۹۱۳ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب ها در موضوع دین و سپس آموزش و کمک درسی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، ادبیات، کودک و نوجوان و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تعداد*	ترجمه	چاپ اول	چاپ	نسخه	نویسنده	ناشر	میانگین	نظرات	میانگین
۱	کلیات	۱۶	۱۶	۱	۱۲	۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۲	فلسفه و روانشناسی	۲۲	۱۶	۶	۱۷	۵	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۳	ادب	۱۸۴	۱۶۱	۲۳	۹۲	۹۲	۱۱۲	۷۴	۷۴	۷۴	۷۴	۷۴
۴	علوم اجتماعی	۷۹	۵۵	۲۴	۳۸	۴۱	۷۷	۲	۲	۲	۲	۲
۵	زبان	۲۴	۲۱	۳	۱۶	۸	۲۲	۱	۱	۱	۱	۱
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۹	۲۰	۹	۱۷	۱۲	۲۲	۷	۷	۷	۷	۷
۷	علوم عملی	۱۲۴	۸۶	۳۸	۷۵	۲۹	۱۱۶	۸	۸	۸	۸	۸
۸	هنر	۱۹	۱۴	۵	۱۱	۸	۱۷	۲	۲	۲	۲	۲
۹	ادبیات	۱۲۲	۱۰۱	۲۱	۶۱	۶۱	۱۰۹	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۲۳	۲۰	۳	۱۱	۱۲	۲۱	۲	۲	۲	۲	۲
۱۱	آموزش و کمک درسی**	۱۷۵	۱۷۵	۰	۱۷۵	۰	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵
۱۲	کودک و نوجوان	۸۵	۶۳	۲۲	۲۷	۵۸	۷۸	۷	۷	۷	۷	۷
	جمع بندی	۹۱۳	۷۴۶	۱۶۷	۴۰۴	۱۶۲	۹۱۳	۱۶۲	۱۶۲	۱۶۲	۱۶۲	۱۶۲

* «تعداد» به معنی آرای اطلاع می شود که ترجمه باشد. آرای چون تصحیح، ترمیم، گردآوری، تحقیق، لغو و نظائر آن.
** «موضوع» به معنی موضوع آموزشی و کمک درسی است. «کتاب های کمک درسی» که به عنوان «کتاب های کمک درسی» در بانک اطلاعات این موسسه ثبت شده است. «موضوعات» این کتاب ها در بانک اطلاعات این موسسه ثبت شده است.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار
گزارش آماری کتاب	۸۰۰۰۰ روال
بیشترین تیراژ چاپ	۱۹ تیراژ
بیشترین تیراژ	۱۰۰۰۰ نسخه
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
بیشترین صفحه	۴۲۲ صفحه

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار
گزارش آماری کتاب	۳۰۰۰ روال
گزارش آماری کتاب	۱۴۷۵۰۰ روال
بیشترین تیراژ چاپ	۸۲ تیراژ
بیشترین شمارگان	۴۰۰۰۰ نسخه
کمترین شمارگان	۲۵۰ نسخه
بیشترین صفحه	۱۸۵۴ صفحه
کمترین صفحه	۱۶ صفحه

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار
گزارش آماری کتاب	۷۰۰۰ روال
بیشترین تیراژ	۳۳۰۰۰ نسخه
گزارش آماری کتاب	۱۷۸۰۰۰ روال
بیشترین تیراژ چاپ	۲۱۷ تیراژ
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه

تعداد ناشران در این هفته	تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان			تعداد کتاب های گفست
		مؤلف*	مترجم	مؤلف*	
۳۵۴	۱۲۴	۱۲۴	۴۲	۱۲۷	۱۵

* مؤلف: معنی پدیدآورندگان است. مؤلف: نویسنده، مترجم، گردآورنده، تصحیح و... به جز مترجم

نگاهی به زندگی و آثار یاسمینا خضرا به بهانه نخستین ترجمه فارسی از آثارش

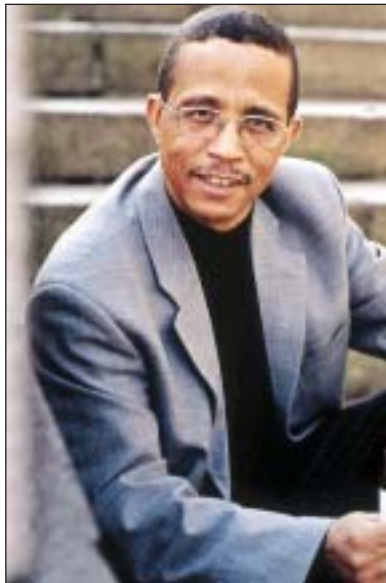
پرستوهای زخمی در چنگ طالبان؛ اما امیدوار

آلمانی می گوید: «غرب دنیا را آن طور که می خواهد تصویر می کند، به این منظور تئوری هایی طرح ریزی می کند که نه برای ارائه واقعیت های موجود بلکه تنها برای ساختن همان چشم اندازی که دوست دارد جهان آن گونه باشد، عرضه شده اند. در تصویر جدیدی که من از مسلمان بودن در افغانستان ارائه کردم تعصب و تحجر دینی و آنچه من نام بیماری دینی را برای آن برگزیدم ارائه شده است. رمان «پرستوهای کابل» به خواننده غربی امکان دستیابی به هسته ماجرابی را می دهد که تاکنون تنها سطح کروی آن را لمس کرده است. از آنجا که کوتاه بینی خطری است که همگان را تهدید می کند، من سعی کردم در این رمان لایه های زیرین و علل آنچه در افغانستان می گذرد را به طور واقعی به خواننده ارائه کنم. شاید این گونه بهتر بتوان برای کنترل و مهار آن راهی پیدا کرد.»

کابلی که یاسمینا خضرا روایت می کند، مکانی است که محصور به دیوارهای تنگ خواسته های مردانه زمامداری دیوانه است. جایی که مفهوم حقوق و خواسته های انسان ها و زنان به عنوان انسان هایی مستقل از نگاه های ابزاری مردانه، در آن رنگ باخته است. نویسنده هنوز به این باور دارد که در پس این دوزخ، کابلی نفس می کشد که روزی دیگر ساعت خود را با ساعت حکومت طالبان تنظیم نمی کند و چهره اسلام واقعی رخ می نماید.

رمان «پرستوهای کابل» خواننده را دعوت به دیدن دنیایی می کند که برای خواننده ای که در آنجا تجربه زندگی نداشته است بسیار ناآشنا، غریب و تکان دهنده به نظر می آید و در واقع مرثیه ای است بر مزار انسانیتی از دست رفته و ادای دین به زنانی که قربانیان اصلی حکومت طالبان بودند. مجله نیوزویک، سال ۲۰۰۴ در یکی از شماره های خود درباره یاسمینا خضرا می نویسد: «وی یکی از تنها نویسندگان توانایی است که می تواند خشونت امروز موجود در الجزایر را برای دیگران معنا کند.» جی.ام کوئرتزی، نویسنده آفریقای جنوبی برنده جایزه نوبل ادبی ۲۰۰۳ نیز یاسمینا خضرا را به عنوان یکی از نویسندگان بزرگ عصر حاضر قلمداد کرده است.

«موریتوری» (۱۹۹۷)، «دو گانه سفید» (۱۹۹۸)، «پائیز او هام» (۱۹۹۸)، «بره های ارباب» (۱۹۹۸)، «خیالی که گرگ ها در سر دارند» (۱۹۹۹)، «پریان بغداد» (۲۰۰۶) و «آنچه روز به شب بدهکار است» (۲۰۰۸) از آثار هی هستند که یاسمینا خضرا منتشر کرده است.



خضرا سال ۲۰۰۱ پس از ترک ارتش و رفتن برای زندگی و خلوت گزینی در فرانسه، نام اصلی و هویت خود را آشکار کرد.

یاسمینا خضرا در ترسیم فضاهای واقعی داستان هایش، خود را ملزم به ارائه تصویر موقعیت های داستان از دید شخصیت های درگیر در آن موقعیت می داند و به نوشتن داستان از دید نویسنده ای که شخصیت ها و موقعیت ها را تنها در فضاهای خیالی خود ترسیم می کند، مبادرت نمی ورزد. وی سال ۲۰۰۶ در مصاحبه با یک رادیوی

در این رمان، نویسنده با توانسته تصویری واقعی از جهل و تعصب حکومت ارتجاعی طالبان ارائه کند. اما با وجود آن که شهر کابل پیش از آن هیچ گاه مانند چنین جهمی تصویر نشده بود، در رمان خضرا هنوز جایی برای امیدواری شخصیت های داستان باقی می ماند.

سبک نوشتاری یاسمینا خضرا استفاده از کلمات ساده و عبارات کوتاه است اما با این کلمات ساده و ملموس سیلی از تصاویر واقعی و تاثیر انگیز تا غایت تحمل خواننده گسیل می شود؛ کلماتی که به واسطه آنها خواننده وحشت سایه افکنده بر مردم افغانستان را در زیر بال های حکومت فاشیستی طالبان لمس می کند. یاسمینا خضرا می خواهد بداند آیا در این فضای پر از مرگ جایی برای زندگی هست؟ چرا که حتی در جهنم هم امید نفس می کشد. داستان این دوزخ را با روایت زندگی چهار شخصیت اصلی خود یعنی زندانبانی بدبخت، یک بورژوازی شکست خورده، یک قاضی بیکار و خانه نشین و بیماری مبتلا به دردی لاعلاج و در حال دست و پنجه نرم کردن با مرگ برای خواننده مجسم می کند. یاسمینا خضرا نام مستعار محمد مولی السهول، افسری در ارتش الجزایر است که اکنون در فرانسه زندگی می کند. مولی السهول سال ۱۹۵۵ در الجزایر به دنیا آمد و همزمان با خدمت در ارتش الجزایر برای ناشناس ماندن و دوری از سانسور بی حد و مرز و ارائه دست نوشته های خود برای چاپ، نام مستعار زنانه «یاسمینا خضرا» را برای خود برگزید. با وجود رمان های موفق فراوانی که در الجزایر با نام و امضای یاسمینا خضرا به چاپ رسید، یاسمینا

رمان «پرستوهای کابل» اثر یاسمینا خضرا، نویسنده الجزایری با ترجمه مهدی غبرایی در ایران منتشر شد. این، نخستین اثر این نویسنده است که رخت واژگان فارسی می پوشد.

نسخه اصلی «پرستوهای کابل» سال ۲۰۰۲ به زبان فرانسه منتشر و در سال ۲۰۰۶ نامزد دریافت جایزه ادبی بین المللی ایمپاک دوبلین شد. در همان سال نیز جایزه کتاب منتخب کتابفروشی ها، متشکل از پنج هزار کتابفروشی در فرانسه، بلژیک، سوئیس و کانادا را از آن خود کرد.

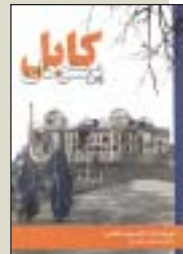
این کتاب در فضای افغانستان دوره حکومت طالبان می گذرد. این رمان خواننده را با زندگی دو زوج آشنا می کند. محسن و زونیره اولین آنها هستند. محسن از خانواده ای متمول بوده اما طالبان دارایی ها و ثروتشان را نابود کرده است. زونیره، همسر او نیز زمانی قاضی برجسته ای بوده، اما حالا دیگر مجاز نیست بدون مرد از خانه بیرون برود. زوج دیگر، عتیق و مسرت هستند. عتیق زندانبان ست، که ایدئولوژی طالبان را پذیرفته و تلاش می کند اعتقادش را نسبت به آن از دست ندهد. مسرت هم که روزگاری جان عتیق را نجات داده بود حالا از بیماری سختی رنج می برد و از بیماری و ناامیدی رو به مرگ است. محسن، فرزند خانواده ای بورژوا است که زمانی در رشته علوم سیاسی تحصیل می کرده و همسرش زونیره، زنی مسلمان، آگاه و تحصیل کرده و مبارزی است که برای آزادی و کسب حقوق زنان تلاش می کند اما عتیق که زمانی در صف مجاهدین افغان در برابر هجوم شوروی به خاک افغانستان می جنگید، حالا تبدیل به زندانبانی شده که زندگی در کابل برای او تنها یک مفهوم دارد و آن هم جهنم است. محسن سرخورده و وامانده در خیابان های کابل پرسه می زند که خود را در میان جمعی می یابد که می خواهند زنی زناکار را سنگسار کنند. آن فضا او را نیز به خود می خواند تا او هم به صورت آن زن محکوم که تا کمر مدفون شده است سنگ بزند. چنین فضایی در ابتدای داستان به تصویر کشیده می شود و در ادامه زندگی این چهار شخصیت روایت می شود.

«پرستوهای کابل» رمان خیره کننده ای است که با شگفتی و ریزه کاری های دقیق نوشته شده. نویسنده به نرمی و روانی از کابل در دوره طالبان روایت می کند. خضرا خواننده را به خیابان های داغ و خاکی کابل می کشاند و شناخت پابر جا و آمیخته به شفقتی از جامعه ای به دست می دهد که خشونت و ریا در آن آدم ها را به پرنگاه ناامیدی سوق می دهد.

پرواز پرستوهای کابل در پاییز تهران

«پرستوهای کابل» سال ۲۰۰۲ در فرانسه منتشر شد و امسال با ترجمه مهدی غبرایی از سوی انتشارات آمیتیس به بازار عرضه شده است. این کتاب در ادبیات شاعرانه و رئالیستی، صمیمی و گزنده است که چشم اندازی زیبا و در عین حال اندوهناک را از مردمی ترسیم می کند که گیرودار زندگی پر آشوب و سرزمینی از یاد رفته زندگی می کنند و بر محنت های خود سوگواری می کنند. مهدی غبرایی، مترجم کتاب درباره «پرستوهای کابل» می گوید: «نام این رمان اشاره ای تلویحی به این دارد که حتی پرندگان در زمان رژیم جنایتکار طالبان از افغانستان می گریختند

و پرستو را به عنوان نمادی از پرندگان در نظر گرفته است. ابتدای این کتاب با نثری بسیار شاعرانه شروع می شود و در چند فصل ادامه می یابد.» غبرایی محتوای این کتاب را درباره زوال انسان ها و انسانیت در فشار حکومت های جنایتکار می داند و می گوید: «خضرا نشان می دهد که این دو خانواده افغانستانی چگونه به سوی زوال و نیستی می روند. وی تلاش کرده است تاثیر حکومت طالبان بر شرافت و انسانیت را نشان دهد و احساس همدردی عمیقی در خواننده برمی انگیزد.» رمان «پرستوهای کابل» در ۱۶۶ صفحه با شمارگان ۱۶۵۰ نسخه و قیمت ۳۴۰۰ تومان به بازار عرضه شده است.



نویسنده ای ارتشی با نام زنانه

حاصل تلفیق زبانی دقیق و استوار برای ترسیم جزئیات واقع گرایانه فضای داستانی و آرایش شاعرانه کلامی آن است. یاسمینا خضرا ارتباط خود را با زبان فرانسه، ارتباطی درونی و متنی می داند که در نهاد او نفوذ کرده است. میراث حساسیت و ظریف گویی ادبیات شاعرانه بدوی اعراب که همراه با خود از دوران کودکی آورده، آن را با زبان فرانسه تلفیق کرده و آثاری پدید می آورد و به این شیوه توجه بسیاری از خوانندگان خود را به سبک نوشتاری خود جلب کرده است.



یاسمینا خضرا در سه گانه سیاسی خود به نام های

«خوشه های خشم» جان اشتاین بک، «الایام» طه حسین و «آنا کارنینا» لئوتولستوی رمان هایی بودند که تاثیر عمیقی بر خضرا داشته و او را به انتخاب حرفه نویسندگی و داستان گویی سوق دادند.

اولین رمان یاسمینا خضرا به نام «موریتوری» با ژانر پلیسی در سال ۱۹۹۹ به زبان فرانسه منتشر شد اما وی بعدها گونه پلیسی را رها کرد و به نوشتن رمان هایی با مضامین سیاسی پرداخت. از همان ابتدا و با انتشار نخستین رمانش برای قدرت داستانی و زبانی خود مورد توجه منتقدان قرار گرفت. قدرت زبانی در آثار یاسمینا خضرا

در سرزمین داغ و صحرای سوزانی که از روزگاران دور کلام و شعر را به عنوان برجسته ترین هنر مردان می ستود، او نام یک زن را برای انتشار کتاب هایش برگزید.

یاسمینا خضرا نام افسری به نام محمد مولی السهول در ارتش الجزایر بود که پس از خروج از ارتش و زندگی در فرانسه هویت خود را فاش کرد. اگر پدرش او را در سن ۹ سالگی در مدرسه نظامی ثبت نام نمی کرد، مسلما او رمان هایش را با نام «محمد مولی السهول» به چاپ می رساند. اما چرا یاسمینا خضرا؟ آیا این، نام دختر رویاهایش است یا عشقی شکست خورده؟ خیر، یاسمینا، نام همسر آقای مولی السهول است؛ زنی ساده و کم حرف با احساساتی عمیق. ادبیات، عشق دوره کودکی او بود و خود می گوید برای ادبیات به دنیا آمده است اما پیش از آغاز به کار در حرفه نویسندگی، رمان های «ببگانه» آلب کامو،

«پرستوهای کابل»، «سوء قصد» و «پریان بغداد» توجه اصلی خود را به مسائل سیاسی و رویدادهایی که در سه سرزمین افغانستان، فلسطین و عراق رخ می دهد متمرکز ساخته است. او در این باره می گوید: «همیشه تصویری که رسانه های غربی به صورت تحریف شده و از زاویه نگاه خود به شهر و ندغام غربی می دهند مرا بر آن می داشت تا از نگاه یک شرقی قصه این سه سرزمین را به گونه ای واقعی و از متن مردم شرق برای آنان روایت کنم؛ قصه ای که به واقعیت آن گونه که هست بپردازد نه آنچه آنچنان که تئوری های ارباب سرمایه تحمیل می کنند. آثار من دعوتی هستند که جان انسان های شریف و کسانی که به حقوق بشر واقعی باور دارند را به سوی حقیقتی به نام زندگی فرامی خوانند.»

یاسمینا خضرا اکنون مدیر خانه فرهنگ الجزایر در پاریس است.



روایت اول شخص

رمان های مستند

پرویز شهبودی، مترجم



ترجمه رمان نیمه تاریخی و نیمه مستند «استالین گراد» نوشته آنتونی بیوربه پاپان رسیده و در مرحله حروفچینی است. این کتاب به نبرد استالین گراد در جنگ جهانی دوم و حمله ارتش آلمان نازی به روسیه می پردازد. ناشر آن انتشارات نسل آفتاب است و سفارش ترجمه کتاب دیگری از همین نویسنده با عنوان «سقوط برلن» را داده است. داستان این کتاب به نوعی ادامه «استالین گراد» به حساب می آید. شکست نیروهای آلمانی، عقب نشینی آنها و پیشروی روس ها را که در نهایت منجر به شکست آلمان و متحدین در جنگ دوم جهانی شد، در این کتاب شرح داده شده است.

نشر کتاب سرای نیک نیز ترجمه من از کتاب «ماه دل انگیز می» را در مرحله حروفچینی دارد. این رمان نیمه مستند از آثار جیمز جویس است و به حوادث ماه می ۱۹۶۸ در فرانسه که منجر به انقلاب فرانسه شده، می پردازد.

این روزها بازخوانی و ویرایش ترجمه کتاب «جولیا» نوشته مارک دوگن نویسنده فرانسوی را در دست دارم. که توسط نشر چشمه منتشر خواهد شد. پیش تر کتاب «خانواده نفرین شده کندی» داستان زندگی رئیس اف.بی.ای آمریکا توسط همین انتشارات منتشر شده بود. همچنین «اتاق چهره های فروریخته» رمانی نیمه مستند درباره افراد و نظامیانی که در جنگ جهانی اول دچار آسیب های چهره شده اند و به نوعی از زندگی در اجتماع بازمانده اند، در مراحل اداری نشر است.

تجدید ترجمه من از رمان «در غرب خبری نیست» مشهورترین رمان ضد جنگ در جهان اثر اریش ماریا رمارک، نویسنده و روزنامه نگار آلمانی که پیش تر رمان «طاق نصرت» او را ترجمه کرده بودم و «ربه کا» اثر دفنه دوموریه توسط انتشارات صدای معاصر به زودی منتشر خواهد شد.

همچنین، به زودی انتشارات مجید، تجدید ترجمه من از رمان «برادران کارامازوف» نوشته فئودور داستایفسکی را منتشر می کند.

صد هزار مثل فارسی

حسن ذوالفقاری، پژوهشگر



هفته پیش فرهنگ دو جلدی «ضرب المثل های فارسی» توسط نشر معین در بازار کتاب توزیع شد. این کتاب شامل صد هزار مثل فارسی رایج در مناطق مختلف ایران و کشورهای فارسی زبانی چون افغانستان و تاجیکستان است که توسط یک تیم پژوهشی و در کاری هشت ساله گردآوری شده.

ضرب المثل هاب اساس حروف القبا تنظیم شده اند و برای هر یک، منبع و ماخذ آن ارجاع داده شده است. بدین ترتیب خواننده می تواند از کاربرد مثل در مناطق مختلف آگاهی یابد.

علاوه بر این، مثل های به کار رفته در متون نظم و نثر ادب فارسی نیز در این کتاب گنجانده شده اند. همچنین کتاب، مقدمه جامعی بالغ بر ۲۰۰ صفحه دارد که برای نخستین بار به مباحث ریخت شناسی

مثل ها، انواع و اقسام مضامین و محتواها، بررسی های زبانی و ادبی و مسائل مرتبط با زیبایی شناسی و دستوری پرداخته است.

فهرست ۴۰۰ صفحه ای نمایه های موضوعی و کلیدواژه ها، دیگر ویژگی فرهنگ «ضرب المثل های فارسی» است.

به زودی سه کتاب با تصحیح و بازنویسی من در مجموعه «منظومه های عاشقانه فارسی» توسط نشر چشمه منتشر خواهد شد. این منظومه ها عبارت از «لیلی و مجنون» مکتبی شیرازی (قرن هشتم)، «وامق و عذرا» خواجه شعیب جوشقانی (قرن ۱۲) و «هشت بهشت» امیر خسرو دهلوی اند. روند تهیه منظومه ها، تصحیح و مقابله آنها با چند نسخه معتبر است و در بازنویسی این آثار، جلیل اصغریان رضایی یاری ام داده است.

سال گذشته، سه منظومه از این مجموعه منتشر شدند. امسال نیز دو منظومه «خورشید و مهپاره» سروده میرزا محمد سعید طبیب قمی متخلص به سعید از شاعران عصر صفوی و طبیب مخصوص شاه عباس صفوی و «داستان معشوق بنارس» سروده ملا محمد خطای شوشتری منتشر شدند.

نفت، خون و دریا

خسرو معتضد، تاریخ نگار



کتاب «نفت؛ خون خاک» به صفحه ۴۸۰۰ رسیده و شاید تا پایان امسال تمام شود. این کتاب به تاریخ کامل نفت در ایران از نخستین روز استفاده ایرانیان از نفت در دوران

هخامنشیان تا سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ پرداخته است. این کتاب با عکس، نقشه و نمودارهایی همراه شده و بسیاری از مطالب آن برای نخستین بار ارائه شده اند. حدود یک سالی می شود که روی این کتاب کار می کنم. در نهایت، حجم کتاب ۱۰ هزار صفحه خواهد شد. ویراستاری این کتاب بر عهده خودم است اما دو مصحح در این زمینه با من همکاری دارند. انتشارات شرکت سیمای توانمندی های صنعت نفت ایران، وابسته به شرکت نفت، این کتاب را منتشر و روانه بازار خواهد کرد.

این روزها کار دیگری که مرا به خود مشغول کرده، تالیف کتابی درباره فروپاشی سلسله شاهنشاهی ساسانی است. در این کتاب از زندگی سلمان فارسی صحابه پیامبر اکرم (ص) الهام گرفته ام و کتاب، شامل تاریخ کاملی از پایان سلطنت انوشیروان، قیام مزدک و حوادث پس از آن تا سقوط سلسله ساسانی می شود.

سفر عده ای از ایرانیان، شاهزادگان ساسانی و فرزندان و نوادگان بزرگدرد به چین و ماندگار شدن آنان در آن سرزمین از بخش های جذاب این کتابند. نام این افراد در سالنامه سلطنتی چین آورده شده و قرار بر این بوده این افراد با کمک قوای چین به ایران بازگردند. این ماجرا در تاریخ به دست فراموشی سپرده شده، اما ویژگی این کتاب پرداختن به مسائلی اینچنینی است.

بیش از یک سال روی تالیف کتابی کار کرده ام با عنوان «منم سلمان فارسی» با زیر عنوان (فروپاشی سلسله شاهنشاهی ساسانی). کتاب در ۲۰۰۰ صفحه سیمای سلمان فارسی را که تاکنون اندکی مجهول مانده بود روشن می کند. جلد نخست آن حدود ۸۰۰ صفحه می شود و نگارش آن به پایان رسیده است.

در کنار این کارها، مشغول تحقیق و مطالعه برای تالیف کتابی با عنوان «ایرانیان دریانورد» هستم. ایرانیان باستان در خلیج فارس از بندر تاریخی شیراز تا چین و آفریقا دریانوردی می کردند و شرح این کتاب نیز در این کتاب خواهد آمد. نگارش جلد نخست آن به پایان رسیده و بخش فرهنگی سازمان کیش کتاب را منتشر خواهد کرد.

اما تجدید چاپ چند کتاب را توسط نشر البرز آماده انتشار دارم. جلد نخست چاپ سوم کتاب

دو جلدی «پلیس سیاسی» با ویرایش جدید مجوز گرفته و جلد دوم آن در مراحل اداری مجوز است. این کتاب در ارتباط با دوران رضاخان و پلیس سیاسی ایران است. همچنین در مقدمه آن اشاره ای داشته ام به پلیس سیاسی در دنیا و این که چرا حکومت ها به پلیس سیاسی متوسل می شوند.

کتاب «تاج های زنانه» در سه جلد اردیبهشت امسال منتشر شد و در حال حاضر چاپ دوم آن در حال انتشار است. نقش زنان تاریخ ساز دوران قاجار و پهلوی در مسائل سیاسی و حکومتی ایران در صد سال اخیر محور اصلی روایت های تاریخی این کتاب را تشکیل می دهد. همچنین تصحیح کتاب «خاطرات علی هاشمی حائری» را در دست دارم. این شخص از روزنامه نگاران نامی ایران و سردبیر روزنامه ایران در دوران رضا خان و بنیان گذار و نویسنده روزنامه طلوع در دوران پهلوی دوم بوده است.

هاشمی حائری خاطرات خود را از دوران رضا خان به صورت سلسله مقالاتی در روزنامه طلوع منتشر می کرده. این کتاب گردآوری کامل من از خاطرات این روزنامه نگار است تا خواننده ایرانی در جریان مطبوعات ایران قرار گیرد. مقدمه کتاب شامل بررسی مطبوعات ایران از زمان روزنامه «کاغذ اخبار» به مدیریت میرزا صالح شیرازی تا زمان انقلاب اسلامی می شود و حدود ۸۰۰ صفحه است.

امیدوارم تا پایان امسال تالیف کتاب «دکتر امینی و بهار سیاسی ۱۳۴۰» به اتمام برسد. امینی ۱۴ ماه نخست وزیر بوده و حوادث جالبی بر او گذشته است. تالیف کتاب «شاهان در تبعید» نیز هنوز به پایان نرسیده. این کتاب زندگی چند تن از شاهان ایران مانند محمدعلی شاه قاجار، احمدشاه قاجار، رضا خان و محمدرضا شاه پهلوی را با اسناد و مدارک جدید شامل می شود.

پس از هفت سال، کتاب چهار جلدی «۶۱ سال» توسط نشر ثالث روانه بازار می شود. این کتاب به سرگذشت محمدرضا، شاه مخلوع، از دوران کودکی تا مرگ او به شیوه ای تحلیلی می پردازد. تصاویر موجود در این کتاب ۳۳۰۰ صفحه ای از ویژگی های جذاب آن به شمار می رود.

اسطوره برای کودکان

محمد رضا یوسفی، نویسنده



تالیف رمان «فرزندان رستم» یک طنز فانتری با الهام از اسطوره رستم شاهنامه برای نوجوانان در نیمه راه است. همچنین نگارش پنج فیلمنامه در مجموعه پنج جلدی «پیر مردها

و پیرزن ها» را در دست دارم که قرار است تله فیلم هایی نیز بر اساس این فیلمنامه ها ساخته شوند.

اما انتشارات سروش چند کار با عنوان های «افسانه آرش»، «شازده کرگدن» و «روزی دنیا همین رنگی می شود» را از من در دست انتشار دارد. «افسانه آرش» رمانی برای نوجوانان است و همزمان، یک سریال انیمیشنی بر اساس این داستان تولید می شود.

«شازده کرگدن» نیز رمانی در فضای طنز گونه برای نوجوانان و «روزی دنیا همین رنگی می شود» مجموعه داستانی شامل سه قصه برای کودکان است. انتشارات به نشر نیز انتشار رمان سورئال «اسب سفید» و رمان واقع گرایانه «بزرگی» را برای نوجوانان در دست دارد.

کار دیگری که انجام آن به پایان رسیده، بازنویسی داستان های عاشقانه شاهنامه برای نوجوانان است و با عنوان «افسانه های عاشقانه شاهنامه» توسط نشر پیک بهار منتشر و روانه بازار خواهد شد.

چند کتاب من نیز توسط انتشارات شبانویز به زودی منتشر می شود. رمانی تاریخی درباره زندگی کوروش با عنوان «کوروش برای نوجوانان» و «کمان آرش» داستانی اسطوره ای برای کودکان عنوان این کتابند. فیلمنامه فیلم سینمایی «یک وجب خاک خدا» که در حال حاضر بر پرده سینماها اکران می شود، بر اساس کتابی از من با همین عنوان نوشته شده است.

یادداشت

مرتضی کاخی

شاعر



معجزه های تازه حافظ



تاکنون از زوایای فراوانی به شعر حافظ نگاه شده اما شاید زوایای پنهانی در شعر این شاعر سرآمد ایران و جهان باشد که هنوز ناشناخته باقی مانده اند. حافظ شاعری چندوجهی است و همواره می توان با دیدگاه جدیدی به شعر او نگریست. به باورم هنوز هم فراواند نکته هایی برای دریافت و ادراک از شعر حافظ.

واژه هایی در شعر حافظ رسوخ کرده که تنها خاص اوست و شخصیت وی، بعدی دیگر بدان واژه بخشیده. یعنی واژه در شعر حافظ معنای دیگری از معنای عام آن دارد. از جمله این واژه ها «رند» است. واژه ای که به کرات در «تاریخ بیهقی» و «تذکره الاولیا» آمده و هرگز بدان معنایی که حافظ از آن ساخته، نبوده است. حافظ خود نمونه ای از «رند» است و چنان بعدی عظیم بدین واژه بخشیده که هیچ شخصی و حتی خودش دیگر نتوانسته برای واژه ای چنین کند.

از چنین شاعری همیشه امید تازه ای در شعر می رود، آن گونه که در هر دورانی می توان معنایی نوین از شعر او برداشت کرد. معنایی درخور زمان حال و وصف احوالات. مثلا این بیت: «ساقی به جام عدل بده باده تا گدا/ غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند» را اگر کسی در هر یک از انقلاب های بزرگ جهان چه قرن ۱۸، ۱۹ یا ۲۰ خوانده باشد، می تواند به خود بگیرد و برداشتی درخور زمان خود داشته باشد. زبان حافظ چند پیکانه است. چندین نقطه را در نظر می گیرد و شعرش با هر وضعیتی منطبق می شود. چنین امری در آینده نیز پیش خواهد آمد چرا که زبان این نظم همیشه در تغییر است.

از دوران کودکی به یاد دارم، روزی در مراسم مداحی و روزه خوانی که برای سیدالشهدا (ع) در خانه ما برپا بود. مداحی در شرح مصیبت های روز عاشورا به خواندن (در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود / کاین شاهد بازاری وان پرده نشین باشد) پرداخت. این همان زبان متغیر، چندوجهی و منطبق با شرایط گوناگون حافظ را نشان می دهد. پس از تصحیح اشعار حافظ توسط قاسم غنی و علامه محمد قزوینی، تا امروز نسخه های جدیدتری یافت شده که نسبت به نسخه های قدیمی کامل ترند. این نسخه ها با وجود محبوبیت حافظ در میان عامه مردم در قرن پیش، توانست محبوبیت حافظ را دو چندان و چهره او را بیشتر در نزد جهانیان نمایان کند. در تمام این سال ها که زیسته ام و حافظ خوانده ام، همیشه تغییر و معجزه ای نوین در غزل حافظ دیده ام. معجزه ای که توانسته پنجره ای از معانی وسیع تر زبان حافظ را بر من بگشاید.

ویژگی زبانی حافظ و تعبیر او نسبت به دو واژه «می» و «صوفی» نیز به کرات دیده شده است. برخی از حافظ پژوهان نوشته اند که شاید حافظ گاه میلی به گناه داشته و می می نوشیده اما آنجا که می گوید (دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند/ گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند) داشتن چنین تصویری درباره حافظ به تمامی اشتباه است.

با خوانش غزل های حافظ به این اندیشه دست یافتم که حافظ نظری خوش نسبت به صوفی و صوفیان نداشته، چرا که خود در جایی می گوید: «صوفی از پرتو می راز نهانی دانست/ گوهر هر کس از این لعل توانی دانست».

به هر حال حافظ شاعر همه زمان ها و زبان هاست؛ «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا» و همواره این اندیشه را در برخورد با شعر شاعری چون حافظ باید داشت که معجزه ای تازه در راه است.